

کتاب معلّم

عربی، زبان قرآن (۲)

پایه یازدهم

رشته ادبیات و علوم انسانی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: کتاب معلم عربی، زبان قرآن پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی

تألیف: عادل اشکبوس، اباذر عباچی، فاطمه یوسف‌نژاد

شورای برنامه‌ریزی درسی: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، حسن

حیدری، سید محمد دلبری

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹- ۸۸۳۱۱۶۱ دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ ، وبگاه: www.chap.sch.ir

صفحه آرا: ؟

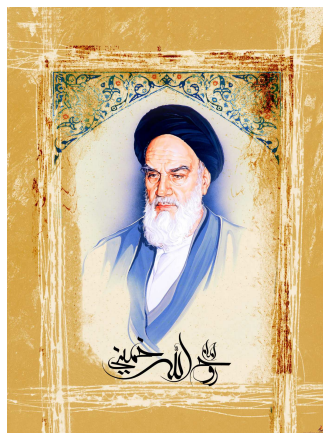
ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۵

حق چاپ محفوظ است.

شابک:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست شماره صفحات بعداً اصلاح می شود. می دانم ایراد دارد.

مقدمه	۵
بخش اول: اهداف کلی برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی	۶
بخش دوم: روش ها و منابع یاددهی-یادگیری	۱۰
بخش سوم: طرح درس	۲۰
بخش چهارم: امتحانات و بارمبندی	۲۸
بخش پنجم: توضیحات مشترک همه دروس	۴۲
بخش ششم: محتوای کتاب درسی پایه نهم و نحوه تدریس درس ها	۶۶
الدَّرْسُ الْأَوَّلُ ۱	۶۸
الدَّرْسُ الثَّانِي ۲	۸۰
الدَّرْسُ الثَّالِثُ ۳	۹۰
الدَّرْسُ الرَّابِعُ ۴	۹۸
الدَّرْسُ الْخَامِسُ ۵	۱۰۸
الدَّرْسُ السَّادِسُ ۶	۱۱۶
الدَّرْسُ السَّابِعُ ۷	۱۲۴
طرح پشت جلد	۱۶۵

مقدمه

آگاهی از اهداف برنامه درسی ملی و برنامه درسی عربی به معلم در رسیدن به اهداف آموزشی کمک می‌کند. مطالعه کتاب راهنمای معلم موجب می‌شود دبیر و دانش‌آموز هر دو در کلاس درس آرامش داشته باشند. دبیر می‌داند چه چیزهایی هدف آموزشی است و چه اموری هدف نیست. دانش‌آموز در جریان تدریس آشفته حال نمی‌شود. برخی از دبیران به گمان اینکه کتاب ناقص است مطالبی را به صورت جزوه به دانش‌آموزان ارائه می‌کنند. در حالی که آن مطالب یا مربوط به سال‌های آینده است، یا اینکه از اهداف آموزشی نیست.

آنچه شایسته است دبیر هر درسی از جمله درس عربی بداند این است که هرچه را دانش‌آموز در رشته زبان و ادبیات عربی نیاز دارد در طول دوره دبیرستان نمی‌آموزد. آن کس که علاقه‌مند است در دانشگاه مطابق با رشته‌اش صرف و نحو و متون عربی خواهد خواند.

برنامه‌ریزان تلاش می‌کنند تا رویکرد نگارش کتاب نونگاشت و نیز روش‌های تدریس مورد انتظار برنامه درسی را تبیین کنند، اما گاهی نتایج ارزشیابی‌ها از برنامه‌های درسی نشان‌دهنده فاصله میان «برنامه قصدشده» و «برنامه اجرا شده» است. یکی از اموری که در این باره می‌تواند تا حدودی مشکل را حل کند «کتاب راهنمای معلم» است. کتاب معلم پل ارتباطی میان برنامه‌ریزان و دبیران است.

اغلب دبیران برای تدریس در نظام آموزشی ایران متکی به کتاب درسی‌اند و کمتر درباره شیوه‌های تدریس و یادگیری و امکان تعدیل محتوای کتاب درسی و مطابقت آن با نیازهای دانش‌آموزان می‌اندیشند. گاهی برخی به کتابی که خود در دوره دانش‌آموزی خوانده‌اند یا کتابی که قبلاً تدریس داشته‌اند همچنان وفادار می‌مانند. برای برخی معلمان دشوار است که شیوه تدریس خود را که سال‌ها با آن خوی گرفته‌اند تغییر دهند. این گروه اندک هرچه را قبلاً آموخته‌اند درست می‌دانند و به شیوه‌های منسوخ دلبستگی دارند. برخی هنوز درس عربی را فقط صرف انواع فعل و ضمیر و اسم اشاره و مانند آنها می‌دانند. برای این گروه مهارت‌های شنیداری، خوانداری و سخن گفتن بی‌معناست؛ زیرا در گذشته خودشان نیز این‌گونه آموزش دیده‌اند. در کتاب‌های جدید تقویت مهارت‌های شفاهی زبان هدف مهمی است و این امر در بارم‌بندی نیز لحاظ شده است. همچنین در کتاب چهار متن مکالمه گنجانده شده است.

با تغییر رویکرد کتاب‌های درسی عربی به صورت «پرورش مهارت‌های چهارگانه زبانی به منظور فهم بهتر قرآن و متون دینی و زبان و ادبیات فارسی» بسیاری از دبیران در پی دانش‌افزایی خویش برآمدند. این تلاش در زمینه تقویت ذخیره واژگانی و کاربرد واژگان و نیز تقویت مهارت سخن گفتن است. همچنین هدف اصلی درس

عربی که فهم قرآن و متون دینی است با کتاب‌های جدید موجب می‌شود دبیران تلاش کنند تا با تجوید و تفسیر آیات و معانی احادیث و روایات آشنا گردند.

فلسفه آموزش عربی در ایران چیست؟

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.»

در «برنامه درسی ملی» در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:

«... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.»

در «برنامه درسی عربی» نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

۱. رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری به جای قاعده محوری.
۲. کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند آسیمی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد. در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شایستگی مورد انتظار برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی:

دانش‌آموزان علاقه‌مند و کوشا در این رشته می‌توانند در پایان دوره دوم متوسطه به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به سایر رشته‌ها دست یابند.

البته از آنجا که درس عربی در این رشته مانند رشته‌های دیگر هفته‌ای دو ساعت است لذا انتظار از دانش‌آموزان این رشته در حد همان دو ساعت تدریس هفتگی است. دانش‌آموز در دوره اول متوسطه حدود ۸۵۰ واژه پرکاربرد زبان عربی را یاد می‌گیرد که افزون بر اینکه در زبان عربی پربسامد هستند در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند. کلمات به کار رفته در کتاب‌های عربی پرکاربردترین واژگان زبان عربی هستند.

در این کتاب حدود ۳۰۰ کلمه پرکاربرد (با احتساب جمع‌های مکسر) به کار رفته‌اند و نزدیک به ۱۲۰۰ واژه کتاب‌های پیشین نیز در کتاب یازدهم تکرار شده‌اند؛ پس می‌توان گفت هدف این کتاب، آموزش نزدیک به ۱۵۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. ملاک گزینش کلمات پرکاربرد بودن آنها در قرآن، حدیث و متون ادب فارسی است.

بخش اوّل

اهداف کلی برنامه درسی عربی

و شبکه مفهومی

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه

عبارات اهداف در این جدول به صورت مفاهیم و مهارت‌هاست و با عنایت به ساختار شبکه‌ای نوشته شده است.

موضوع و پایه	هفتم	هشتم	نهم
واژگان	آموزش حدود ۴۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و ساده	آموزش حدود ۲۰۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده و تکرار واژگان عربی پایه هفتم	آموزش حدود ۲۲۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان عربی پایه هفتم و هشتم (با جمع‌های مکسر جمعاً ۸۵۰ کلمه)
قواعد	- اسم اشاره - فعل ماضی - ادوات استفهام - اسم از نظر عدد و جنس - اعداد اصلی یک تا دوازده (بدون ذکر قواعد)	- فعل مضارع - بقیه ادوات استفهام (لماذا، متى، کیف) - اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم (بدون ذکر قواعد) - فعل مستقبل - ترجمه داشتن (عندی...).	- شناخت فعل امر - شناخت فعل نهی - شناخت معادل ماضی استمراری - شناخت جایگاه صفت در ترکیب اضافی - ساعت‌خوانی - وزن و حروف اصلی
متون	- آیات و احادیث؛ - داستان کوتاه؛ - رنگ‌های اصلی؛ - روزهای هفته؛ - فصل‌ها.	- آیات کلام الله مجید؛ - احادیث معصومین (علیهم‌السلام)؛ - داستان کوتاه؛ - دوست‌یابی؛ - ارزش‌ها و فرهنگ جامعه؛	- آیات، احادیث، و امثال؛ - شعر و داستان؛ - آداب و مهارت‌های زندگی؛ - در مراکز زیارتی و دیدنی؛ - متن علمی.
مکالمه	- آشنایی، سلام و احوالپرسی، خداحافظی، تعارفات؛ - در شهرهای زیارتی؛ - در بازار؛ - پرسش از مکان، ماهیت، هویت و رنگ	- معرفی افراد به همدیگر؛ - وعده‌های غذایی؛ - پرسش از زمان و پاسخ بدان (اوقات شبانه روز، ماه و...) - پرسش از چرایی، چگونگی و شغل	- نحوه درخواست؛ - بازداشتن کسی از کاری؛ - احترام به قوانین جامعه مانند راهنمایی و رانندگی؛ - در سفر زیارتی.

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی دوره دوم متوسطه

موضوع و پایه	دهم	یازدهم
واژگان	آموزش حداقل ۳۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان کتاب‌های قبلی	آموزش حداقل ۳۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان قبلی
قواعد	- تکرار آموخته‌های قواعد دوره اول متوسطه - عددهای اصلی یک تا صد و ترتیبی یکم تا بیستم معدود ۱۱ تا ۹۹ که مفرد است و جمع بودن معدود ۳ تا ۱۰ و آمدن واحد واثان بعد از معدود و آشنایی با اعداد معطوف آموزش داده شده است؛ اما تطابق عدد و معدود از اهداف نیست. - آشنایی با ابواب ثلاثی مزید در حدی که به عنوان مثال تشخیص دهد یَعْلَمُ مضارع عَلِمَ است و شناسه واو را در افعالی مانند خَرَجُوا، تَخَرَّجُوا، اِسْتَخَرَجُوا، اَخْرَجُوا بشناسد؛ نوع باب را تشخیص دهد. تشخیص فعل لازم از متعدی هدف است که در کتاب مشترک هدف نیست. (معانی ابواب به دلیل داشتن استثنائات فراوان هدف نیست.) - تشخیص جمله اسمیه و فعلیه - تشخیص محل اعرابی: فعل، فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، مجرور به حرف جر (جار و مجرور)، مضاف الیه و صفت و تشخیص اعراب آنها (نه نهادن اعراب توسط دانش‌آموز بلکه تشخیص اعراب) - تشخیص و ترجمه درست فعل مجهول و شناخت نایب فاعل فقط در حالت اسم ظاهر - شناخت سه اعراب رفع، نصب و جر در اسم‌ها - شناخت نون وقایه	- تکرار آموخته‌های پیشین - شناخت اسم تفضیل، اسم مکان، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه - اسلوب شرط و ادوات آن - جمله بعد از نکره - اسم معرفه و نکره (دو نوع معرفه: معرف بال و معرف بآل و علم) - معادل فارسی مضارع التزامی، آینده منفی، ماضی بعید، ماضی استمراری و ماضی نقلی - معانی افعال ناقصه
متون	- شعر - متون علمی، ادبی و تاریخی - ارزش‌ها و فرهنگ جامعه، - آیات کلام الله مجید، - احادیث معصومین (ع)،	- شعر - متون علمی، ادبی و تاریخی - ارزش‌ها و فرهنگ جامعه، - آیات کلام الله مجید، - احادیث معصومین (ع)،

موضوع و پایه	دهم	یازدهم
مکالمه	- در فرودگاه، هتل، اداره گذرنامه، سالن بازرسی، تاکسی، داروخانه	در بازار، محیط ورزشی، مخابرات

بخش دوم

روش‌ها و منابع یاددهی-یادگیری

الف) اصول یاددهی- یادگیری

از اهداف کتاب شکوفایی فطرت پاک و دستیابی به مراتبی از «حیات طیّبه» است. برای حصول این امر افزون بر اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری به شرح زیرخواهد بود:

۱. امکان درک و تفسیر پدیده‌ها، وقایع و روابط را در موقعیتهای واقعی زندگی تدارک ببیند.
۲. انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع و روابط آنها شکوفا و تقویت کند.
۳. فرصتهایی را تدارک ببیند که شایستگی‌های کسب شده توسط دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.
۴. فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیتهای وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.
۵. با بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش و با سازماندهی نوآورانه و خلاق فرآیند جمع‌آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.
۶. صرفاً به انتقال دانش محدود نشده، بلکه زمینه تولید علم و پژوهش از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببیند.
۷. زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلّم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.
۸. زمینه بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آنها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی نه نگاه جایگزینی و واگذاری دنبال کند.

اصول یاددهی- یادگیری در درس عربی پایه یازدهم به گونه‌ای سامان داده می‌شود که:

۱. آموزش به صورت فعال و با مشارکت گروهی دانش‌آموزان اجرا شود.
۲. چگونه آموختن و چگونه اندیشیدن و چگونه به حلّ مسأله پرداختن به دانش‌آموز، آموزش داده شود.
۳. معلّم برای اطمینان‌یافتن نسبت به اعتبار فرایند یاددهی- یادگیری افزون بر ارزشیابی دانش‌آموزان نسبت به ارزشیابی از فعالیتهای خود مبادرت ورزد.

۴. آموزش زبان عربی با هدف پرورش مهارت‌های زبانی صورت می‌گیرد. در این میان نقش ترجمه و فهم عبارات و متون برجسته می‌گردد. در کتاب عربی زبان قرآن یازدهم هدف آن است که دانش‌آموز درست بخواند و معنای فارسی عبارات عربی را بفهمد.

تذکر مهم: در جدول وسعت و توالی هر جا سخن از قواعد آمده است؛ قاعده محض مورد نظر نیست بلکه هدف آن است که با مطالعه آن نکته فهم زبان حاصل گردد.

۵. در شیوه‌های نوین آموزش عربی به مهارت خواندن و شنیدن توجه بیشتر می‌گردد.

۶. سنجش مهارت‌های زبانی بر این مبنا صورت می‌گیرد: روان‌خوانی، ترجمه عبارات از عربی به فارسی، یادگیری عبارات و مصطلحات پربسامد و مهم زبان عربی برای تقویت مهارت سخن‌گفتن (به صورت پرسش و پاسخ میان دبیر و دانش‌آموز و یا در میان دانش‌آموزان) در مورد مهارت نوشتاری چون الفبای فارسی و عربی تقریباً یکی است؛ لذا این هدف در کتاب چندان مد نظر نبوده است.

(ب) شیوه‌ها و فعالیت‌های مناسب یاددهی-یادگیری:

شیوه‌های مناسب یاددهی - یادگیری با توجه به اهداف و رویکردهای برنامه انتخاب و به کار گرفته می‌شود. در این راهنما تنها به اصول کلی شیوه‌های یاددهی-یادگیری اشاره می‌شود.

اصول کلی شیوه‌های یاددهی-یادگیری عبارت‌اند از:

- قرائت:

در درس عربی روخوانی جایگاه خاصی دارد؛ از این رو معلم باید از توانایی درست‌خوانی و روان‌خوانی برخوردار باشد؛ تا بتواند متناسب با رویکرد اهداف و اصول برنامه آموزش دهد. تلفظ صحیح حروف «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و» آموزش داده می‌شود. حرف «ک» در عربی و فارسی نیز تاحدودی فرق دارد. با توجه به اینکه در نماز خواندن تلفظ درست مخارج حروف اهمیت دارد، لذا دبیر عربی به این بخش توجه دارد. دبیر درست تلفظ می‌کند تا دانش‌آموز با تلفظ صحیح آشنا شود و به تدریج و با ممارست آنها را بیاموزد.

- ترجمه:

دانش‌آموزی می‌تواند درست ترجمه کند که درست بخواند. در این بخش درست‌خوانی مهم است. نظر به جایگاه ارزشمند ترجمه در آموزش زبان عربی شایسته است از الگوها و شیوه‌هایی کارساز برای آموزش ترجمه بهره گرفته شود. گاهی استفاده از زبان فارسی در تفهیم فنون ترجمه کارآمد است؛ مانند تطبیق انواع فعل در دو زبان. به همین منظور بخش‌هایی به منظور آموزش مفاهیم بنیادین فنون ترجمه در کتب درسی آمده است.

- قواعد

نیاز دانش‌آموز عرب ساکن کشوری عربی در قواعد با نیاز دانش‌آموز ایرانی فرق دارد؛ قواعد کاربردی به عنوان اصلی اساسی مورد توجه برنامه‌ریزان، مؤلفان و معلمان قرار می‌گیرد. در یادگیری هر زبانی آموزش قواعد لازم است، توجه به قواعد کاربردی و یافتن شاهد از متن مورد تأکید است.

در این باره شایسته و بایسته است که:

۱. از تأکید بر حفظ قواعد و تعاریف خودداری شود؛ در آموزش عربی طرح چنین سؤالی در امتحان درست نیست: (ماضی بعید را تعریف کنید). سؤال درست این است که ترجمه این عبارت خواسته شود: (كَانَ أَخِي قَدْ سَاعَدَ أَصْدِقَاءَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ). وقتی که دانش‌آموز بتواند این جمله را ترجمه کند بدین معناست که معادل ماضی بعید را در زبان عربی فهمیده است.
۲. تدریس متکلم وحده در آموزش به ویژه در آموزش زبان نادرست است. دانش‌آموز باید در یادگیری نقش اصلی را داشته باشد.
۳. بر روش‌های اکتشافی و پرسش و پاسخ در این بخش در یادگیری تأکید شود؛ آنچه را دانش‌آموز با راهنمایی معلم دریابد و خودش پی ببرد آن‌گاه تمرین کند برایش ملکه ذهن می‌شود.
۴. به آموخته‌های پیشین دانش‌آموزان توجه گردد؛ دبیری که از واژگان کتاب قبلی بی‌اطلاع است همچنین نمی‌داند که فراگیر قبلاً چه قواعدی را خوانده است در تدریس با دشواری و کندی مواجه می‌شود.
۵. قواعد عربی به دستور زبان فارسی پیوند بخورد و آموزش قواعد برای فهم بهتر بومی سازی شود؛ برای نمونه وقتی که می‌خواهیم فعل مجهول (كُتِبَ و يُكْتَبُ) را آموزش دهیم بدیهی است که نخست باید فعل مجهول فارسی (نوشته شد و نوشته می‌شود) را تفهیم کرد. یا برای تفهیم معنای

«قَدْ أَفْلَحَ» و «كَانُوا يَسْمَعُونَ» ابتدا باید معنای ماضی نقلی و ماضی استمراری را در زبان فارسی توضیح داد.

۶. پاره‌ای از مباحث دستوری تأثیر چندانی در دریافت معنا ندارند؛ لذا برخی قواعد حذف می‌شود. مانند بحث غیر منصرف، انواع اعلال و ماقبل اعلال، نوع بناء در فعل ماضی و امر مانند ذهبوا و اذهبوا که برای دانش‌آموز ایرانی به ویژه در رشته ریاضی، تجربی و شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش سودی ندارد. قواعد در خدمت فهم عبارات و متون هستند؛ زیرا رویکرد کتاب‌های جدید عربی بر پایه مهارت‌های چهارگانه زبانی و متن محور است. به عبارت دیگر شناخت هدف است نه ساخت؛ لذا طرح سؤالی که بر اساس ساخت یا صَحِّحُ الْأَخْطَاءُ یا اعراب‌گذاری باشد، در روش جدید وجود ندارد؛ بلکه دانش‌آموز با ساختارهای درست و اعراب‌گذاری شده درست روبه‌رو می‌شود.

- تمرین‌ها:

در طرح تمرین به اصل مهم تثبیت آموخته‌ها توجه شده است. پاسخ به تمرینات هر درس نشانگر میزان موفقیت معلّم و دانش‌آموز در فرایند یاددهی- یادگیری است؛ لذا اتخاذ روش‌های فعال و مشارکتی در انجام تمرینات امری گریزناپذیر است.

معلّم در بخش تمرین نقش مدیر آموزشی را ایفا می‌نماید و از همه دانش‌آموزان می‌خواهد در این قسمت فعال باشند.

توصیه‌های اجرایی برنامه

شیوه‌های اشاعه و تقویت برنامه درسی:

۱. استفاده از بسته آموزشی

بسته آموزشی متون و برنامه‌های آموزشی برای برآوردن اهداف برنامه درسی است؛ شامل کتاب درسی، راهنمای تدریس معلم، کتاب کار، کتاب‌گویا، اعلان (پوستر)، فلش کارت، نرم‌افزار، پرده‌نگار (پاورپوینت)، فیلم، اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف)، وسایل کمک آموزشی، وب‌نوشت (وبلاگ) و وبگاه. در این خصوص دبیران توانمند و علاقه‌مندی وجود دارند که تاکنون کارهای ارزشمندی ارائه کرده‌اند. عضویت در گروه‌های شبکه‌های مجازی می‌تواند شما را از کارهای همکاران مطلع سازد. نشانی کانال گروه درسی

عربی: <https://t.me/ketabearabi>

۲. آگاه‌سازی مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

در مقدمه کتاب درسی بخش سخنی با مدیران و سخنی با اولیا وجود دارد. شایسته است دبیر از مدیر مدرسه درخواست کند این بخش را بخواند و از دانش‌آموزان نیز بخواهد که به اولیای خود بگویند بخش سخنی با اولیا را مطالعه کنند. در این قسمت مطالبی به منظور آگاه کردن مدیر مدرسه و ولی دانش‌آموز تنظیم شده است.

۳. گروه‌های آموزشی و انجمن‌های علمی معلمان

حضور فعال در مجامع گروه‌های آموزشی و تشکیل انجمن‌های علمی نقشی مهم در تحقق اهداف برنامه ایفا می‌کند. دبیران به عنوان افراد آشنا با مسائل آموزشی می‌توانند با شرکت در همایش‌ها و تشکیل انجمن‌های علمی، به عنوان بازوی اجرایی برنامه در سطح کشور ایفای نقش نمایند.

۴. دبیرخانه کشوری درس عربی

یک دبیرخانه توانا، همدل و همراه با دفتر تألیف به دلیل ارتباط با سرگروه‌های آموزشی استان‌های کشور می‌تواند به عنوان بازوی اجرایی نیرومند برنامه درسی عمل نماید.

۵. وبگاه گروه درسی عربی

گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی با به‌روزرسانی و توانمندسازی وبگاه خود می‌تواند با کلیه دست‌اندرکاران آموزش، دانش‌آموزان و اولیای آنان در ارتباط باشد.

وبگاه عربی دفتر تألیف همه وب‌نوشت (وبلاگ)‌های موفق دبیران عربی و نیز گروه‌های آموزشی و نیز وبگاه‌های تخصصی حوزه زبان و ادبیات عربی را پیوند (لینک) می‌کند. با مراجعه به وبگاه گروه می‌توان از وب‌نوشت (وبلاگ)‌های موفق معلمان آگاه شد.

نشانی وبگاه گروه عربی: <http://arabic-dept.talif.sch.ir>

۶. جشنواره کتاب رشد

این جشنواره می‌تواند کتاب‌هایی را به معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آنان معرفی کند که برای تحقق اهداف برنامه، مؤثر باشد. همچنین می‌توان با مراجعه به سامانه <http://samanketab.roshd.ir> از کتاب‌های سودمند برای مدرسه آگاهی یابد.

۷. نقد و بررسی کتاب‌های درسی

نقد و بررسی کتاب‌های درسی به صورت نشست تخصصی با حضور استادان، مؤلفان، معلمان، کارشناسان و دیگر صاحب نظران برای شناخت بهتر محتوا و مسائل آموزشی توصیه می‌شود. کارشناسان گروه‌های درسی همیشه در همایش‌های دبیران عربی استان‌ها شرکت می‌کنند

بخش سوم

طرح درس

به نام خدا طرح درس روزانه پیشنهادی - کتاب عربی عمومی پایه یازدهم				
نام دبیر:		تاریخ:		نام مدرسه:
درس:	موضوع درس:	صفحه:	مدت:	تهیه کننده:
اول	مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ	... تا ...	۷۵ دقیقه	
الف - بخش نظری: اهداف				
۱	رئوس مطالب	۱- صفحه ورود به درس ۲- متن درس ۳- واژه‌های جدید ۴- درک مطلب ۵- قواعد		
۲	اهداف کلی	۱. آشنایی با کلمات جدید و یادآوری کلمات پایه‌های پیشین ۲. شناخت اسم تفضیل و اسم مکان ۳. آشنایی با بخشی از آیات پرکاربرد قرآن		
۳	هدف‌های رفتاری	دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱. واژه‌های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند. ۲. متن درس را درست بخواند و بفهمد و ترجمه کند. ۳. اسم تفضیل را در حالت‌های مختلف تمییز دهد، در جمله بشناسد و درست ترجمه کند. ۴. اسم مکان را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.		
۴	رفتار ورودی	۱. صفت تفضیلی، صفت عالی و اسم مکان را در دستور زبان فارسی بشناسد. ۲. توانایی قرائت عبارات ساده عربی را داشته باشد.		
۵	ارزشیابی تشخیصی	نتایج ارزشیابی زیر نقطه شروع آموزش را مشخص می‌کند. ۱. برای صفت ساده، برتر و برترین در زبان فارسی مثال بزند؛ مثال: زیبا، زیباتر و زیباترین. ۲. برای اسم مکان در زبان فارسی مثال بزند؛ مثال: فروشگاه، آشپزخانه، دانشکده، مهمانسرا و ...		
	نتیجه	در صورت پاسخ به این سؤالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.		

تهیه طرح درس به منظور سامان‌دهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است.

بیشتر دبیران توانا پس از چند سال تدریس عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند.

در طرح درس باید به ارزشیابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانش‌آموز که در چنین آموزشی روی می‌دهد توجه شود.

ب- فرایند آموزش: مراحل تدریس و تنظیم محتوا ۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
۳	۱- سلام و احوال‌پرسی ۲- حضور و غیاب ۳- قبل از شروع تدریس معلّم باید روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.	معارفه	۱
۵	اهمّیت آموختن اسم تفضیل و اسم مکان را در زبان برای دانش‌آموز شرح می‌دهیم.	ایجاد انگیزه	۲
	۱. اشاره به کاربرد فراوان این دو نوع اسم در زبان. ۲. اشاره به متن حِوَار فی سوق مشهد و جایگاه مهم این گفت‌وگو در موقعیت‌های واقعی در زندگی.		
۲	در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم: دانش‌آموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم. بهره‌گیری از آیات پندآمیز ۱۷ تا ۱۹ سورة لقمان برای آشنایی دانش‌آموزان با زبان قرآن	معرفی درس و بیان اهداف	۳
۴۵	این درس در سه جلسه به راحتی قابلیت تدریس دارد. جلسه نخست: ترجمه متن درس توسط دانش‌آموز با توجه به الْمُعْجَم و حلّ درک مطلب؛ از کتاب گویا برای روان‌خوانی کلمات معجم و متن درس کمک می‌گیریم. دانش‌آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه و زیر نظر ما ترجمه می‌کنند. جلسه دوم: قرائت و توضیح بخش «اعلموا» و تمرین بخش «حوار» بخش «اعلموا» را دانش‌آموزی خوش‌صدا و دارای صدای رسا می‌خواند و درباره آن سؤال می‌-	شروع تدریس و ارائه درس	۴

		کنیم؛ دانش‌آموزان مناسب را شناسایی می‌کنیم تا هر جلسه یکی از آنها قرائت کند. ^۱		
		جلسه سوم: حل تمرینات و ارائه گزارش دانش‌آموزان داوطلب که بخش «پژوهش» را انجام داده‌اند.		
۵	خلاصه درس	با استفاده از قلم رنگی از دانش‌آموزان می‌خواهیم خلاصه قواعد درس را رنگی کنند.	۵	و
	نتیجه‌گیری	از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که درس را در چند جمله کوتاه خلاصه کند. در صورتی که درست خلاصه نکرد ما درس را خلاصه می‌کنیم.		
۱۰	ارزشیابی	این موارد را از دانش‌آموز می‌خواهیم:	۶	بعد از تدریس
		۱. برای اسم تفضیل و اسم مکان در دستور زبان فارسی و عربی مثال بزنند.		
		۲. شبیه متن جوار درس را در کلاس اجرا کنند.		
-	تکلیف	حل داوطلبانه تمرینات درس به منظور آمادگی بهتر در جلسه آینده.	۷	
۳	معرفی	یافتن اسم تفضیل و اسم مکان در قرآن و حدیث با استفاده از نرم‌افزار و اینترنت.		
	فعالیت‌های خلاقانه	یافتن «داستان»، «آیا می‌دانید که» و «ابتناسامات» به زبان عربی	۸	
		یافتن وب‌نوشت (وبلاگ)، وبگاه، نرم‌افزار آموزشی، پرده‌نگار (پاورپوینت) و تصاویر آموزشی مناسب.		
۷۵	زمان تقریبی			

^۱ برای قرائت متن درس و بخش مکالمه باید همه دانش‌آموزان فعال باشند؛ حتی اگر خوش صدا نباشند.

جدول زمان‌بندی سالانه پیشنهادی کتاب «عربی، زبان قرآن» پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی						
	ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعالیت
پنجم سال اول	مهر	اول	۱		۱	جلسه آشنایی با دانش‌آموزان و آغاز تدریس نخستین درس کتاب: قرائت و ترجمه متن و حل بخش درک مطلب (احتمال دارد که جلسه اول به دلیل برخی مشکلات برگزار نشود)
		دوم	۲		۱	خواندن بخش «اعلموا» از نخستین درس توسط دانش‌آموز و پاسخ به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان و قرائت و ترجمه متن حواری و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایش این بخش در جلسه آینده
		سوم	۳		۱	حل تمرینات درس اول، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
		چهارم	۴		۱	آزمون کتبی کوتاه یا ادامه تدریس درس اول؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	آبان	اول	۵		۲	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
		دوم	۶		۲	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛
		سوم	۷		۲	حل تمرینات درس دوم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب

		چهارم	۸		۲	آزمون کتبی کوتاه؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
		اول	۹		۳	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
		دوم	۱۰		۳	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلّم؛ و قرائت و ترجمه متن حوّار و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده
		سوم	۱۱		۳	حل تمرینات درس سوم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
		چهارم	۱۲		۳	آزمون کتبی کوتاه؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
		اول	۱۳		۴	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
		دوم	۱۴		امتحانات	برگزاری امتحانات نوبت اول
		سوم	۱۵		امتحانات	ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول
		چهارم	۱۶		۴	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلّم
		دی				

نهم سال دوم	بهمن	اول	۱۷		۴	حل تمرینات درس چهارم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا (وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
		دوم	۱۸		۵	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
		سوم	۱۹		۵	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ و قرائت و ترجمه متن حواری و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده
		چهارم	۲۰		۵	حل تمرینات درس پنجم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	اسفند	اول	۲۱		-	امتحان درس ۴ و ۵
		دوم	۲۲		۶	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
		سوم	۲۳		۶	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم
		چهارم	۲۴		۶	حل تمرینات درس ششم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	فروردین	اول	۲۵		----	تعطیل عید نوروز
		دوم	۲۶		----	تعطیل عید نوروز
		سوم	۲۷		۷	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب

اردیبهشت	چهارم	۲۸		۷	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلّم؛ و قرائت و ترجمه متن حِوَار و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده
	اوّل	۲۹		۷	حلّ تمرینات درس هفتم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وب‌نوشت (وبلاگ) مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	دوم	۳۰		امتحان	آزمون درس ۶ و ۷
	سوم	۳۱		دوره	حلّ نمونه سؤال پایانی و رفع اشکال
	چهارم	۳۲		دوره	حلّ نمونه سؤال پایانی و رفع اشکال

بخش چهارم

بارمبندی

و

نمونه سؤال امتحانی

درج نمونه سؤالات کتاب معلّم توسط هر انتشاراتی به جز انتشارات وابسته به سازمان پژوهش یا دارای مجوّز از آن ممنوع است.

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم نوبت اول ^۱ (از درس اول تا پایان متن و درک مطلب درس چهارم)				
مهارت‌های زبانی	نمره	موضوع	جمع	نمره
الف: مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن ترجمه دو کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۰,۵	۲ نمره
	۲	مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۰,۵	
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۰,۵	
	۴	نوشتن مفرد یا جمع دو اسم (در حد اسم‌های خوانده شده)	۰,۵	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۵	ترجمه جمله‌های کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	۷ نمره
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰,۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص (شش جای خالی)	۱,۵	
ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۸	ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند دَخَلَ و خَرَجَ یا در قالب مصوّر (ارتباط دادن جملات به تصاویر) (شش مورد)	۱,۵	۷,۵ نمره
	۹	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چند کلمه سه مورد)	۰,۷۵	
	۱۰	تشخیص اسم مکان و ترجمه آن در جمله	۰,۵	
	۱۱	تشخیص اسم تفضیل و ترجمه دقیق آن در جمله	۱	
	۱۲	ترجمه دقیق جمله دارای اسلوب شرط	۱	
	۱۳	تشخیص فعل شرط و جواب آن	۰,۵	
	۱۴	اعراب: تشخیص نقش کلمه و علامت اعرابی آن (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا مرفوع، خبر مرفوع، مضاف الیه مجرور، صفت، جار و مجرور یا مجرور به حرف جر)	۱	
	۱۵	تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه	۱	
	۱۶	عدد اصلی یا ترتیبی	۰,۲۵	

^۱ توضیحات پاورقی بارم‌بندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند؛ لذا حتماً پیش از طرح سؤال به پاورقی بارم‌بندی نوبت دوم مراجعه کنید.

۳ نمره	۱۷	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۸	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی) یا ارائه شش جمله همراه با هشت کلمه که دانش‌آموز باید هر جمله را به توضیح مناسبی آن وصل کند. یا در هر دو مورد ۱۳ و ۱۴ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	د: مهارت درک و فهم
	۱۵				
۰,۵ نمره	۱۹	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده	۲۰	طرح سؤال از بخش حوار مانند (جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب) ، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده ، دو گزینه‌ای و ...	هـ: مهارت مکالمه
	۰,۲۵		۰,۲۵		

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی نوبت دوم ^۱				
مهارت‌های زبانی	نمره	موضوع	جمع	نمره
الف: مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (دو مورد و زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۰,۵	۲
	۲	تعیین کلمات مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۰,۵	
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه ^۲ (دو مورد)	۰,۵	
	۴	نوشتن مفرد یا جمع اسم ^۳ (در حد اسم‌های خوانده شده)	۰,۵	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۵	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	۷
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰,۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص (شش مورد)	۱,۵	
ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۸	ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مجهول، مستقبل، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند دَخَلَ و خَرَجَ یا در قالب مصوّر (ارتباط دادن جملات به تصاویر) شش مورد	۱	۷,۵
	۹	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چند کلمه (چهار مورد)	۰,۵	
	۱۰	شناخت اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان	۱	
	۱۱	اسلوب شرط (تعیین فعل یا جواب شرط یا ترجمه دقیق اسلوب شرط)	۰,۵	
	۱۲	ترجمه دقیق جمله بعد از اسم نکره و سایر قواعد درس پنجم	۰,۵	
	۱۳	ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، حَتَّى» در جمله یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف	۱	

^۱ توضیحات پلورقی بarm‌بندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند.

^۲ طرح این سؤال دشوار است. نباید دانش‌آموز در انتخاب دو گزینه سرگردان شود؛ مثال: نافذة، جدار، باب، صدر.

پاسخ: ← نافذة مؤنث است بقیه مذکر؛

پاسخ: ← «پنجره و در و دیوار» در یک گروهند و «سینه» از اعضای بدن است و با سه کلمه دیگر فرق دارد.

دَهَبَنْ، اسْتَرْجَعَا، يَعْمَلُونَ، فَتَحَ. پاسخ: ← ذهن مؤنث و بقیه مذکر هستند. يَعْمَلُونَ مضارع و بقیه ماضی‌اند. سوم شخص مفرد

ماضی استرجع بیش از سه حرف است و بقیه فقط سه حرف است؛ از سوی دیگر اصلاً این سؤال از قواعد است نه از معنا.

^۳ هرچند در بarm‌بندی این سؤال نیم نمره‌ای در بخش ترجمه آمده است؛ اما در اصل مربوط به قواعد است.

	۱	ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «کَمْ، لَ، لا» در جمله یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف	۱۴	
	۱	ترجمه دقیق افعال ناقصه «کَانَ، صَارَ، کَانَ» در جمله (تأکید در طراحی سؤال بر شکل‌های مختلف فعل کَانَ است)	۱۵	
	۱	إعراب: تشخیص نقش کلمه و علامت اعرابی آن (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا مرفوع، خبر مرفوع، مضاف الیه مجرور، صفت، جار و مجرور یا مجرور به حرف جر)	۱۶	
۳ نمره	۱,۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۷	د: مهارت درک و فهم
	۱,۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی) یا ارائه شش جمله همراه با هشت کلمه که دانش‌آموز باید هر جمله را به توضیح مناسبی آن وصل کند. یا در هر دو مورد ۱۵ و ۱۶ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	۱۸	
۰,۵ نمره	۰,۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده ^۱	۱۹	ه: مهارت مکالمه
	۰,۲۵	طرح سؤال از بخش حوار (مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...	۲۰	

^۱ پیشنهاد می‌شود سؤال با توجه به تصویر طراحی شود؛ مثلاً با توجه به تصویر میزی که کیفی رویش است سؤال شود: «ماذا عَلَى الْمِنْصَدَةِ؟» و پاسخ‌های «حقیبة»، «الحقیبة»، «على المنصدة حقیبة»، «الحقیبة على المنصدة». همه را درست می‌گیریم؛ زیرا در همه این پاسخ‌ها دانش‌آموز متوجه سؤال شده و پاسخ‌های کوتاه یا بلند او همگی اشاره به موفقیت او دارند.

تذکرات برای طراحى سؤالات امتحانى

- ۱- سؤالات امتحان، کنکور و مسابقات باید کاملاً حرکت گذاری شوند.
- ۲- شایسته است صورت سؤال از نظر ساختاری و واژگانی آن درست و مفهوم باشد.
- ۳- در طراحى سؤال امتحان نوبت اول طراح مجاز است تا یک نمره در بارمبندی تغییراتی اجرا نماید؛ ولی در نوبت دوم بارمبندی باید دقیقاً رعایت شود.
- ۴- بار اصلی سؤالات امتحانی، ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که همراه تنوع است.
- ۵- در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.
- ۶- فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:
Traditional ، B Badr ، KFGQPC Uthman Taha NaskhT، Adobe Arabic
Simplified Arabic ، Arabic
- ۷- طرح سؤال امتحان نوبت اول (دی ماه) و دوم (خرداد ماه) از بیست نمره است.
- ۸- طرح سؤال امتحان کتبی میان نوبت اول و دوم از پانزده نمره است. معمولاً برای امتحان میان نوبت بارمبندی تعیین نمی‌شود. اگر دبیری علاقه‌مند است که بر اساس بارمبندی خاصی سؤال طرح کند. می‌تواند این‌گونه عمل کند:
مهارت واژه‌شناسی از ۲ نمره به ۱ نمره و مهارت ترجمه به فارسی از ۷ نمره به ۵ نمره و مهارت درک و فهم از ۳ نمره به ۲ نمره و قواعد از ۷,۵ نمره به ۶,۵ نمره کاهش می‌یابد. در نتیجه پنج نمره کاسته می‌شود که برای نمره شفاهی است. (حدوداً ۴ نمره روخوانی و ۱ نمره مکالمه)
در مکالمه مشابه این سؤالات مطرح می‌شود؟
لماذا تأتي إلى المدرسة؟ بِمَ جئت إلى المدرسة؟ كم مرة سافرت إلى مشهد؟ مِن أين أنت؟ كم عمرك؟
كيف حالك؟ أين بيتك؟ أَيُّ فاكهة تحب؟ متى ترجع إلى بيتك؟ كم الساعة؟ ماهو لون الباب؟ لماذا تدرس؟ ماذا تأكل للغداء؟ هل أنت نشيط؟ أ دفتّر على المُنضدة أم كتاب؟ لِمَن تلك الحقيبة؟
- ۹- در سؤال شماره ۸: (ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند صَبَرَ و

قَهْمَ) قرائنی مانند اسم و ضمیر باید در جمله وجود داشته باشد تا دانش‌آموز بتواند به کمک آنها فعل مورد نظر را دقیق ترجمه کند.

۱۰- در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسی است؛ مثال:

أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً. یا حَبِیبِی، رَجَاءً، ... کَلَامِی. (اِسْمَعْ □ اِسْمَعُوا □)

تَرْجِمِ الْكَلِمَةَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ. یا زُمَلَانِی، مِنْ فَضْلِكُمْ، اِذْهَبُوا اِلَى صُفُوفِكُمْ.

۱۱- در سؤالات چندگزینه‌ای دو یا سه گزینه ارائه می‌شود. (اما در بخش کلمات ناهماهنگ چهار کلمه داده می‌شود).

۱۲- ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون یا مسابقه‌ای طرّاحی نمی‌شود.

۱۳- طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی یا امر باشند باید در جمله و همراه قرائن مناسب باشد و اگر در امتحان از طرح چنین سؤالاتی خودداری شود بهتر است.

۱۴- در تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طرّاحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد نباید دارای تغییراتی مانند اعلال حذف باشد.

۱۵- آموزش و ارزشیابی مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود و مطابقت موصوف و صفت مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست. حفظ عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم از اهداف کتاب است.

۱۶- طرح سؤال در مورد تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن در قالب سؤال چندگزینه‌ای اشکالی ندارد؛ ولی باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست:

ضمیر منفصل منصوب مانند إِيَّاكَ؛ تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی مانند هَذَانِ و هَذَيْنِ، کاربرد هَذِهِ و تِلْكَ برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۷- پر کردن جای خالی در بخش «حوار» در امتحان باید منطقی باشد. طبیعی است که حفظ متن دشوار است. به عنوان مثال پیشنهاد می‌شود متن «حوار» داده شود و چهار جای خالی داشته باشد و هشت

کلمه ارائه شود تا دانش‌آموز از آنها در جای خالی استفاده کند. در ترجمه عربی به فارسی نیز می‌توان نیم نمره از این بخش طراحی کرد.

۱۸- در تشخیص محلّ اعرابی در جمله، نهادنِ اِعرابِ رفع، نصب و جر از اهداف کتاب نیست و کلماتِ جمله باید اعراب‌گذاری کامل شده باشد. امّا تشخیص اینکه فاعل مرفوع است از اهداف است؛ مثلاً این سؤال مورد تأیید است: عَيْنَ الصَّحِيحِ.

سَاعَدَ ... أَصْدِقَاءَهُمْ. الْأَوْلَادَ □ الْأَوْلَادِ □ الْأَوْلَادُ □

۱۹- طرح سؤال از اعراب‌گذاری کلماتِ جمله، مطلقاً ممنوع است.

۲۰- در تشخیص مشتقات ذکر جامد و مشتق لازم نیست؛ امّا ذکر نوع مشتق لازم است.

۲۱- در اسم فاعل و اسم مفعول مانند ناظِر و منظور و مُنْتَظَر و مُنْتَظَر برای مثال ذکر اینکه ناظِر اسم فاعل ثلاثی مجرّد و مُنْتَظَر اسم فاعل ثلاثی مزید می‌باشد، در کتاب درسی تدریس شده و از اهداف آموزشی است.

۲۲- در این بخش از سؤالات امتحانی «تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ» بهتر است که دبیر سؤالی خارج از کتاب مطابق چارچوب قاعده درس طرح کند.

۲۳- در طرح سؤال مکالمه به دو صورت می‌توان عمل کرد:

یکی ارائه تصویر و طرح سؤال از تصویر و دیگری پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه کلمات با دادن دو کلمه اضافه

بارم‌بندی امتحان شفاهی عربی زبان قرآن (۲) پایه یازدهم، میان نوبت اول و دوم رشته ادبیات و علوم انسانی			
مهارت ها	شماره	موضوع	نمره
مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن‌گفتن	۱	روان‌خوانی (بدون درنگ و خطا، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) یا حفظ شعر و اجرای گروهی آن یا اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها	۴
	۲	مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ماهی، یم، من، لمن، أين، من أين، ممن، کم، هل، أ، متی، کیف، لماذا، لِمَ، عَمَّ، أی) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۱
جمع نمره‌ها			
۵			

تذکرات:

۱. امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۵ نمره) و شفاهی (از ۵ نمره) می‌باشد؛ ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.
۲. تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهده بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود، حتی الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند، و تمرین کنند؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است، و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.
۳. در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «ما اسمک؟» پاسخ دهد «سعید»، کاملاً درست است، و نیازی نیست پاسخ دهد: «اسمي سعید». در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش‌آموزی سؤال شد: «أین أنت؟» و پاسخ داد: «أنا في ...». و درنگ کرد، و نتوانست بگوید: «أنا في الصَّف» در حقیقت نیمی از نمره را گرفته است؛ چون سؤال را فهمیده است.
۴. یکی از موارد امتحانی این است که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند. یا اگر فعالیت در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵. بدیهی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین هرآنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶. رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش‌آموز نیست. مخصوصاً اینکه او باید در پاسخگویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دبیر ارجمند درخواست می‌گردد این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش‌آموز خاطره خوش از مکالمه داشته و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.

۷. حفظ عین مکالمات کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش‌آموزان نمی‌خواهیم عین عبارت‌ها را حفظ کنند. دانش‌آموز می‌تواند با ذوق و سلیقه خود و شرایط موجود تغییراتی در متن ایجاد کند.

نمونه سؤال پیشنهادی

امتحان

نوبت اوّل و دوم

بِسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ، فَرْعُ الْأَدَبِ وَالْعُلُومِ الْإِنْسَانِيَّةِ، الْفَصْلُ الْأَوَّلُ، فِي ثَلَاثَةِ دُرُوسٍ وَ نِصْفٍ، الْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، التَّارِيخُ: ... / ١٠ / ... الْمِنْطَقَةُ: الْمُدْرُسُ: الْأِسْمُ الْأَوَّلُ وَالْإِسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
الف. مهارت ترجمه (هفت نمره)		
ردیف	پرسش	بارم
مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. ﴿يَا بُنَيَّ، أَقِمِ الصَّلَاةَ﴾ الْإِنْتِعَادُ عَنِ الْأَرَادِلِ.	۰,۵
۲	اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. أَحِبَّةٌ / مُسَاعِدٌ / أَعْدَاءٌ / مُعِينٌ / مُغْلَقٌ = ≠	۰,۵
۳	اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. أَقْوَاهُ: جَنَاحٌ:	۰,۵
۴	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الف. الشَّعْبُ □ النَّاسُ □ الْأُمَّةُ □ السُّلْمُ □ ب. الشَّلَالُ □ الشَّرْطِيُّ □ الْحُلُونِيُّ □ الْحَبَّازُ □	۰,۵
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
۵	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. ۱. ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ﴾ (۱) ۲. السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ. (۱) ۳. أَرَادَ قَنْبَرٌ أَنْ يَسْبُ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ؛ فَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: مَهْلًا يَا قَنْبَرُ. (۱) ۴. نَقَّارُ الْخَشَبِ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ. (۱) ۵. نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسِيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ. (۱)	۵

۰,۵	۶ اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱. وَ اِنْ شَكَوْتُ اِلَى الطَّيْرِ نُحْنِ فِي الْوُكُنَاتِ. الف. و اگر شکایتم را پیش پرنده‌ها ببرم، در آشیانه‌ها گوش فرا دهند. ☐ ب. و اگر به پرندگان گلایه کنم، در لانه‌ها شیون کنند. ☐ ۲. مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ. الف. هرکس آزموده را بیازماید پشیمان می‌شود. ☐ ب. کسی‌که به سخن شخص با تجربه توجه نکند زیان می‌بیند. ☐
۱,۵	۷ اِمْلَأْ فَرَاقَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ. ۱. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بهترین کسی است که عیب‌هایتان را به شما ۲. يُحِبُّ الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ، وَلِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، كَالْاهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ، وَالِاِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ. پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در حالت ببینند و به همین خاطر همیشه آنها را به کارهای درست مانند اهمیت دادن به و میانه‌روی در آب و برق.
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)	
۱,۵	۸ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: ۱. أَنَا دَخَلْتُ غُرْفَتِي. ۲. هِيَ سَتَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا. ۳. رَجَاءٌ، اِصْبِرْ قَلِيلًا. ۴. مِنْ فَضْلِكُمْ، لَا تَلْعَبُوا هُنَا. ۶. هُمْ كَانُوا يَرْجِعُونَ بِسُرْعَةٍ. ۷. اَلطَّالِبَاتُ، مَا عَمِلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ.
۰,۷۵	۹ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ. ۱. يَا أَوْلَادُ، رَجَاءٌ، فِي الشَّارِعِ. لا تَلْعَبْ ☐ لا تَلْعَبُوا ☐ لا تَلْعَبِي ☐ ۲. اَلطُّلَّابُ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِهِمْ. يَسْتَمِعُونَ ☐ تَسْتَمِعُونَ ☐ تَسْتَمِعُ ☐ ۳. أَمَا يَ يَا زَمِيلِي الْعَزِيزَ؟ عَرَفْتُ ... ☐ عَرَفْتُ ... ☐ عَرَفْتَنَ ... ☐
۰,۵	۱۰ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ.

	شَاهِدُنَا مَطْبَحُ الْفُنْدُقِ فِي السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ مَسَاءً.	
۱۱	عَيَّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ، ثُمَّ تَرْجِمِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فَقَطْ. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.	۱
۱۲	عَيَّنِ فِعْلَ الشَّرْطِ فِي الْجُمْلَةِ الْأُولَى وَ جَوَابَ الشَّرْطِ فِي الْجُمْلَةِ الثَّانِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَتَيْنِ. ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾ مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.	۱
۱۳	تَرْجِمِ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ. رَأَيْتُ شَجَرَةً. الشَّجَرَةُ كَانَتْ عَجِيبَةً.	۰,۵
۱۴	أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. سَحَلْتُ مُنْظَمَةَ الْيُونِسْكُو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.	۱
۱۵	عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ. هَجَمَتُهُ قُوِيَّةٌ مِنْ لَاعِبٍ قَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ، اغْفِرْ لَنَا. يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ	۱
۱۶	اُكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا. سَبْعُونَ نَاقِصٌ سِتِّينَ يُسَاوِي	۰,۲۵
د. مهارت درک و فهم (دو نمره)		
۱۷	ضَعِ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» ۱. الْوُكْنَةُ ○ زِينَةُ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ. ۲. الْكِرَامَةُ ○ مَنْ يُعْجِبُكَ شَكْلُهُ وَكَلَامُهُ وَسُلُوكُهُ. ۳. الْمَرْمَى ○ شَرَفٌ وَعَظَمَةٌ وَعِزَّةٌ النَّفْسِ. ۴. الْمَلِيحُ ○ حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ. ۵. الرُّفَاتُ ○ تَرَكُّ الصَّدِيقِ أَوْ الْمُحِبِّ. ۶. السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطُّيُورِ. ۷. الْحَيَّةُ ۸. الْهَجَرُ ۱,۵	۱,۵

۱۸	اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ. أَنَا مِهْرَان. أَعِيشُ فِي قَرْيَةٍ صَغِيرَةٍ بِاسْمِ بِطْرُود فِي مَازَنْدَرَان. وَالِدِي فَلَّاحُ وَوَالِدَتِي طَبَاخَةٌ. نَحْنُ أُسْرَةٌ سَعِيدَةٌ. الْيَوْمُ يَوْمُ الْخَمِيسِ. أُمِّي طَبَخَتْ حَلَوِيَّاتٍ قَبْلَ سَاعَتَيْنِ. هِيَ تَطْبُخُ حَلَوِيَّاتٍ طَيِّبَةً. ثُمَّ تَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ، فَيَشْتَرِي النَّاسُ مِنْ حَلَوِيَّاتِهَا لِأَنَّهَا لَذِيذَةٌ جِدًّا. أُمِّي وَضَعَتْ الْحَلَوِيَّاتِ عَلَى الْمِنْصَدَةِ فِي غُرْفَةِ الْإِسْتِقْبَالِ. أُخْتِي الصَّغِيرَةُ مِهْرِي كَانَتْ جَائِعَةً، فَصَعِدَتْ عَلَى الْمِنْصَدَةِ بَعِيدَةً عَنِ الْعُيُونِ فَسَقَطَتْ وَبَدَأَتْ بِالْبُكَاءِ. خَافَتْ أُمِّي كَثِيرًا، فَدَهَبَتْ إِلَيْهَا وَشَاهَدَتْهَا بِخَيْرٍ. عُمُرُ أُخْتِي خَمْسُ سَنَوَاتٍ. ۱. هَلِ انْكَسَرَتْ يَدُ الْبِنْتِ الصَّغِيرَةِ؟ ۲. مَتَى صَنَعَتِ الْوَالِدَةُ الْحَلَوِيَّاتِ؟ ۳. أَيْنَ وَضَعَتِ الْوَالِدَةُ الْحَلَوِيَّاتِ؟ ۴. مَا اسْمُ الْبِنْتِ الصَّغِيرَةِ؟ ۵. مَاذَا صَنَعَتِ الْوَالِدَةُ؟ ۶. كَمْ عُمُرُ مِهْرِي؟	۱,۵
هـ . مهارت مکالمه (۰,۵ نمره)		
۱۹	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ. كَيْفَ حَالُكَ؟	۰,۲۵
۲۰	رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سَوْالاً وَ جَوَاباً صَاحِباً. الْحَكْمُ / بِسَبَبِ التَّسَلُّلِ / مَا قَبِلَ / الْهَدَفُ / لِماذا / ؟ / . - چرا داور گل را نپذیرفت؟ - به دلیل آفساید.	۰,۲۵

بِسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ، الْفَصْلُ الثَّانِي، فَرْعُ الْأَدَبِ وَالْعُلُومِ الْإِنْسَانِيَّةِ، الْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، التَّارِيخُ: ... ١٣/ ... الْمِنْطَقَةُ: الْمُدْرَسُ: الْأِسْمُ الْأَوَّلُ وَالْإِسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
الف. مهارت ترجمه (هفت نمره)		
ردیف	پرسش	بارم
مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورُهُمْ﴾	۰,۵
۲	ضَعِ الْمُتَرَادِفَ وَالْمُتَضَادَّ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ. = ≠ الْعَدَاوَةُ / الْأَحْيَاءُ / الشَّمَالُ / الْإِبْتِعَادُ / الْأَعْلَى الْيَسَارُ = الْأَسْفَلُ ≠	۰,۵
۳	اَكْتُبْ مُفْرَدَةً أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. أَصْحَابُ: مَعْصِيَةٌ:	۰,۵
۴	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف. لِسَان □ صَوْم □ وَجْه □ عَيْن □ ب. نَطَق □ حَكَى □ كَبَّر □ حَدَّث □	۰,۵
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
۵	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. ۱. ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ (٠,٧٥) ۲. يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ وَحَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا. (۱) ۳. أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. (۱) ۴. الْأُسْتَاذُ آدَرِيزدِي فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ. (۱,۲۵) ۵. إِزْحَمُوا عَزِيزًا دَلًّا، وَ غَنِيًّا افْتَقَرًا، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ. (۱)	۵

۶	اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱. ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ الف. با دهانشان آنچه را در قلب‌هایشان نیست می‌گویند و خدا به دروغی که بر زبان می‌رانند آگاه است. □ ب. با دهان‌هایشان آنچه را در دل‌هایشان نیست می‌گویند و خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانایتر است. □ ۲. ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ الف. و خاندانش را به نماز و زکات فرمان داده بود. □ ب. و خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد. □	۰,۵
۷	اِمْلَأْ فَرَاقَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ. مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. هرکس بخواهد مردم باشد، پس بر خداوند ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَالَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ روزی که آدمی آنچه را با دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَ يَحْفَظُ الْجَارَ. پدرم سرور مردمش بود، اسیر را و را حفظ می‌کرد.	۱,۵
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. ۱. لَمْ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكُمْ؟ ۲. يَا أَعِزَّائِي، أَشْكُرُوا مُدَرِّسَكُمْ. ۳. إِنَّهُمْ مَا رَجَعُوا مِنَ الْعَمَلِ. ۴. إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْعِرَاقِ.	۱
۹	عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ. ۱. أَنْتُمْ سَتَنْتَفِعُونَ بِهَذَا الْعَمَلِ. ۲. يَا صَدِيقِي، رَجَاءً، اِسْمَعْ كَلَامِي.	۰,۵
۱۰	عَيِّنْ نَوْعَ الْأَسْمَاءِ: اِسْمَ الْفَاعِلِ، أَوْ اِسْمَ الْمَفْعُولِ، أَوْ اِسْمَ الْمُبَالَغَةِ، أَوْ اِسْمَ الْمَكَانِ، أَوْ اِسْمَ التَّفْضِيلِ. أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. إِنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِسْتَان. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَيِّتَ التَّمَارِ.	۱

۰,۵	۱۱ عَيَّنْ جَوَابَ الشَّرْطِ، ثُمَّ عَيَّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى أَهْدَافِهِ. الف. هرکس بسیار تلاش کند به هدف‌هایش می‌رسد. □ ب. کسی که بسیار سعی می‌کند به هدف‌هایش خواهد رسید. □
۰,۵	۱۲ اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي التَّرْجَمَةِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. اِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ. امروز کتابی را که قبلاً آن را
۱	۱۳ تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾
۱	۱۴ تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾
۱	۱۵ تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا فِي مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ. كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.
۱	۱۶ أَغْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ وَ عَلَامَةُ الْإِعْرَابِ) يَكْتُبُ الْمُدْرُسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللَّوْحِ.
د. مهارت درک و فهم (سه نمره)	
۱,۵	۱۷ ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) السَّرِيرِ / مِثْلُ / جَوْعُ / الْمِظْلَّةِ / الْخَائِبِ / الدَّوَابُّ / ظَلَامٌ / خَضِرَةٌ ۱. فِي اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتِ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ. ۲. اسْتَفِيدُ مِنْ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ الثَّلْجِ. ۳. إِنَّ الرَّكْبَ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى ۴. اسْتَشْرَفُ قِطْعَةً قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى ۵. عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الشِّتَاءِ بَدِيعَةٌ ۶. «الْعَدَاةُ» بَدَايَةُ النَّهَارِ، وَ نِهَايَةُ اللَّيْلِ.

۱،۵	عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.	۱۸
	۱. الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيَضَاءٌ أَوْ مُلَوَّنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبُورَةِ وَ مِثْلِهَا. ۲. الْأَبْكُمْ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ، وَ مُؤَنَّثُهُ «بَكْمَاء». ۳. الْأَصْمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى، وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاء». ۴. يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْمِنْصَدَةِ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِباً. ۵. إِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِنْ عَلَائِمِ الْمَرَضِ. ۶. عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمُ مُطَالَعَةِ خَوَاصِّ الْعَنَاصِرِ.	
هـ . مهارت مکالمه (۰,۵ نمره)		
۰,۲۵	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِي.	۱۹
	بِمَ تُسَافِرُ فِي الْبَحْرِ؟	
۰,۲۵	رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سَوْالاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً.	۲۰
	بِأَلَمْ / صَدْرِي / فِي / بِكَ / أَشْعُرُ / مَا / ؟ / .	
		

بخش پنجم

توضیحات مشترک

در تدریس عربی پایه یازدهم

همهٔ درس‌های کتاب

بررسی و مطالعه کتاب معلّم دانش زبانی سودمندی را در اختیار دبیر می‌گذارد؛ شایسته است دبیر عربی پایه یازدهم کتاب معلّم را با صبر و با دقت مطالعه کند. بسیاری از ابهامات با مطالعه کتاب برطرف می‌گردد. بخشی تحت عنوان «دانش افزایی برای دبیر» پیش‌بینی شده است تا افزون بر اینکه به پرسش‌های احتمالی معلّم پاسخ می‌دهد، مکانی باشد تا در صورتی که دانش‌آموزی سؤال دشوار بپرسد در کتاب معلّم پاسخ آن پیدا شود. همچنین کتاب معلّم منبعی برای رفع اختلاف دبیران بر سر پاره‌ای مطالب صرفی، نحوی، واژگانی، بلاغی و غیره است. اختلاف بر سر روش‌های تدریس، اهداف کتاب، حل تمرینات و ترجمه متون و ... در کتاب راهنمای معلّم حل می‌گردد.

کتاب عربی، زبان قرآن پایه یازدهم پنجمین کتاب عربی متوسطه است. این کتاب همچون سه کتاب دوره اول متوسطه پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است؛ تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد؛ در بررسی کتاب درسی افراد بسیاری سهم هستند. نمایندگان از دبیران متوسطه اول و دوم (به ویژه متوسطه دوم)، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی و دبیرخانه کشوری درس عربی، گروه‌های آموزشی، کارشناسانی از حوزه و دانشگاه و ...

هرچند شیوه کتاب متن‌محوری است؛ اما این به معنای نفی قواعد نیست. در کتاب‌های نونگاشت عربی قواعد در خدمت فهم متن هستند. دانش‌آموز باید قادر باشد در پایان دوره دوم متوسطه متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب حدود ۳۰۰ واژه جدید به کار رفته؛ اما حدود ۱۲۰۰ کلمه عربی هفتم تا دهم نیز تکرار شده است؛ پس در حقیقت هدف این کتاب آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. این کار تا پایان پایه دوازدهم تکرار خواهد شد. دانش‌آموز هر سال که به پایه بالاتر می‌رود باید معنای کلمات قبلی را بداند.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است و جا دارد از همه نویسندگان کتاب‌های درسی عربی پیشین تشکر گردد.

برخی از عبارت‌های ارزشی مانند آیات و احادیث و امثال در کتاب درسی یازدهم تکراری است. تکرار عمدی است تا این سخنان حکیمانه ملکه ذهنشان شود.

مفردات به کار رفته در کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند. تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف آموزشی و زیباسازی کتاب؛ ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند و در راستی اهداف برنامه درسی ملی هستند.

از آنجا که دانش‌آموز در دورهٔ اوّل متوسطه کلمات بسیاری را آموخته و تاحدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در پایهٔ یازدهم متن‌ها طولانی‌تر شده است. اکنون دانش‌آموز با کلمات بسیار و نیز بسیاری از ساختارهای زبان عربی آشنا شده است.

بنابه درخواست دبیران و دانش‌آموزان و به استناد برنامهٔ درسی ملی مجدداً مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و به درس عربی گیرایی و پویایی می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد؛ اما مکالمه همچنان هدف اصلی آموزش عربی نیست. بسیاری افراد و کارشناسان به آموزش عربی در سال‌های گذشته این انتقاد را وارد کرده‌اند که چرا دانش‌آموخته ایرانی قادر به بیان چند جملهٔ ساده و کاربردی به زبان عربی نیست و تنها مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب می‌داند؟! کتاب حاضر تا حدودی این ضعف را از بین برده است؛ بنابراین شایسته است که معلّم خود را در زمینهٔ مکالمه تقویت کند. کتاب درسی هفت درس است و متون و تمرینات کوتاه هستند. دبیر می‌تواند مهارت شفاهی دانش‌آموزان را با توجه به کم حجم بودن کتاب تقویت کند.

این کتاب مکمل چهار کتاب پیشین است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبهٔ خود مکمل کتاب پیش از خود خواهند بود. از همکاران درخواست می‌گردد که با شیوهٔ نوین نگاشت کتاب درسی هماهنگ شوند.

معلّمان گرامی می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی و این وبگاه با گروه عربی دفتر تألیف در تماس باشند.

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

مجلهٔ رشد قرآن و معارف اسلامی

شما می‌توانید مقالات علمی، پژوهشی و آموزشی خود را برای چاپ در مجلهٔ رشد معارف ارسال کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحهٔ اوّل آخرین مجلهٔ رشد معارف مراجعه کنید.

در حال حاضر مقالات عربی به صورت ویژه‌نامه درون مجلهٔ معارف قرار دارد.

همچنین اگر شما وب‌نوشت (وبلاگ) فعال دارید، می‌توانید درخواست کنید تا در وبگاه گروه عربی پیوند (لینک) شود.

شایسته است که دبیر کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس یا به دقت مطالعه کرده باشد. دبیری که پایه‌های قبلی را تدریس کرده موفق‌تر از دبیری است که کتاب‌های پیشین را تدریس نکرده است، همچنین دوره آموزشی توجیهی این کتاب را گذرانده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک همه رشته‌ها به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و آیات قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. هدف اصلی آموزش زبان عربی در ایران «فهم متن» است و هر هدف دیگری از اهداف فرعی به شمار می‌آید. هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در گزینش واژگان کتاب‌های درسی عربی کاربرد قرآنی در اولویت است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست. لذا می‌بینیم که در کتاب درسی و نیز در بارمبندی نقش پر رنگی ندارند.

تأکیدات مهم درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱. کتاب عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر

درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. سال تحصیلی حدود ۳۰ جلسه آموزشی دارد. از

مهر تا اسفند با حذف دو هفته امتحانات دی ماه ۲۲ جلسه است. دو هفته دوم فروردین و ماه

اردیبهشت نیز ۶ جلسه است. از طرفی ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و دو ماه فروردین و اردیبهشت نیز ۳۱ روزه‌اند؛ لذا ۱۲ روز یعنی ۲ جلسه دیگر افزوده می‌شود. به عبارت ساده‌تر وقتی که به تقویم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یکی از روزهای هفته پنج بار تکرار شده است. پس تعداد جلسات سال تحصیلی بر مبنای زنگ‌های متعارف نود دقیقه‌ای ۳۰ جلسه است. تدریس کتاب بر مبنای ۲۱ جلسه است. روزهای دیگر سال تحصیلی برای تعطیلات احتمالی و تکرار و تمرین می‌باشد.

۲. دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُو كُنَّ الصَّغِيرُ».

اسم اشاره (اما فرق هذان و هذین و هاتان و هاتین تدریس نشده است)

کلمات پرسشی (هل، أ، این، کم، مَتی، کَیف، ما «بِمَ، مِمَّ، عَمَّ، ماذا، ماهو، ماهی» لِمَ، لماذا، أی، مَنْ مَنْ هو، مَنْ هِیَ)

ساعت‌خوانی (حالت کامل، حالت مانده به و حالت گذشته)

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های دشوار نحوی آن)

معدود سه تا ده به صورت مضاف الیه و جمع است. عددهای ۱۱ تا ۹۹ مفرد هستند.

عددهای ترتیبی یکم تا بیستم

تشخیص و ترجمه فعل مجهول و تشخیص نایب فاعل به صورت اسم ظاهر (نه ضمیر)

جایگاه نون وقایه.

تشخیص المحلّ الإعرابی یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ مجرور به

حرف جرّ. اما تشخیص اعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست. و تشخیص علامت اعرابی رفع، نصب و

جرّ اسم‌ها (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا و خبر مرفوع، مضاف الیه مجرور، نایب فاعل مرفوع)

تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و

تشخیص آنها از اهداف آموزشی است.

تشخیص چندم شخص فارسی هدف نیست؛ مثلاً چنین سؤالی مردود است:

تسترجعین چندم شخص است؟

اگر دانش‌آموز فعل را در حالت «سوم شخص مفرد» حفظ کند برای کمک به شناخت فعل و ترجمه آن اشکالی ندارد. اما صرف این افعال به روش متعارف چهارده صیغه از اهداف نیست، بلکه شناخت و ترجمه آنها در جمله هدف است. معلّم نیز می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند. (اِسْتَفْعَلْ، يَسْتَفْعِلْ، اِسْتَفْعِلْ، اِسْتَفْعَال).

دانش‌آموز باید «تُمْ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و چنین فعل‌هایی را به دنبال آن درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اِسْتَخْرَجْتُمْ.

تصوّر برخی افراد از درس عربی این است که عربی یعنی صرف فعل، اسم اشاره، اسم موصول، و دانش‌آموزان را ملزم به حفظ چنین مواردی می‌کنند. در حالی که همه اینها باید در داخل جمله باشد. در همه جای کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳. متن درس اوّل با عنوان مواعظ قَيِّمَة آراسته به آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان است. اندرزهای لقمان حکیم به فرزندش که برای جوانان این مرز و بوم ارزشمند است و دل و جان آنان را صفا می‌بخشد.

۴. قواعد درس اوّل درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. نیازی به تشخیص اسم جامد از مشتق نیست. دانستن اینکه کلماتی مانند جِدَار، كِتَابَة و اِسْتِخْرَاج جامد هستند، تأثیری در فهم متن ندارد. جایگاه چنین مطالبی در دروس تخصصی دانشگاه است نه در مدرسه. دانستن اینکه طَرِيق جامد است، یا مشتق کمک چندانی به دانش‌آموز در فهم متن که هدف اصلی درس عربی است نمی‌کند. حتّی در این مورد میان بزرگان زبان و ادبیات عرب اختلاف نظر وجود دارد.

۵. موضوع متن درس دوم آرایه ادبی تلمیع است. تلمیع در ادبیات فارسی رایج است. شاعران ایرانی به فارسی و زبانی دیگر که معمولاً عربی است شعر سروده‌اند. دو ملّمع از سروده‌های حافظ لسان الغیب و شیخ اجل سعدی در درس آمده است. هدف این است که در کنار خواندن متون نظم دلنشین، دانش‌آموز را با این حقیقت رو به رو سازیم که زبان و ادبیات فارسی و عربی پیوندی ناگسستنی دارند و سرایندگان شیرین سخن ایرانی، زبان عربی را به عنوان زبان فرهنگ و تمدن اسلامی می‌شناختند؛ از این رو در سروده‌های پارسی از عبارتهای عربی بهره می‌بردند و این نشانگر علاقه و توانمندی آنان در تسلّط به زبان عربی است. در نظرسنجی‌هایی که از دانش‌آموزان و دبیران به عمل آمد ملّمعات رأی بالایی گرفت. اغلب افراد دوستدار چنین بخشی در کتاب درسی هستند.

قواعد درس دوم دربارهٔ شناخت و ترجمهٔ اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه است. اسم فاعل و مفعول از ثلاثی مجرّد و مزید هر دو آموزش داده شده است.

6. موضوع متن درس سوم شگفتی‌های آفرینش خداوند است. تفکّر در آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجّه به سنّ پرجوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی شنیدنی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود. متن «مطر السمك» و ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ در پایهٔ دهم نشان داد که دانش‌آموزان چنین متونی را دوست دارند و از سوی دیگر در روایات دینی ما به تفکّر در آیات خدا بسیار سفارش شده است.

قواعد دربارهٔ اسلوب شرط است. این اسلوب به ویژه در احادیث بزرگان دین بسیار به کار رفته است. دانش‌آموز با نحوهٔ ترجمهٔ ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم از اهداف نیست. دبیر می‌تواند به جزم فعل شرط و جواب آن اشاره کند؛ ولی اشاره به این مطلب بدین معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح شود.

7. متن درس چهارم دربارهٔ تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. همیشه دانش‌آموز می‌پرسد اینکه زبان فارسی از زبان عربی واژه‌ستانی کرده؛ آیا به زبان عربی نیز واژه‌دهی کرده است؟ این متن پاسخ به پرسش‌های بسیاری است که خواندن آن برای او شیرین و جذاب است. بخشی در ادامهٔ متن درس آمده است که تنها برای مطالعه است و از آن سؤال امتحانی طرح نمی‌شود.

برخی از این کتاب‌ها تألیف نویسندگان ایرانی و برخی تألیف نویسندگان غیر ایرانی است.

کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارِسیَّةِ مِنْدُ بَوَاکِیْرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. محمّد التّونجی. مکتبة لبنان ناشرون.

ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال الدین السیوطی (برگردان محمّدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.

المُهِدِّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعَرَّبِ. جلال الدین السیوطی. مکتبة مشكاة الإسلامية.

قواعد درس چهارم دو بخش است: بخش اوّل دربارهٔ ترجمهٔ درست اسم معرفه و نکره می‌باشد که به دو نوع معرفه یعنی معرفه به «ال» و «اسم عَلم» پرداخته است. دلیل اینکه به چهار نوع دیگر معارف پرداخته نشده است این است که اهمیّت آنها به اندازهٔ این دو مورد نیست.

بخش دوم درباره ترجمه فعل مضارع همراه حروف پرکاربرد «أَنْ، لَنْ، كَي، لِكَي، لَ، حَتَّى» می‌باشد. در این بخش، آموزش اعراب اصلی و فرعی و اعراب فعل مضارع منصوب هدف نیست. دبیر می‌تواند به نصب فعل مضارع اشاره کند؛ اما در امتحان از آن سؤال طرح نمی‌شود.

۸. متن درس پنجم داستانی در ستایش راستگویی است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی بر صداقت بسیار تأکید شده و در نکوهش دروغگویی داستان‌ها و روایات بسیاری وجود دارد. در متن درس داستان کوتاهی ذکر شده است. این داستان برای دانش‌آموزان دلپسند و آراسته به سخنان بزرگان دین است. اندرز مستقیم کمتر تأثیر دارد. شیوه غیر مستقیم به باور کارشناسان مؤثرتر است.

دانش‌آموز در قواعد درس پنجم با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. آنچه لازم است بدانیم این است که آنچه در قواعد درس آمده است فرمول ثابت نیست. مثلاً در جمله «لَوْ لَا الْمَطَالَعَةُ لَرَسَبْتُ.» اگر مطالعه نبود مردود می‌شدم. در این جمله رَسَبْتُ ماضی استمراری ترجمه شده است. بی آنکه مطابق فرمول درس باشد.

برخی آداب سخن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز توضیح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این هدف مطابق برنامه درسی ملی است.

دانش‌آموز با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. چنین اصطلاحاتی در دستور زبان عربی وجود ندارد و این مبحث صرفاً برای دانش‌آموز فارسی زبان طراحی شده است.

۹. متن درس ششم اشاره به یک داستان تاریخی است. داستان دختر حاتم طائی به نام سَفَّانه که با دیدن رفتار والای پیامبر اسلام ﷺ جذب اسلام می‌شود. دانش‌آموز با خواندن این داستان با حقایق زیبا و افتخار آفرین در تاریخ اسلام آشنا می‌شود. اصولاً دانش‌آموزان به خواندن داستان علاقه دارند. و داستان واقعی اثر بیشتری بر دانش‌آموز دارد.

قواعد درس ششم درباره معانی حروف «لَمْ، لَ و لَا» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل مضارع و اعراب اصلی و فرعی از اهداف نیست. دانش‌آموز این رشته فقط دو ساعت در هفته درس عربی

دارد؛ لذا امر تدریس با توجه به زمان محدود صورت می‌گیرد. دبیر می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند؛ اما اشاره کردن به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤالی طرح شود.

۱۰. متن درس هفتم دربارهٔ امید به زندگی است. گاهی به دلایلی برخی دچار ناامیدی می‌شوند. خواندنِ زندگیِ بزرگانی چون سکاکی، فارابی، آذریزدی و انیشتین و کسانی که دچار معلولیت بودند ولی ناامید نشدند و ثابت کردند «معلولیت، محدودیت نیست.» موجب تقویت روحیهٔ خواننده شده و در نگرش و اندیشهٔ فرد تأثیر گذار است. وجود افراد ناقص و کم توان در جامعه یک حقیقت است. این درس به لحاظ عاطفی در اندیشه و نگرش دانش‌آموز اثرگذار است. گاهی جوانان قدر داشته‌های خود را نمی‌دانند. این متن آنان را به فکر فرو می‌برد.

قواعد درس هفتم کاربرد فعل‌های ناقص «كَانَ، صارَ، لَیْسَ، أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این کلمات آشنا می‌شود. تشخیص اسم و خبر این افعال نیز آموزش داده شده است. اما تشخیص اسم فقط در حالت اسم ظاهر است و تشخیص اسم افعال ناقصه در حالت ضمیر هدف نیست.

در این میان فعل كَانْ بسیار مهم‌تر از بقیهٔ فعل‌هاست به همین دلیل در بارم‌بندی نیز تأکید شده است که از این فعل بیشتر سؤال طرح شود. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها به ویژه فعل كَانْ آشنا می‌شود:

- كَانَ الطَّرِيقُ مُغْلَقًا. راه بسته بود.
- ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَاب: ۲۴ بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.
- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازندهٔ معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.
- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازندهٔ معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِيعًا» و «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به معنای «دانش‌آموز شنیده بود» می‌باشد.
- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» می‌باشد؛ مثال: كَانَ لِي خَاتَمٌ فَضَّةٍ. انگشتر نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
- مضارع كَانْ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.
- دانش‌آموز با معنای صارَ و أَصْبَحَ به معنای «شد» آشنا می‌شود.
- او باید بداند که مضارع صارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است.
- همچنین معنای لَیْسَ را بداند.

می‌توان اشاره کرد که لیس مضارع ندارد.

۱۱. نیازی به ارائه جزوۀ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا سال بعد خواهد آمد. دستور زبان عربی وسعت بسیار دارد. اگر قرار باشد همه دستور زبان را در کتابی قرار داد یقیناً بیش از هزار صفحه خواهد شد. دانش‌آموز دبیرستان مختصری از قواعد لازم را می‌خواند و در صورت علاقه‌مندی در دانشگاه هر آنچه را لازم است خواهد خواند. یک نگاه ساده و گذرا به مجلّات کتاب النحو الوافی عبّاس حسن نشان می‌دهد که قواعد همچون دریایی است و دانش‌آموز به اندازه تشنگی‌اش از آب آن خواهد نوشید.

۱۲. تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند. طرح سؤال امتحانی درس عربی مستلزم صبر و حوصله است. یک نمونه سؤال استاندارد باید کاملاً حرکت‌گذاری شده باشد. زمان محدود دو ساعت در هفته برنامه‌ریزان را بر آن داشت تا فقط مطالب مهم در کتاب گنجانده شود.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هُما، هُم، هِی، هُما، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُما، أَنْتُم، أَنْتِ، أَنْتُما، أَنْتِی، اَنَا، نَحْنُ» اما هدف این نیست که دانش‌آموزان این افعال و ضمایر را طوطی‌وار حفظ کند. شیوۀ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. به همین دلیل این شیوه در کتاب‌های درسی عربی عمومیت یافت. در کتاب رشته ادبیات و علوم انسانی شناخت صیغۀ فعل‌ها هدف است؛ چیزی که در کتاب مشترک هدف نیست.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید هر جمله را در ساخت‌های مختلف درست بشناسد و درست ترجمه کند. این بدان معنا نیست که عین کتاب سؤال داده شود.

۱۵. معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی معنای کلمه بیرون از جمله است؛ اما شیوۀ طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است. شیوۀ سابق که کلمه بیرون از جمله خواسته می‌شد خوشبختانه به تدریج دارد منسوخ می‌شود. شیوۀ صحیح ارزشیابی از کلمات این است که در جمله پرسیده شود.

۱۶. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. برگزاری امتحان شفاهی در یک روز امکان ندارد، مگر اینکه کلاس کم جمعیت باشد. روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجاکه یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت گردد. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به‌دست می‌آید.

۱۷. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها متن درس است که جا ندارد و با نهادن یک برگه در کتاب مشکل حل می‌شود. دیده شده است که متأسفانه برخی همکاران از دانش‌آموزان می‌خواهند کل کتاب را در دفتر منتقل کنند. این کار واقعاً آزار دهنده است و نه تنها سودی ندارد بلکه موجب نفرت دانش‌آموز می‌شود. در میان مهارت‌های چهارگانه زبانی مهارت نوشتن در کتاب درسی چندان پر رنگ دیده نشده است؛ زیرا الفبای ما عربی است و جز در چند حرف آن هم به شکلی ناچیز و کم اهمیت تفاوتی وجود ندارد. در درس انگلیسی دیکته اهمیت دارد؛ زیرا الفبای انگلیسی کاملاً با فارسی فرق دارد. ولی در درس عربی این طور نیست. الفبای فارسی در اصل همان الفبای عربی است.

۱۸. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه هستند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند. هرچه دانش‌آموز برای فهم متن نیاز دارد در کتاب درسی آمده است.

۱۹. دانش‌آموزان با هر دو فعل مجرّد و مزید در کتاب درسی درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ امّا فعل‌های مزید و حتی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اتَّقَى، اتَى، أَجَابَ، أَحَبَّ، احْتَرَقَ، اشْتَرَى، أَصَابَ، أَعْطَى، جَرَى، حَاوَلَ، عَلَّمَ، دَارَ، سَمَى و ... در کتاب یازدهم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرّد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی کتاب این است که دانش‌آموز با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرّد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نمی‌باشد. **فعل‌های**

معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعلِ اِسْتَشَارَ به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ اما نباید از فعلِ اِسْتَشَرَّ سؤال طرح شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَشَارَت را بخواهیم اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَشَارَ ندارد. منظور از تغییرات پیچیده مواردی مانند حذف حرف عله، ادغام و فک ادغام، املاي همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیر صحیح و سالم می‌باشد. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد که فعل تَدْخُلُ ثلاثی مجرد و فعل تَدْخُلُ ثلاثی مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معما سازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلّم صرف تشخیص مزید از مجرد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا ارجحیت آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را یاد بگیرد و بهتر است دبیر گرامی وقت خودش را در این زمینه صرف کند. از سوی دیگر معنای فعل در آزمون‌ها همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز ذکر شده است باید با استفاده از فعل‌های آسانی مانند دَخَلَ، خَرَجَ، صَبَرَ، عَبَرَ، كَتَبَ، جَلَسَ و مانند اینها باشد و قرائنی مانند ضمیر و اسم اشاره نیز به کمک بیایند. آنچه باید سرلوحه کار خود قرار دهیم این است که ما می‌خواهیم دانش‌آموز یاد بگیرد و از یاد گرفتنش لذت ببرد. برخی دبیران به تقلید از کنکور و مسابقات پرسش‌هایی مطرح می‌کنند که نه تنها مفید نیست بلکه مضر نیز می‌باشد.

آمادگی برای آزمون‌های سراسری و مسابقات نیازمند ساعت جداگانه و کاری مستقل است که در کلاس درس نمی‌توان به آن پرداخت.

معانی ابواب واقعاً آن طور که گروهی تصوّر می‌کنند قطعی و غالب نیستند بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به همین دلیل در کتاب ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبدیل فعل لازم به متعدی) را برای باب افعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این در حالی است که معنای باب افعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مانند اَفْلَحَ: رستگار شد، اَسْرَعَ: شتافت، اَسْلَمَ: مسلمان شد، اَصْبَحَ: شد، وارد صبح شد، اَكْبَرَ: بزرگ یافت، اُبَاعَ: برای فروش نهاد، اُحْصَدَ: وقت درو شد، اَشْكَى: شکایت را برطرف کرد

در بسیاری از فعل‌های باب استفعال اغلب معنای درخواست وجود ندارد مثال:

استحجر الطین.	(گل سنگ شد).
استعظمت الأمر.	(مطلب را بزرگ یافتم).
استخلفته.	(او را جانشین خود کردم).
استجراً	(جرات را بر خود تحمیل کرد، به زحمت جرات نشان داد).

أَرْحُتُهُ فَاسْتَرَحَ (او را راحت کردم پس او راحت شد).

معنای مجرد مانند قَرَّ یا استقرَّ (آرام گرفت).

۲۰. در طَرَّاحی سؤال درک مطلب در کنکور و در آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد و یا اینکه ترجمه فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول کاری بسیار ساده باشد. طرح درک مطلب در حقیقت نوعی سهل و ممتنع است. طَرَّاحی متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح سؤال با کلماتی مانند متی، کیف، هل، أ، این، لماذا، لِمَنْ، مَنْ، مِمَّنْ، بِمَنْ و ... داشته باشد کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۲۱. صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۲۲. پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدارس که وقت اضافه دارند یا دانش‌آموزان خاص ثبت نام کرده‌اند یا تعداد دانش‌آموزانشان کم است، می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول یا مستمر می‌توان تأثیر داد. برخی می‌گویند: «هنوز آمادگی پژوهش در نظام آموزشی ایران وجود ندارد» اما نمی‌توان به این بهانه از جایی شروع نکرد و ناامیدانه برخورد و تصمیم‌گیری کرد.

۲۳. در هر آزمونی مترادف و متضاد در محدوده تمرینات سه کتاب متوسطه اول و کتاب حاضر است.

۲۴. هدف از بخش «بدانیم» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمکشان درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۵. از دانش‌آموز بخواهیم بخش سخنی با دانش‌آموز را بخواند و از والدینش نیز بخواهد بخش سخنی با اولیا را بخوانند.

۲۶. می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا داستان‌های کوتاه ترجمه کنند. سرود و نمایش اجرا کنند. عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتسامات و مطالب علمی کوتاه ترجمه کنند. فضا برای کارهای شاد مناسب است ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی همگان را جذب گرامر کرده است. حقیقت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است ولی تدریس متن‌محور کاری دشوار است.

ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است ولی ارزشیابی از روان‌خوانی و مکالمه بسیار سخت است.

۲۷. سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ **در امتحانات از طراحى سوالات معماگونه خودداری می‌کنیم.** آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحی‌شده توسط مؤسسات خصوصی زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده باشد و پیچیدگی وجود نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می‌گردند. آشفتگی وضعیت آموزش و سختی تمرینات و سوالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد. مقالات و سخنرانی‌های بسیاری توسط کارشناسان و صاحب نظران در مذمت سوالات غیر استاندارد وجود دارد.

۲۸. **تعریب از اهداف کتاب درسی نیست؛** دانش آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود. (در مهارت مکالمه یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست).

۲۹. **در پاسخگویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود.** پاسخ کامل مد نظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.»

از آنجاکه در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد و یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی

کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود یا نمایش یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۳۰. تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کاری نامناسب است. اگر معلمی کتاب کار تهیه کرد؛ تأکید می‌کنیم که کلاس درس جای پرداختن به آن نیست و حل تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حل تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند در غیر این صورت کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعال و ارشادی داشته باشند.

۳۱. پس از هر متن واژگان جدید قرار دارد. هدف از این کار ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طی خواندن متون و عبارات اتفاق بیفتد. دیده شده است برخی همان آغاز تدریس از دانش‌آموزان می‌خواهند معنای لغت‌ها را حفظ کنند. این کار کاملاً نادرست است.

۳۲. مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است:

سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری بر اساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً در باره «احترام به محیط زیست» به این حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام استشهاد کند: *إنکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم*. این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است. اما نباید با اکراه و اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود. بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلمی دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کند و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک مایل است آنها را بیاموزد و به آنها استشهاد کند.

۳۳. گزینش تصاویر بر اساس برنامه درسی ملی است: مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش‌آفرینی، توجه به امور مهمی مانند ارزش‌های دینی، احترام به محیط زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر

۳۴. دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگار هستند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است. مهم این است پس از فراغت از تحصیل خاطرات شیرینی از کتاب، معلّم و مدرسه به جای بماند.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های نه‌گانه هر درس

کتاب عربی یازدهم هفت درس دارد و هر درس از نه بخش تشکیل شده که برای هر یک روشی متناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه برخوردار باشند. هدف کتاب معلم که پل ارتباط بین مؤلف و معلم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی پایه یازدهم

قسمت‌های هشتگانه کتاب عربی، زبان قرآن:

۱. صفحه ورود به درس
۲. متن درس
۳. واژگان جدید متن درس
۴. درک مطلب
۵. قواعد درس تحت عنوان «اعلموا»
۶. مکالمه (در برخی دروس)
۷. تمرینات
۸. پژوهش (البحث العلمي) در برخی درس‌ها

تحلیل قسمت‌های هشتگانه هر درس

هدف برنامه درسی از بخش‌های مذکور، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلم به یاری آن بتواند با تسلط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس کلیه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

۱- صفحه ورود به درس:

یک صفحه مستقل مزین به آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از معصومین علیهم السلام همراه با تصویری زیبا برای ورود به درس به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد. تصاویر و نوشته‌های صفحه ورودی به گونه‌ای هستند که با استفاده از آن می‌توان آمادگی خوبی را ایجاد کرد.

۲- متون:

در بخش روان‌خوانی و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند. روش‌های مختلفی را برای این بخش می‌توان به کار برد. یکی از بهترین روش‌ها این است که به دانش‌آموزان به فرض نیم ساعت وقت بدهیم تا خودشان متن را ترجمه کنند و این کار را به صورت گروهی انجام دهند و در پایان دبیر برگه‌های ترجمه را جمع‌آوری کند و فقط یک برگه را تصحیح کند. او می‌تواند عکسی از برگه ترجمه بگیرد و برگه دانش‌آموز را پس دهد. سپس در کلاس ترجمه درست را سریع بگوید. اگر کلاس درس سی دانش‌آموز داشته باشد و هر گروه پنج نفر باشد در مجموع شش برگه تصحیح می‌شود. لازم نیست که تصحیح از بیست نمره باشد. ارزشیابی توصیفی در چنین مواردی بهتر است. نمره آن یک نفر نشانگر نمره گروه است. حتماً نباید برگه سرگروه تصحیح شود.

۱- مرحله اول (شنیدن):

اولین وظیفه بر عهده معلم است که با روان‌خوانی، **مهارت شنیداری** دانش‌آموزان را تقویت کند. در این بخش استفاده از کتاب گویا تأکید می‌گردد. اگر وقت معلم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

۲- مرحله دوم (خواندن):

دانش‌آموزان بر اساس روشی که معلم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا **مهارت گفتاری** تقویت گردد. هر بار که یک دانش‌آموز قرائت می‌کند معلم به او نمره روخوانی می‌دهد.

۳- مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):

دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان انتهای متن درس، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و **مهارت درک و فهم** آنها ارتقا یابد. چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی‌اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز پاسخ دهنده باید آماده باشند و معلم تصادفاً از یکی از دانش‌آموزان

اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود سودمند هستند. گاهی دبیر در صورت کمبود وقت می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست شاید به نظر بیاید نامناسب است و دانش‌آموز فعال نیست ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری یا هر علت دیگری که پیش آمده است ضرورت دارد اصولاً روش تدریس به عوامل بسیاری بستگی دارد. در این روش معلم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدارس که امکانات مناسبی دارند می‌توان ترجمه متن درس را در برگه‌ای به صورت ناقص نوشت و تکثیر کرد و از دانش‌آموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل کنند. این روش فوق العاده سریع انجام می‌شود ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرد است.

۴- مرحله چهارم (ترجمه نهایی):

معلم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنما، خطاهای ترجمه دانش‌آموز را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله هستند.

۵- مرحله پنجم (پیام درس):

در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند و یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند. این بخش برای دانش‌آموز لذت‌بخش است و پیوند مناسبی میان ادبیات فارسی و عربی ایجاد می‌شود. بدیهی است تنظیم وقت لازم است وگرنه زمان از دست می‌رود.

خلاصه مراحل ترجمه:

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی

مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداقیابی	تصحیح و تکمیل

۳- واژگان:

دلیل قرار دادن معجم ، پس از متن این است که دانش آموز با آسودگی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ معلّم دانش آموز را در ترجمه مشارکت می دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او پروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش آموز در فرآیند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می شود. همان گونه که پیشتر اشاره شد هدف این نیست که در همان آغاز دانش آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی همکاران چنین پنداشته اند که هدف این است که همان اول کار از دانش آموز بخواهیم تا در عرض چند دقیقه معنای لغت ها را حفظ کند؛ این کار بی گمان نادرست است. می توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد یا مترادف و هم خانواده برخی کلمات دید.

از دانش آموز می پرسیم متضاد یا مترادف فلان کلمه چیست؟ کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟ در انجام این کار نباید زیاده روی کرد. چون وقت کلاس از دست می رود.

در طراحی آزمون از بخش کاربرد واژگان می‌توان از تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ استفاده کرد. مراحل آموزش واژگان:

۱. دبیر می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانش‌آموزان تلفظ درست درس را گوش می‌کنند.
۲. سپس معلّم می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او و شامل گروهی از دانش‌آموزان باشد یا به صورت انفرادی.

^۱ دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند. «سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر فعل «ذَهَبَ» و «انطَلَقَ» را مثال می‌زند. از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، سپس پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند. اما ابن سکیت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند. مثلاً در مورد فعل «گزیدن»:

العَصَّ بِالْأَسْنَانِ لَا بِالشَّفَتَيْنِ / النَّهَسَ : الْمَدُّ بِالْفَمِ / النَّهَشَ : الْعَصَّ السَّرِيعَ / الْعَجَمَ : الْعَصَّ بِالْأَسْنَانِ لِتَسْطَرَّ أَوْ صُلْبٌ هُوَ أَمَّ خَوَارٍ
یا در مورد لانه:

العُشُّ: الَّذِي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ غَيْرِهَا فَيَبْيِضُ فِيهِ. / الْوَكْرُ : فِي الْجَبَلِ / الْوُكْنَةُ : مَوَاقِعُ الطَّيْرِ حَيْثَا وَقَعَ.
و در بارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوهٔ درست به کارگیری آن در بارهٔ فرق «راکب» و «فارس» می‌گوید:
«يُقَالُ: مَرَّ بِنَا رَاكِبٌ، إِذَا كَانَ عَلَى بَعِيرٍ، وَ الرُّكْبُ أَصْحَابُ الْإِبِلِ. أَمَّا إِذَا كَانَ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ فَرَسٍ يُقَالُ: مَرَّ بِنَا فَارِسٌ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابو منصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کار بردن هر کلام به جای دیگری برحذر می‌دارد. مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أَوَّلُ النَّوْمِ: النَّعَاسُ / الْكَرَى: هُوَ أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ بَيْنَ النَّائِمِ وَ الْيَقْظَانِ / الرُّقَادُ: هُوَ النَّوْمُ الطَّوِيلُ.
و گاهی اوصاف یک اسم به عنوان مترادف به کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

۴- قسمت سوم: قواعد

تصاویر

تصاویر زیبای کتاب دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند. گاهی حساسیت تصاویر در نقد و بررسی‌ها بیشتر از متن می‌گردد.

رسالت مهم تصاویر:

۱. پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی- ایرانی می‌شود.

۲. جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند.

شاعر گرانمایه ایرانی مولوی در این باره می‌فرماید:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آن‌گاه ترجمه هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله نقش ارشادی داشته باشد؛ تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

«اعلموا»

در این قسمت ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌برد؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلم در این قسمت دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. قواعد به عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم است نه هدف اصلی و علت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند.

در این بخش دانش‌آموزان تعامل بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات پاسخ می‌دهند و معلم می‌تواند نقش راهنما و مصحح داشته باشد. در این صورت یادگیری عمقی می‌شود.

تمارین

هدف اصلی در این بخش از کتاب درسی، تثبیت و تعمیق یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف و تسهیل آموزش، تلاش شده است دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد. سعی شده است عباراتی انتخاب شود که حتی الامکان کلمات تازه نداشته باشند یا کم داشته باشند.

حل تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است. معلم راهنمایی می‌کند.

جای کافی برای حل تمرین پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن مجدد تمرین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و شاید اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حل تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید. پیشتر اشاره شد که الفبای ما عربی است لذا ضرورتی که در آموزش انگلیسی برای تقویت مهارت نوشتن وجود دارد در آموزش عربی آن ضرورت حس نمی‌شود.

قالب کلی تمرین:

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف، متضاد و ناهم‌هنگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث، جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد، شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت‌خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل اعداد، فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار

و مجرور		
اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لَ، لا، إِنْ، مَنْ، مَا»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَانْ		
۱- پاسخ به سؤالات عربی	درک مطلب	۴
۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب		
ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان داوطلب	پژوهش	۵

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سؤالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالات تعریب و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند. ساخت از اهداف کتاب درسی نیست.

ساختار درس:

ساختار آموزشی کتاب عربی دهم عبارت است از:

اعداد یک تا صد، ثلاثی مجرد و مزید، ترجمه فعل مجهول، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور می‌باشد.

و ساختار آموزشی کتاب عربی یازدهم نیز عبارت است از:

اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل، اسم مکان، اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَي، لِكَي، حَتَّى» و «لَمْ، لَ، لا، إِنَّ، مَنْ، ما»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَان.

پژوهش:

پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز داوطلب برگزیده شده است. پژوهش در درس عربی و انگلیسی بسیار سخت است. چون زبان آن فارسی نیست. لذا برخورد معلم در اینجا باید مطابق واقعیت باشد. نمی‌توان از دانش‌آموز توقع داشت مانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب باشد. هرچند تعداد کمی از دانش‌آموزان برای این کار داوطلب می‌شوند ولی نمی‌توان به این دلیل کار پژوهشی را در مدارس تعطیل کرد.

واژه‌شناسی

مطالب این بخش برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دبیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤالی بپرسد می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف سهولت دسترسی معلم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است.

بخش ششم

محتوای کتاب عربی پایه یازدهم

و چگونگی آموزش درس‌ها

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف رفتاری

دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

۱. متن مَوَاعِظُ قَيِّمَةٌ را درست بخواند و ترجمه کند.
۲. معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
۳. شبیه متن مکالمه درس را در کلاس به همراه هم کلاسی هایش اجرا کند.
۴. شکل های مختلف اسم تفضیل را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.
۵. اسم مکان را بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس اول هدف اصلی کتاب را تحت پوشش قرار می دهد. مطابق برنامه درسی ملی یک هدف مهم درس عربی فهم بهتر قرآن است. آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان به همراه تفسیر آن زینت بخش آغاز کتاب درسی است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

يُحِبُّ الْآبَاءَ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ، وَلِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ.

پدران و مادران دوست دارند فرزندان شان را در بهترین حالت ببینند، و به همین خاطر همیشه آنها را به صفت های خوب و کارهای درست راهنمایی می کنند.

كَالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ، وَ تَعْلُمُ الْعُلُومِ وَالْمَهَارَاتِ وَالْفُنُونِ النَّافِعَةِ، وَ الْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْضَالِ، وَ الْإِهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ، وَمُطَالَعَةِ الْكُتُبِ، وَاحْتِرَامِ الْقَانُونِ، وَالْإِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ، وَحُسْنِ التَّغْذِيَةِ، وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الصِّفَاتِ وَالْأَعْمَالِ ...

مانند اخلاق خوب، یادگیری دانش‌ها و مهارت‌ها و فنون سودمند، دوری کردن از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان، همت ورزیدن (اهمیت دادن) به ورزش، مطالعه کتاب‌ها، احترام نهادن به قانون، صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، حسن تغذیه (خوب خوردن) و صفت‌ها و کارهای دیگر.

وَفِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَرَى «لُقْمَانَ الْحَكِيمَ» يُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قَيِّمَةً، وَهَذَا نَمُودَجُ تَرْبَوِيِّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ. فَقَدْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ:

و در قرآن کریم می‌بینیم که لقمان حکیم پندهایی ارزشمند به پسرش تقدیم می‌کند و این نمونه‌ای تربیتی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند. در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ * وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ * وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ لقمان : ۱۷-۱۹

(۱۷) ای پسرکم، نماز را برپادار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبایی کن؛ زیرا این از کارهای مهم است.

(۱۸) و از مردم روی برنگردان، و در زمین با خودپسندی و شادمانه راه مرو زیرا خدا خودپسندِ فخر فروش را دوست نمی‌دارد.

(۱۹) و در راه رفتنت میانه‌روی کن، و صدايت را پایین بیاور، زیرا بدترین آواها بی‌گمان بانگ خران است. ترجمه استاد مهدی فولادوند:

(۱۷) ای پسرک من، نماز را برپادار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

(۱۸) و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسندِ لافزن را دوست نمی‌دارد.

(۱۹) و در راه رفتن خود میانه‌رو باش، و صدايت را آهسته ساز، که بدترین آواها بانگ خران است.

ترجمه آیت الله مکارم شیرازی:

(۱۷) پسر، نماز را برپادار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.

(۱۸) [پسر] با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

(۱۹) [پسر] در راه رفتن اعتدال را رعایت کن از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزین] که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا، فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ».

قطعاً خدا کسی را که مراقب نماز اول وقتش باشد دوست دارد. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: قطعاً ستون دین نماز است.

وَعَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَنَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَصَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَالشَّدَائِدِ.

و ما باید مشتاق کارهای درست، بازدارنده از زشتی و بردبار بر دشواری‌ها و سختی‌ها باشیم.
فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَةِ. وَعَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدَتِنَا وَأَصْدِقَائِنَا وَزَمَلَانِنَا وَجِيرَانِنَا وَأَقْرَبَائِنَا وَكُلِّ مَنْ حَوْلَنَا.
زیرا این از کارهای مهم می‌باشد و بر ما لازم است که در برابر استادان، دوستان، هم‌شاگردی‌ها، خویشاندان و هرکه پیرامون ماست فروتنی کنیم.

فَقَدْ قَالَ الْإِمَامُ الْكَاظمُ (ع) «الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ».

امام کاظم (ع) فرموده‌اند: حکمت در قلب فروتن ماندگار می‌شود (عمر می‌کند) و در قلب خودبزرگ‌بین ستمگر ماندگار نمی‌شود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ. إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخَرِينَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ.

بی‌گمان خداوند هیچ خودپسندی را دوست نمی‌دارد. بنابراین باید خود را از دیگران بزرگ‌تر نبینیم؛ زیرا خدا خودبزرگ‌بینان را دوست نمی‌دارد.

وَعَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعَ أَصَوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ؛ فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْجِمَارِ.

و باید صدایمان را از صدای مخاطب بالاتر نبریم؛ که خداوند صدای کسی را که بدون دلیل منطقی صدایش را بالا می‌برد به صدای خر همانند کرده است.

پاسخ درک مطلب: ص ص غ غ

واژگان:

تذکر مهم: از نظر علمی یادگیری واژگان جدید درس درون متن و عبارت انجام می‌پذیرد. لذا معنای کلمه در آغاز درس و نیز خارج از جمله سؤال نمی‌شود. اگر برای یادگیری بهتر و سرعت در کار تصمیم داریم که معنای کلمه بپرسیم، از نمره دادن خودداری کنیم؛ زیرا معنای کلمه باید در جمله خواسته شود. چنین کاری را می‌توان در قالب یک مسابقه انجام داد. پرسیدن معنای کلمات بیرون از جمله یک ارزشیابی منسوخ است که متأسفانه در گذشته کاربرد غالب داشت و این شیوه امروزه رخت بر بسته است.

اعلموا

بحث اسم تفضیل مبحثی پر کاربرد در قواعد هر زبانی از جمله زبان عربی است. در کتاب درسی کلماتی مانند
أَعْلَى، أَعْلَى، أَحَبَّ، أَشَدَّ و خَيْر و شَرِّ نیز به عنوان اسم تفضیل آموزش داده شده‌اند.

مطالبی فراتر از کتاب برای دبیر:

اسم تفضیل برای بیان برتری یک چیز نسبت به چیز دیگر یا بیان کمتر و زیاده‌تر بودن صفتی در یک فرد یا یک چیز نسبت به دیگری در جمله ذکر می‌شود که اگر از فعل ثلاثی مجرد ساخته شود بر وزن «أَفْعَل» می‌آید و اگر از فعل ثلاثی مزید ساخته شود، قبل از آن «أَشَدَّ» یا «أَكْثَر» قرار داده می‌شود و مصدر فعل را به صورت منصوب بعد از آن ذکر می‌کنیم.

ثلاثی مجرد: حميدٌ أكبرٌ من سعيدٍ.

ثلاثی مزید: ناصرٌ أكثرُ إحساناً من حامدٍ.

اگر اسم تفضیل بر «عیب، رنگ و زینت» دلالت کند؛ مانند ثلاثی مزید ساخته می‌شود؛ مثال:

عیب: عینه اشدُّ إغواراً من صديقه: چشم او لوچ‌تر از دوستش است.

رنگ: الدم اشدُّ إحمراً من الشفة: خون سرخ‌تر از لب است.

زینت: هذا البيت أكثرُ جمالاً من الآخر: این خانه زیباتر از دیگری است (کلمه «جمال» که به معنای زیبایی است به هر دو شکل استفاده می‌شود: أجمل / أكثر جمالاً).

توضیح درباره کتابخانه گُندی شاپور در اختر نفسک:

در سال ۲۵۰ پ.م کتابخانه گُندی شاپور (یا جندی شاپور) در خوزستان که بزرگ‌ترین کتابخانه دنیای باستان به شمار آمده است بنیان نهاده شد. این دانشگاه بزرگ‌ترین مرکز آموزش و پژوهش پزشکی، فلسفه و ادبیات جهان کهن خوانده شده است. در این دانشگاه استادان ایرانی، هندی، یونانی و رومی تدریس می‌کردند.

بعد از اینکه اعراب مسلمان ایران را تصرف کردند، به ارزش این کتابخانه پی بردند و بر آن شدند که شکوه پیشین آن را نگاه دارند. آنان همه سازمان‌های شهر از جمله بیمارستان، کتابخانه، مدرسه پزشکی و پرستشگاه‌ها را برجا نگاه داشتند. تصویر درس تخیلی است.

هماهنگی در ترجمه حوار و چند توضیح:

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر زبان بخش مکالمه است. و در بخش مکالمه نیز بخش گفت‌وگو در بازار اهمیت ویژه‌ای دارد.

عِنْدَنَا قَمِيصٌ بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. پیراهن به قیمت پنجاه هزار تومان داریم.

مَتَجَرَّ و مَحَلَّ هر دو به معنای مغازه است؛ اَمَّا مَعْرَضُ نَمَایِشگاه است. در زبان عربی دُكَّان نیز به کار می‌رود و جمع آن دَكَاكین است. دکان ریشه فارسی دارد. حانوت (جمع آن حَوَانِیت) نیز به همین معناست.

تَخْفِیضٌ، خَصْمٌ و خُصُوم هر سه به معنای تخفیف هستند.

سِعْرٌ، قِیمَة و تَمَن هر سه به معنای قیمت هستند.

تمرین‌ها

تذکر مهم در اینجا این است که بدانیم هدف اصلی تمرینات، تعمیق و تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا تمرین درس ساده باشد و دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد. سعی شده است صورت سؤال ساده و واضح باشد تا دانش‌آموز به سادگی متوجه سؤال بشود. شایسته است دبیر ارجمند برگه‌ای مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود و همه دانش‌آموزان به اندازه کافی تمرین کنند. برای حل تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است. در امتحان شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست‌نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموزان پاسخ را در کتاب بنویسند روز امتحان نمی‌توانند خودآزمایی کنند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حل تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است.

تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلم بتواند در جلسه سوم تمرینات درس اول را به پایان برساند. تعداد تمرینات شش مورد است و دبیر می‌باید زمان را به گونه‌ای مدیریت کند تا بتواند در یک جلسه آن را حل کند.

تمرین اول:

هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. بدین وسیله به معجم درس مراجعه می‌کند و در جست و جوی کلمات ناگزیر باید تک تک آنها را نگاهی بیندازد.

تمرین دوم:

متن به کار رفته داستانی دارای پیامی والاست. دشنام دادن و خشمگین شدن مشکلی است که در بسیاری از افراد وجود دارد. این داستان در نگرش دانش‌آموز تغییر ایجاد می‌کند. نصیحت مستقیم کمتر مؤثر است. تأثیر چنین متونی در حسن خلق بسیار است.

تصویر ذیل تمرین مربوط به بارگاه امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام است.

تمرین سوم:

در این سه تمرین چند حدیث نبوی برای تقویت مهارت ترجمه گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد. در این تمرین گریزی به قواعد سال‌های گذشته نیز وجود دارد. این کار در کل کتاب درسی انجام شده است و در کتاب پایه دوازدهم نیز همچنان این کار انجام می‌شود. پنج حدیث به کار رفته همگی در راستای موضوع متن درس هستند.

۱. حَسَنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْفَاعِلَ وَالْمَفْعُولَ)

هرکس اخلاقش بد باشد (بد شود) خودش را عذاب می‌دهد.

۳. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلَ الْمَاضِيَ الْمَجْهُولَ وَالْمَفْعُولَ)

فقط به خاطر مکارم اخلاق (بزرگواری‌های اخلاق) برانگیخته شدم.

۴. اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلَ الْمَاضِيَ وَفِعْلَ الْأَمْرِ)

۵. خدایا همان طور که آفرینش را نیکو گردانیدی اخلاقم را هم نیکو بگردان.

۶. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمَ التَّفْضِيلِ وَالْجَارَّ وَالْمَجْرُورَ)

در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

تمرین چهارم:

در این تمرین دانش‌آموز در جست‌وجوی اسم مکان و اسم مبالغه است. مثال‌ها در راستای فرهنگ دینی است.

تمرین پنجم:

در این تمرین دانش‌آموز فعل را بیرون از جمله ترجمه می‌کند. این تمرین سخت است؛ اما دانش‌آموزی که سه سال فعل آموخته است باید بتواند در سال پنجم انواع فعل را تشخیص دهد. او باید افعال ماضی، مضارع، امر و نهی و ... را از هم تشخیص دهد؛ مثلاً باید بتواند أَذْهَبُ را از إِذْهَبُ تشخیص دهد. هدف اصلی این تمرین تکرار آموخته‌های فراگیر در درس سوم و چهارم کتاب عربی پایه دهم است.

تمرین ششم:

هدف تکرار آموخته‌های سال گذشته است که در بارم‌بندی نیز مجدداً دارای سهمیه است. تشخیص محل اعرابی تمرینی است که در درس‌های بعد و سال آینده در پایه دوازدهم نیز تکرار خواهد شد.

ارزشیابی:

از دانش‌آموزان بخواهیم تا در گروه‌های چندنفره تمرینات درس را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد.

وسایل کمک آموزشی:

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:
کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، فم‌هنگ آموزشی، اسلاید، اعلان (پوستر)، فلش کارت

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.

هدف از این تمرین تشویق دانش‌آموز به انجام فعالیت و تحقیق است. نمره این بخش را می‌توان در امتحان مستمر اول و دوم حساب کرد. انجام این بخش منوط به داشتن وقت است. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است.
متن دعای افتتاح:

http://www.tebyan.net/Weblog/gh_mahdi/post.aspx?PostID=۲۶۹۴۸

^۱ آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. اطلاع نگاشت (اینفوگراف) یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویر سازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟ واژه اطلاع نگاشت (اینفوگراف) Infograph کوتاه شده Information Graphic است. امروزه اطلاع نگاشت (اینفوگراف)ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اطلاع نگاشت (اینفوگراف) به عنوان يك ابزار کارا استفاده می‌کنند. اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌ها است.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. إِذَنْ: حرف جواب و جزاء یا مُكَافَاةً است.
این حرف هرگاه فعل مضارع را منصوب کند با نون نوشته می‌شود.
امکان دارد دانش‌آموز إِذَنْ را إِذَنْ (اجازه) یا أُذُن (گوش) اشتباه بگیرد.
إِذَنْ: اعلام به اجازه ؛ «فعله بإذني»: آن کار را با اجازه من انجام داد، اجازه دادن
«إِذَنْ الْبَرِيدِ» جمع: أُذُونَاتُ الْبَرِيدِ: حواله پستی
۲. اسْتَهْلَكَ: اسْتَهْلَكَ [هلك] ه : او را هلاک کرد.
اسْتَهْلَكَ الْمَالَ: آن مال را به مصرف رسانید و از بین برد.
اسْتَهْلَكَ فِي الْأَمْرِ: در آن کار با شتاب کوشید.
اسْتَهْلَاكَ مَحَلِّي: مصرف داخلی ، اسْتَهْلَاكَ الطَّاقَةَ: مصرف انرژی
۳. غَضَّ النَّظَرَ: چشم‌پوشی، نادیده گرفتن، کوتاه آمدن از «بَغَضُ النَّظَرِ عَنْ»: به جز، صرف نظر از
جمع: غِضَاض: تازه، نرم ؛ «شَبَابٌ غَضٌّ»: جوانی نوشکفته
غَضَّ طَرَفَهُ (أَوْ مِنْ طَرَفِهِ أَوْ بَصَرِهِ أَوْ مِنْ بَصَرِهِ) چشم پوشید از، چشم‌پوشی کرد از، اغماض کرد از،
کوتاه آمد از، صرف نظر کرد از
غَضَّ - غَضًّا و غِضَاضًا و غِضَاضَةً [غَضٌّ] طَرَفَهُ و مِنْ طَرَفِهِ أَوْ صَوْتَهُ و مِنْ صَوْتِهِ: نگاه نکرد و
صدایش را برنیاورد
غَضَّ النَّظَرَ أَوْ الطَّرْفَ عَنْهُ: از او روی گردانید
غَضَّ بَصَرَهُ: چشم خود را از نامحرم پوشانید
غَضَّ طَرَفَهُ لِفُلَانٍ: ناپسندی‌های او را تحمل کرد
غَضَّ الْغُصْنَ: شاخه را شکست ولی از درخت جدا نکرد
غَضَّ الشَّيْءَ: آن را کم کرد
غَضَّ مِنْ فُلَانٍ: شخصیت فلانی را کوچک و او را خوار کرد
غَضَّ غِضَاضَةً و غُضُوضَةً النَّبَاتِ وَ غَيْرُهُ: گیاه سرسبز و تازه و زیبا شد.
۴. تَرْبَوِي اسم منسوب از تَرْبِيَّة است؛ مانند عیسوی، موسوی، أَخْرَوِي
واژه جَبَّار از نام‌های خداست که در قرآن به آن تصریح شده است. حشر، ۲۳، هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

این واژه که از مادهٔ «جبر» گرفته شده، گاه به معنای قهر و غلبه و نفوذ اراده و گاه به معنای جبران و اصلاح است.

مجمع البحرین در بیان معنای لفظ جبار نوشته است:

«جبار یعنی کسی که در پادشاهی و حکومت مقامش بسیار عظیم باشد، این صفت در مورد غیر خداوند متعال به کار نمی‌رود مگر در جایی که قصد مذمت غیر خدا را داشته باشند. مجمع البحرین ج: ۳ ص: ۲۳۹ و قيل الجبار العظيم الشأن في الملك والسلطان، ولا يطلق هذا الوصف على غيره تعالى إلا على وجه الذم.

راغب در مفردات می‌گوید: «اصل جبر اصلاح کردن چیزی است با غلبه و قدرت این واژه هنگامی که در مورد خداوند به کار رود بیانگر یکی از صفات بزرگ او است که با نفوذ اراده و کمال قدرت به اصلاح هر فساد می‌پردازد، و هرگاه در مورد غیر او به کار رود معنای مذمت را دارد. راغب اصفهانی، مفردات فی غرائب القرآن، مادهٔ جبر و به گفتهٔ «راغب» به کسی گفته می‌شود که می‌خواهد نقصان و کمبود خود را با ادعای مقاماتی که شایستهٔ آن نیست «جبران» کند.

این واژه در قرآن مجید در ده مورد به کار رفته که نه مورد آن دربارهٔ افراد ظالم، گردنکش و مفسد است، و تنها یک مورد آن دربارهٔ خداوند (آیه مذکور) می‌باشد. تفسیر نمونه، ج: ۲۳، ص: ۵۵۴
لذا این اسم هرگاه در مورد خداوند استعمال شود هم به معنای «بسیار چیره و غالب» ترجمه منجد الطالب، ص ۵۷

و هم به معنای «بسیار ترمیم کننده و جبران کننده دلهای شکسته» است. رضایی، محمد، واژه‌های قرآن، ستون ۶۶

۷. حِمَار: جمع آن حَمِير و أَحْمِرَة و حَمَر و حُمُور و حُمَرَات: خر، الاغ، تیره‌ای از این حیوان اهلی و تیره‌ای وحشی است که بر تیرهٔ دوم (حِمَار وَحْش و حِمَارُ الْوَحْش و الْحِمَارُ الْوَحْشِي) اطلاق می‌شود.
حِمَارُ الزَّرْد: گور خر

۸. خَدَّ: گونه. جمع آن خُدود است.

۹. صَعَرَ خَدَّهُ (تَصَعَّرَ): روی خود را از نگاه به مردم و از روی خودبزرگ‌بینی برگردانید و گاهی به طور طبیعی است.

۱۰. تَمَوَّجَ عربی شدهٔ نمودگ (نموده، نمونه) است.

۱۱. حَيَّ: اسم فعل به معنای «بشتاب» و مبنی بر فتح است. .

۱۲. فَلَقَ: سپیده‌دم، جمعش فُلُقَان است.

شکاف در کوه، زمین هموار میان دو بلندی، بامداد، بیان حقیقت، مخلوقات، دوزخ

فَلَقَ جمع آن أَفْلَاق: چوب فلک که پای را به آن بستند و تنبیه کنند.

فَلَقَ مِنَ اللَّبَنِ: شیری که تُرَش شده باشد.

۱۳. سِغَر، قِیمَة و ثَمَن تقریباً به یک معنا هستند. جمع آنها أَسْعَار، قِیم و أَثْمَان است.

۱۴. قَبَرِ غلام حضرت علی علیه السلام و از اصحاب ویژه ایشان است.

او در جنگ صفین پرچمدار قسمتی از سپاه امام علی علیه السلام بود و به دست حجاج بن یوسف ثقفی

شهید شد.

قبر از نظر نَسَب مجهول است و اطلاعاتی درباره نیاکانش در دست نیست. او مدّتی در شهر بیهَق

(در نزدیکی سبزوار کنونی) زندگی کرده است.

کنیه وی را ابوشعناء گفته‌اند. ابوشعناء یعنی «دانشمند پیر ژولیده مو».

قبر از اصحاب خاص، غلام و دربان (حاجب) حضرت علی علیه السلام بود. او همچنین دربان امام حسن

مجتبی علیه السلام بود. شیخ طوسی، او را در شمار اصحاب امام علی علیه السلام یاد می‌کند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قبر علاقه بسیاری به حضرت علی داشت. هرگاه که آن حضرت

شبانۀ از منزل خارج می‌شد، قبر بی‌آنکه امام پی برد از او مراقبت می‌کرد. متقابلاً حضرت علی

علیه السلام نیز به وی عنایت داشت.

روزی حضرت علی علیه السلام دو لباس یکی به سه درهم و دیگری را به دو درهم خرید و لباس گران‌تر را به

قبر داد.

سند داستان تهرین دوم در درس اوّل درباره قبر:

مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۴۲۴؛ مفید، أمالی، ص ۱۱۱

۱۵. خُلِقَ و خُلُقَ هر دو درست هستند.

از آنجاکه در قرآن خُلُق آمده است لذا در کتاب درسی نیز این تلفّظ آمده است.

۱۶. ساء: سَوَاءٌ و سَوَاءٌ و سَوَاءَةٌ و سَوَائِيَّةٌ و سَوَائِيَّةٌ و مَسَاءٌ و مَسَاءَةٌ و مَسَائِيَّةٌ و مَسَائِيَّةٌ [سواء] الأمرُ

فلاناً: آن امر فلانی را به ستوه آورد و غمگین کرد.

ساءٌ به ظناً: نسبت به او بدگمان شد.

ساءٌ الشيءُ: آن چیز بد یا زشت شد؛ «ساءَتْ سِرَّتُهُ»: بد روش و بد اخلاق شد.

ساءٌ الموقِفُ: زمینه کار ناهموار شد.

الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف رفتاری

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

۱. متن درس صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ را درست قرائت و ترجمه کند.
۲. معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
۳. پیام متن را درک کند.
۴. اسم فاعل و اسم مفعول را از ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید تشخیص دهد و درست ترجمه کند.
۵. اسم مبالغه را بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش:

متن درس دوم عربی زبان قرآن (۲) در باره «ملمّع در ادبیات فارسی» است. متن این درس در نظرسنجی‌ها مورد توافق اکثر دبیران بود. این متن در کتاب دهم درس مشترک کلیه رشته‌ها نیز آمده بود و مورد استقبال دانش‌آموزان واقع شده بود. به همین دلیل در کتاب یازدهم برای رشته انسانی نیز تکرار شد.

هماهنگی در ترجمه متن درس دوم:

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ^۱ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَعُتُّ الْقُرْآنَ وَالْأَحَادِيثَ وَالْأَدْعِيَةَ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ وَأَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَاتًا مَمَزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛ لِكَثَرِ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٍ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَسَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَجَلَّالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ. زَبَانِ عَرَبِي زَبَانِ قُرْآنَ وَ أَحَادِيثَ وَ دَعَاهَا سَتِ كِه بَسْيَارِي اَز شَاعِرَانِ اِيرَانِي اَز آن اسْتَفَادَه كرده‌اند و بَرخی اَز آنانِ اَبْيَاتِي آمِيخْتَه بَه عَرَبِي رَا سِرُودَه‌اند كِه آن رَا مِلْمَع نامیده‌اند.

^۱ تَلْمِيع: درخشان کردن / مُلَمَّع: درخشان (گونه‌ای شعر که بخشی فارسی و بخشی زبانی دیگر است). این آرایه را تلمیع گویند.

بسیاری از شاعران ایرانی ملّمع دارند، از آن جمله حافظ شیرازی، سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
 إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَه
 از خون دل نامه‌ای به دوست نوشتم. من روزگار را از دوری تو [مانند] قیامت دیدم. (مصرع دوم را این گونه نیز معنا کرده‌اند: به سبب جدا شدن تو از قیامت را در مدّت طولانی دیده‌ام).
 إِنِّي رَأَيْتُ (بصري) الْقِيَامَةَ مِنْ هَجْرِكَ دَهْرًا. و این دهر مفعولٌ فیهِ است نه مفعولٌ به.
 دارم من از فراقش در دیده صد علامت
 لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَه؟
 من از دوری او در چشمم صد نشانه دارم. آیا این اشک‌های چشمم نشانه نیست؟!
 در اکثر نسخه‌ها به جای هُذِي، هَذَا آمده است. چنین خطایی از حافظ سر نمی‌زند و هُذِي صفت برای دُمُوع است لذا به صورت مؤنث درست است.

هر چند کازمودم از وی نبود سودم
 مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَه
 هر قدر آزمایش کردم از آن سودی نبردم. هرکس آزموده را بیازماید پشیمان می‌شود.
 پرسیدم از طبیبی احوالِ دوست گفتا
 فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَه
 از طبیبی حال دوست را پرسیدم و گفت: در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامت است.
 گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
 وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَه
 گفتم مایه سرزنش است اگر گرد دوست بگردم. سوگند به خدا عشقی بدون سرزنش ندیده‌ایم.
 حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
 حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكَرَامَه
 حافظ مانند خواستار جامی به قیمتِ جان شیرین آمد، تا از جام کرامت بچشد.

مُلَمَّعُ سَعْدِيِّ الشِّيرَازِيِّ

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفَلَوَاتِ
 تو قدر آب چه دانی که در کنار فُرّاتی
 از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه و سرگرداند بپرس. تو قدر آب چه می‌دانی که در کنار رود فرات هستی؟!
 (مَصَانِعِ آبگیرهایی بودند که مزه گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگانِ سرگردان در بیابان نعمتی بزرگ بود.)

شبم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
و إِنْ هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي
شبم از دیدار چهره‌ تو مانند روز روشن است و چشمم روشن به دیدارت است، و اگر [مرا] ترک کنی، شب و
روزم یکسان می‌شود.

اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي
اگرچه دیر شد، امید از دست ندادم. زمان گذشت (سپری شد) و قلبم می‌گوید حتماً تو می‌آیی.
من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
اگر گلی به حقیقت عَجِينِ آبِ حیاتی
من انسانی به زیباییِ تو ندیدم. اگر تو گِل هستی به راستی با آبِ زندگی خمیر شده‌ای.
شبانِ تیره امیدم به صبحِ روی تو باشد
وَ قَدْ تَفَتَّشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ
امیدم در شب‌های تاریک به چهره‌ مانند صبح تو است. گاهی چشمه‌ زندگی در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود.
فَكَمْ تَمَرَّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهْدٍ
جوابِ تلخِ بدیع است از آن دهانِ نباتی
چه بسیار زندگی‌ام را تلخ می‌کنی در حالی‌که تو حاملِ عسل هستی! پاسخِ تلخ از آن دهانِ شیرین مانند نبات
نو و تازه است.

نه پنج روزه‌ عمرست عشقِ روی تو ما را
وَ جَدْتُ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ سَمَمْتُ رُفَاتِي
عمر کوتاه ما برای عشقِ چهره‌ تو کافی نیست. اگر خاکِ قبرم (استخوانِ پوسیده‌ام) را ببویی، بوی عشق را
می‌یابی.

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
محامدِ تو چه گویم که ماورای صفاتی
هر با نمکی را همان‌گونه که دوست داری و خشنود می‌شوی وصف کردم. ستایش تو چگونه بر زبان برانم که
فراتر از صفت‌ها هستی.

در بسیاری از نسخه‌ها يُحِبُّ وَ يَرْضَى آمده است. (دوست دارد و راضی است)
أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَذْنُو
که هم کمندِ بلایی و هم کلیدِ نجاتی
از تو می‌ترسم و به تو امیدوارم و کمک می‌خواهم و نزدیک می‌شوم؛ زیرا هم کمندِ بلا و هم کلیدِ رهایی هستی.
ز چشمِ دوست فتادم به کامه‌ دلِ دشمن
أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ غَدَاتِي
از چشمِ دوست به درونِ دلِ دشمن افتادم. دوستانم مرا ترک کردند همان‌گونه که دشمنانم می‌خواهند.
فراقنامه‌ سعدی عجب که در تو نگیرد
وَ إِنْ شَكَّوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنَ فِي الْوُكُنَاتِ
شگفت است که نامه‌ جدایی سعدی در تو اثر نمی‌گذارد؛ حال آنکه اگر به پرندگان گلایه کنم، در لانه‌ها شیون
کنند!

بخش درک مطلب:

این بخش یک هدف اولیه دارد که همانگونه که از نامش پیداست درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهم قرائت مدّ نظر است. باید دانش آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند.

بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی یازدهم درک مطلب آمده است. در این درس نیز همین‌گونه است.

پاسخ درک مطلب: غ ص غ غ

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث اسم فاعل و اسم مفعول از ثلاثی مجرد و مزید و اسم مبالغه آموزش داده شده است. در اینجا فقط آشنایی با نحوه ترجمه این مشتقات آمده است. در احادیث و روایات و در زبان و ادبیات فارسی چنین مشتقاتی بسیار به کار رفته است؛ لذا دانش آموز باید با معنا و مفهوم آن آشنا شود. وقتی که دانش آموز معنای این مشتقات و نوع آنها را خوب بشناسد می‌تواند آنها را هم بسازد. هرچند ساختن هدف نیست؛ اما به دست خواهد آمد.

اسم فاعل یکی از اسم‌های مشتق است که اگر از ثلاثی مجرد ساخته شود بر وزن «فاعل» می‌آید؛ مثال:

كَتَبَ = کاتب و نَصَرَ = ناصر

و اگر از فعل ثلاثی مزید ساخته شود، این گونه است:

۱. از فعل مضارع ساخته می‌شود؛ مانند يَنْتَظِرُ.

۲. به جای حرف مضارع، میم مضموم (مُ) می‌آید؛ يَنْتَظِرُ = (مُ)نْتَظِر

۳. حرف ما قبل آخر آن مکسور می‌شود. مُنْتَظِر (ظ-ر)

يَسْتَخْدِمُ = مُسْتَخْدِم يُعَلِّمُ = مُعَلِّم يُشَاهِدُ = مُشَاهِد

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اوّل کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. سعی شده است حتّی الامکان در تمرینات کلمه جدیدی به کار نرود. تمرینات باید در کلاس به صورت گروهی حل شود تا دانش‌آموز کار گروهی را یاد بگیرد. آن‌گاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشکال می‌کند. در همه کتاب حداکثر شش تمرین طراحی شده است.

تمرین اوّل:

هدف، تقویت مهارت درک و فهم و کاربرد واژگان است.

تمرین دوم:

هدف، همانند تمرین دوم تقویت مهارت درک و فهم و کاربرد واژگان است؛ امّا شیوه اجرا متنوع شده است.

تمرین سوم:

این تمرین، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد است، و در خلال آن آموخته‌های پیشین نیز تکرار شده است. عبارت‌ها از قرآن و حدیث برگزیده شده؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی نیز همین است.

تمرین چهارم:

هدف تقویت کاربرد واژگان است. متضاد و مترادف در هر زبانی از تمرینات اصلی است.

تمرین پنجم:

هدف، مجدّداً مانند تمرین سوم تثبیت آموخته‌های بخش قواعد درس است.

البحث العلمی (پژوهش):

در انتهای هر درس این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی، دانش‌آموزان را تشویق به انجام پژوهش کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی:

دبیر لیستی در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در حلّ تمرین‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای تسهیل آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اما باید توجه داشت که افراط در این کار، موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حسّ ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسایل کمک آموزشی:

کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، نمابنگ آموزشی، اسلاید، اعلان (پوستر)، فلش‌کارت

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. معانی و کاربردهای مختلف «أَلَفَّ»:
 - أَلَفَّ الشَّيْءَ : بخش‌های چیزی را به هم پیوند داد.
 - أَلَفَّ الْأَلْفَ : شمارهٔ چیزی را به یک هزار رسانید.
 - أَلَفَّ الْكِتَابَ : کتاب را گردآوری و تألیف کرد.
 - أَلَفَّ الْحُكُومَةَ : دولت را تشکیل داد.
 - أَلَفَّ بَيْنَهُمْ : میان‌شان دوستی برقرار ساخت.
۲. تَارَةً یعنی یک بار و کاربردهای گوناگون دارد:
 ۱. جمع آن تارات: زمان و یک بار
«فَعَلْتُ تَارَةً هَذَا وَ تَارَةً (أَوْ طَوْرًا) ذَاكَ»: گاهی این کار و گاهی آن کار را انجام دادم.
«تَارَةً بَعْدَ تَارَةٍ»: گهگاه، گاه و بیگاه.
 ۲. حِصَّةٌ در کتاب درسی به معنای زنگ مدرسه به کار رفته است. الحصة الثانية یعنی زنگ دوم.
معانی مختلف حصة عبارت است از:
سهمیه، سهم، بهره، قسمت، نصیب، بورسیه.
حِصَّةٌ (منحة) دراسية: بورس تحصیلی؛ حِصَّةٌ فِي الرِّيح: سود سهم برای دارندهٔ آن
 ۳. مصدر خِجَالَت در زبان فارسی کاربرد دارد. در عربی خَجَلَ گفته می‌شود.
 ۴. معانی کادَ: نزدیک شد (بود)، در شُرْف ... واقع شد، در مرز ... قرار گرفت، در آستانه ... قرار گرفت، نزدیک بود که / ما کادَ ... حَتَّى یا لَمْ يَكِدْ ... حَتَّى: هنوز ... (فعل منفی) که ...، به محض اینکه ... چیزی نگذشته بود که ...، به مجرد اینکه
 ۵. ریشه‌یابی یک نام کهن پارسی:
میثم برخلاف پنداشت بسیاری، نامی پارسی و از ریشهٔ واژهٔ اوستایی مَئِیْثَن به معنای «ماندن» است. میهن، میهمان، ماندن، حُمین (خو میهن)، حُرْمِیْثَن (زادگاه پورسینا) و میثم واژگان هم‌خانواده هستند. میثم ایرانی بود. بیشتر افراد گمان می‌کنند میثم عرب بود و نامش عربی است. ولی این‌گونه نیست. میثم ایرانی و نامش فارسی است. شاید از مردمان اسپهان (اصفهان) بوده. میثم یعنی (آنکه می‌ماند). هرچند در زبان پارسی کنونی صدای (ث) یافت نمی‌شود ولی در گذشته این صدا خوانش می‌شده است؛ مانند کیومرث (زندهٔ میرا) و تهمورث (دارندهٔ سگ نر نیرومند)

میثم تمار غلام زنی از قبیله بنی اسد بود، امیر المؤمنین علی علیه السلام او را از آن زن خرید و آزادش کرد و به وی فرمود: نامت چیست؟ گفت: سالم. حضرت فرمود: فرستاده خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده که نامی که پدرت در عجم تو را به آن نامیده‌اند میثم است. میثم عرض کرد: خدا و پیغمبرش صلی الله علیه و آله درست گفته‌اند، حضرت فرمود: برگرد به همان نامت که رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را به آن نامیده و سالم را رها کن. پس به همان اسم میثم برگشت و کنیه‌اش را ابی سالم گذاشت تا اینکه نقل شده است؛ در آن سالی که کشته شد حج به جا آورد بر ام سلمه وارد شد و ام سلمه به او فرمود:

به خدا سوگند بسیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که در دل شب درباره تو به علی علیه السلام سفارش می‌کرد.

[إثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۰۹]. برگرفته از دانشنامه نام‌ها و واژه‌ها. انتشارات مدرسه.

۶. دَابَّة: جمع آن دَوَابّ است. دَابَّة در مذکر و مؤنث یکسان به کار می‌رود و تاء برای وحدت و به معنای هر حیوانی است که بر روی زمین راه رود و بیشتر به چارپایان سواری و باری گفته می‌شود.

۷. إناء جمع آن آنیة و جمع الجمع آن أوانی است؛ به معنای ظرف، تُنگ آب، جام

۸. إِيًّا: ضمیر منفصل منصوب است که همه ضمایر نصب به آن وصل می‌شود تا تمییز ضمیر شناخته شود؛ مانند «إِيَّاَنَا، إِيَّاكُمْ، إِيَّاهُ ...»؛ «إِيَّاكَ أَنْ» تو را از چیزی نهی می‌کنم؛ «إِيَّاكَ مِنْ» از چیزی برحذر باش.

۹. عُمَر خَیّام نیشابوری (نام کامل او غیاث‌الدین ابوالفتح عُمَر بن ابراهیم خَیّام نیشابوری است). (زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ در نیشابور درگذشته به تاریخ ۱۲ آذر ۵۱۰ در نیشابور) فیلسوف، ریاضیدان، ستاره‌شناس و رباعی‌سرای ایرانی در روزگار سلجوقیان است.

گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی اوست و لقبش «حجة الحق» بوده است، ولی آوازه وی بیشتر به رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. رباعیات خیام را به بیشتر زبان‌های زنده برگردان نموده‌اند، ادوارد فیتزجرالد رباعیات او را به زبان انگلیسی برگردانده که مایه ناموری بیشتر وی در مغرب زمین شده است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان سروسامان دادن و سرپرستی محاسبات گاه‌شماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره پادشاهی ملک‌شاه سلجوقی بود، دانست؛ محاسبات منسوب به خیام در این زمینه، هنوز معتبر است و دقتی به مراتب بالاتر از تقویم میلادی دارد.

۱۰. بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی (زاده ۸ اسفند ۹۲۵ خورشیدی در بعلبک، درگذشته ۸ شهریور ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان) حکیم، فقیه، عارف، ستاره‌شناس، ریاضیدان، شاعر،

ادیب، تاریخدان و دانشمند نامدار سده دهم و یازدهم هجری؛ که در فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات دانش بسیار داشت. در حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر و فیزیک بر جای مانده است.

به پاس خدمات وی به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم می‌بوده نام وی را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد.

۱۱. بَشَّارِ پسر بُرْدِ پسرِ یرجوخِ تخارستانی (به عربی: بَشَّارُ بْنُ بُرْدِ بْنِ یرجوخ) (۹۵ - ۱۶۷ یا ۱۶۸ ق.؛ برابر با ۷۱۴ م. - ۷۸۴ م.) شاعر ایرانی تبار دوره‌های امویان و عباسیان بود. وی به زبان عربی شعر می‌سرود و در این کار درخشندگی بسیاری داشت و سرآمدِ هم‌اوردانِ خویش در این زمینه همچون فَرَزْدَق بود. دشمنانش به ویژه جاحِظ پس از مرگ، او را با ویژگی‌هایی چون زشتروی و درشتخوی و درشت‌اندام و دیوانه یاد کردند. پدر بَشَّار از تخارستان (در افغانستان امروزی) بود که به دست عرب‌ها به بند کشیده شده و به بصره آورده شده بود. بَشَّار در نزدیکی همین شهر زاده شد. وی نابینا از مادر زاده شد. از کودکی به سرودن شعر به زبان عربی پرداخت و پس از چندی به جنبش شعوبیه پیوست. او همچنین با خاندان برمکیان در پیوند بوده و خالد برمکی را ستوده بود. او در بصره بزرگ شد و در زمان خلافت منصور دوانیقی به بغداد رفت و پله‌های پیشرفت را پیمود. بشار باورهای زرتشتی داشت و شیفته ایرانیگری و دشمن سرسخت عرب بود. از همین روی به فرمان المهدی خلیفه عباسی به دلیل هجوی که بَشَّار درباره او گفته بود و به گناه زندیقی در برابر دیدگان مردم بصره وی را آن قدر تازیانه زدند که بر اثر آن شکنجه جان سپرد. برخی گزارش کرده‌اند که به فرمان خلیفه وی را در آب خفه کرده‌اند.

۱۲. جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولانا، مولوی و رومی (۶ ربیع‌الاول ۶۰۴، بلخ - ۵ جمادی‌الثانی ۶۷۲ هجری قمری، قونیه در ترکیه) (۱۵ مهر ۵۸۶ - ۴ دی ۶۵۲ هجری شمسی) از سرشناس‌ترین شاعران ایرانی پارسی‌گوی است. نام کامل وی «محمد ابن محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی» بوده و در دوران زندگی القاب «جلال‌الدین»، «خداوندگار» و «مولانا خداوندگار» داشت. در سده‌های بعد (شاید از سده نهم) القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی رومی» و «ملای رومی» برای وی به کار رفته‌است و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش»، «خَمُوش» و «خامُش» دانسته‌اند. زبان مادری وی پارسی بود.

مولوی زادهٔ بلخ خوارزمشاهیان (خراسان در ایران بزرگ، افغانستان کنونی) بود و در زمان نگاشت آثارش (همچون مثنوی) در قونیه در دیار روم می‌زیست. با آنکه آثار مولوی برای عموم جهانیان است ولی پارسی‌زبانان بهرهٔ خود را از او بیشتر می‌دانند، چرا که حدود شصت تا هفتاد هزار بیت او فارسی است و خطبه‌ها و نامه‌ها و تقریرات (تعالیم او به شاگردانش که آن را ثبت کردند و به فارسی غیر ادبی و روزانه است)؛ و تنها حدود هزار بیت عربی و کمتر از پنجاه بیت به زبانهای یونانی و ترکی، بیشتر به صورت ملمّع در شعر فارسی دارد.

پارسی گو گرچه تازی خوش‌تر است عشق را خود صد زبان دیگر است

۱۳. حسن بن هانی حَکَمی معروف به ابو نُؤاس اهوازی (۱۳۳ - ۱۹۶ هجری قمری در اهواز، ۷۴۷ یا ۷۶۲ - ۸۱۳ یا ۸۱۵ میلادی) شاعر ایرانی‌تبار عرب بود. ابونواس از بزرگان شعر عاشقانهٔ عرب بود. او در شهر اهواز به دنیا آمد. از او به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران کلاسیک عربی نام می‌برند. وی استاد همهٔ شاخه‌های شعر عربی زمان خویش شده بود، اما شهرتش بیشتر به خاطر تصنیف‌های باده‌گساری و ستایش شراب (خَمَرِیّات) و شعرهایش در مورد شاهدبازی است. وی را شاعر الخمره لقب داده‌اند. دیوان شعرهایش امروزه در دست است و چندین بار در مصر به چاپ رسیده‌است. وی باورهای شعوبی داشت. بر اساس یک روایت او به مدت یک سال در میان اعراب بادیه‌نشین زندگی کرد تا شناختش از زبان عربی خالص، کامل شود. ابونواس بارها به دلایل گوناگون در زمان خلفای عباسی به زندان افتاد. از گذشتهٔ زشت و تفکرات نادرست اخلاقی‌اش بعدها دست برداشت. تندیزی از او در بغداد است.

۱۴. ابوالفتح علی بن محمّد بُستی از شاعران سدهٔ چهارم هجری قمری است. زادگاه او را شهر بُست سیستان می‌دانند. او به زبان عربی تسلّط کامل داشت. دو دیوان شعر از او بر جای مانده‌است. درگذشت وی را به سال ۴۰۱ ق نوشته‌اند. نویسندهٔ کتاب دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، این شعر را به‌عنوان نمونه‌ای از اندیشه و قلم این شاعر سیستانی در نوشتهٔ خویش آورده‌است.

یکی نصیحت من گوش دار و فرمان کن	که از نصیحت سود آن کند که فرمان کرد
همه به صلح گرای و همه مدارا کن	که از مدارا کردن، ستوده گردد مرد

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

اهداف رفتاری

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

۱. متن درس «عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ» را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند.
۲. پیام متن را درست درک کند (تفکر در آفرینش خدا).
۳. معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
۴. به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
۵. ادوات شرط «إِنْ، مَنْ و ما» را بشناسد.
۶. فعل شرط و جواب آن را درست تشخیص دهد.
۷. خبر را در جمله اسلوب شرط به صورت جمله اسمیه تشخیص دهد.
۸. جمله دارای اسلوب شرط را درست ترجمه کند.
۹. فعل و جواب شرط ماضی را در جمله دارای اسلوب شرط درست ترجمه کند.
۱۰. با یک متن مکالمه در محیط ورزشی آشنا شود.

فرایند آموزش درس:

می‌توان از هماهنگ‌هایی در مورد موضوعات درس در این زمینه پیش از شروع درس استفاده کرد. این کار بستگی به وقت و امکانات مدرسه دارد. در غیر این صورت می‌توان از خود دانش‌آموزان در مورد شگفتی‌های آفرینش پرسید.

متن درس همانند درس باران ماهی در پایه دهم بسیار جذاب است و دانش‌آموزان به چنین متونی علاقه بسیار نشان می‌دهند. موضوع این درس در نظرسنجی‌های به عمل آمده رتبه بالایی را کسب کرده است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

در آفرینش بیندیشید و در آفریدگار نیندیشید.

مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ.

هرکس در آفرینش خدا بیندیشد، توانمندی خدا را می بیند.

الطَّائِرُ الطَّنَانُ: هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ، طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنْتِمِتْرَاتٍ، يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ الْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الشَّمَالِ، وَ إِلَى الْأَمَامِ وَ الْخَلْفِ. وَ انْطِلَاقُهُ وَ تَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ يُثِيرَانِ التَّعَجُّبَ. سُمِّيَ طَنَانًا؛ لِأَنَّهُ يُحْدِثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ، فَإِنْ تَحَاوَلَ رُؤْيَةَ جَنَاحَيْهِ لَا تَقْدِرُ، أَمْ تَدْرِي لِمَذَا؟ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.

مرغ مگس (مرغ مگس خوار، مرغ زرین پر) کوچک ترین پرنده روی زمین است، طول آن پنج سانتیمتر است، به بالا و پایین و راست و چپ و جلو و پشت پرواز می کند و حرکت و توقف سریعش تعجب بر می انگیزند. (مایه شگفتی می شوند) طنان (طنین انداز) نامیده شده است؛ زیرا صدایی به دلیل سرعت حرکت بال هایش پدید می آورد، و اگر سعی کنی بال هایش را ببینی نمی توانی، آیا می دانی چرا؟ زیرا بال هایش را تقریباً هشتاد بار در ثانیه حرکت می دهد.

الْتَّمْسَاخُ: لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ، فَبَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ، يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ، فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ بِاسْمِ الرَّقْزَاقِ، فَيَفْتَحُ التَّمْسَاخُ فَمَهُ، فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطَّائِرُ فِيهِ، وَ يَبْدَأُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِهِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ، يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ.

الْتَّمْسَاخُ: روش عجیبی در تمیز کردن دندان هایش دارد، بعد از اینکه غذایش را می خورد، کنار ساحل استراحت می کند، و گونه ای از پرندگان به نام رقزاق به آن نزدیک می شود. تمساح دهانش را باز می کند و آن پرنده در آن وارد می شود، و شروع می کند به نوک زدن به باقیمانده های غذا از دهانش، و بعد از اینکه کارش تمام شد به سلامت بیرون می آید.

دَوْدَةُ الْأَرْضِ: إِذَا أَصَابَهَا شَيْءٌ قَاطِعٌ، وَ قَسَمَهَا إِلَى نِصْفَيْنِ، أَحَدُهُمَا بِرَأْسٍ وَالْآخَرُ بِرَأْسٍ دَلِيلٍ، فَإِنَّ هَذَيْنِ النِّصْفَيْنِ يَنْمُوَانِ، لِيَكُونَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَوْدَةً كَامِلَةً.

کرم خاکی: اگر (هرگاه) چیزی تیز به آن برخورد کند و آن را به دو نیمه تقسیم کند، یکی بدون سر و دیگری بدون دم، این دو نیمه رشد می کنند، تا هر یک از آنها کرمی کامل شود.

السَّمَكُ الطَّائِرُ: نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَقْفِزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَيْلِهِ الْقَوِيِّ وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ، حَيْثُ يَمْدُ زَعَانِفُهُ الْكَبِيرَةُ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحَيْنِ. يَفْعَلُ ذَلِكَ لِلْفِرَارِ مِنْ أَعْدَائِهِ. يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ.

ماهی پرنده: گونه‌ای از ماهیان است که با حرکت دم نیرومندش می‌جهد (می‌پرد) و بر فراز سطح آب پرواز می‌کند، طوری که باله‌های بزرگش را که مانند دو بال هستند می‌کشد. (دراز می‌کند) این کار را برای فرار از دشمنانش انجام می‌دهد. این ماهی چهل و پنج ثانیه پرواز می‌کند، سپس به سمت آب پایین می‌آید و وارد آن می‌شود.

نَقَارُ الْحَشَبِ: طَائِرٌ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى، وَ هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وُجُودِ عَضْوَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الصَّرَبَاتِ: الْأَوَّلُ نَسِيجٌ بَيْنَ الْجُمُجُمَةِ وَ الْمِنْقَارِ، وَ الثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجُمَتِهِ.

دارکوب: پرنده‌ای است که تنه درخت را با نوکش دست کم ده بار در ثانیه می‌زند، و این سرعت به دلیل وجود دو اندام (دو عضو) برای دفع ضربه‌ها در سرش، به مغز کوچکش آسیب نمی‌زند. اولی بافت میان جمجمه و نوک و دومی زبان پرنده که درون جمجمه‌اش می‌چرخد. السَّنَجَابُ الطَّائِرُ: لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى، وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

سنجاب پرنده: دارای پرده ویژه‌ای مانند چتر است که هنگامی که از درختی به درخت دیگر می‌جهد آن را باز می‌کند، و می‌تواند بیشتر از صد و پنجاه پا در یک جهش پرواز کند.

حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ: فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَ عِنْدَمَا تَخْرُقُ الرَّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ، تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ.

مار بیابان: در نیمه روز و هنگامی که شن‌ها پاهای کسانی را که روی آنها حرکت می‌کنند از شدت گرما می‌سوزانند، این مار دمش را در شن قرار می‌دهد، سپس مانند عصا می‌ایستد. و اگر پرنده‌ای روی آن بایستد آن را صید می‌کند.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱. بِمَ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ؟

يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ بِالْمِظَلَّةِ. يَاطِيرُ بِالْمِظَلَّةِ يَاطِيرُ بِالْمِظَلَّةِ ...

۲. أَيُّ طَائِرٍ يُسَاعِدُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ؟ يُسَاعِدُ الرَّقْزَاقُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ. يَا يُسَاعِدُهُ الرَّقْزَاقُ. يَا الرَّقْزَاقُ يَا هَرِ پاسخ درست ديگري.

۳. لِمَاذَا سُمِّيَ الطَّائِرُ الطَّنَّانُ بِهَذَا الْإِسْمِ؟ سُمِّيَ طَّنَّانًا؛ لِأَنَّهُ يُخْدِثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ. يَا هَرِ پاسخ درست ديگري.

۴. مَتَى تَصِيدُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ الطَّيْرَ؟ تَضَعُ الْحَيَّةُ ذَنَبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ. يَا إِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ. يَا هَرِ پاسخ درست ديگري.

۵. كَمْ ثَانِيَةً يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ؟ يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً. يَا هَرِ پاسخ درست ديگري.

۶. مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ؟ أَلطَّائِرُ الطَّنَّانُ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ. يَا هَرِ پاسخ درست ديگري.

إِعْلَمُوا

در بخش «إِعْلَمُوا» مبحث اسلوب شرط و ادوات آن مطرح شده است. در اینجا فقط آشنایی با نحوه ترجمه جملات دارای اسلوب شرط آمده است. در احادیث و روایات چنین ساختاری بسیار به کار رفته است؛ لذا دانش‌آموز باید با معنا و مفهوم آن آشنا شود. آشنایی با اسلوب شرط یکی از راه‌های آشنایی با ساختارهای پربسامد زبان عربی است.

اطلاعاتی برای دبیر نه برای دانش‌آموز:

عوامل جزم فعل مضارع :

فعل مضارع مجزوم:

هرگاه یکی از ادوات جزم بر سر فعل مضارع بیاید، آن را مجزوم می‌کند.

ادوات جازمه:

الف) ادواتی که یک فعل را مجزوم می‌کند. حروف لَمْ - لَمَّا - لَای نهی، لام امر غایب؛ مثال: يَذْهَبُ: لَمْ يَذْهَبْ یعنی نرفت و لَمَّا يَذْهَبْ یعنی هنوز نرفته است. اگر بر سر فعل ماضی بیاید جازمه نیست و به آن «حِینِیَه» گویند. لَمَّا ذَهَبَ یعنی هنگامی که رفت؛ لَا تَذْهَبْ یعنی نرو؛ لِيَذْهَبْ یعنی باید برود. هرگاه «فَ، وَ، ثُمَّ» بر سر این لام بیاید، ساکن می‌شو؛ مثال: وَلِيَذْهَبْ.

ب) ادواتی که دو فعل را مجزوم می‌کند. اسماء شرط: مانند *إِنْ*، بر سر فعل شرط و جواب شرط می‌آیند. آنها

این ادوات عبارت‌اند از: *مَنْ*، *مَا*، *أَيَّ*، *مَتَى*، *أَيْنَمَا*، *مَهْمَا*، *أَيَّانَ*، *أَنَّى*، *حَيْثَمَا*، *كَيْفَمَا*، *إِذَا*

چند مثال: *مَنْ يَكْسُلُ يَخْسِرْ*، *مَهْمَا تَطْلُبْنِي تَجِدْنِي*، *حَيْثَمَا تَجْلِسُ أَجْلِسْ*.

نکته: اسماء شرط مانند *إِنْ* شرط بر سر دو جمله داخل می‌شوند.

هرگاه هر دو، فعل مضارع باشد، مجزوم می‌شوند.

اگر *أَوَّلِي* مضارع و دومی ماضی باشد، *أَوَّلِي* مجزوم و دومی محلاً مجزوم است.

اگر *أَوَّلِي* ماضی و دومی مضارع باشد، *أَوَّلِي* محلاً مجزوم و دومی هر دو حالت جزم و رفع صحیح است.

مثال: *إِذَا تَتَعَلَّمُ تَتَقَدَّمْ*. هرگاه بیاموزی پیشرفت می‌کنی.

إِنْ تَزْرِنِي فَقَدْ زُرْتُكَ. *مَتَى اجْتَهَدْتَ فِي عَمَلِكَ تَظْفَرُ*. یا *تَظْفَرُ*.

همه ادوات شرط به جز «*إِنْ*» و «*إِذَا*» اسم شرط هستند، و این دو حرف شرط هستند و همه ادوات شرط غیر

از «*أَيَّ*» مبنی‌اند و «*أَيَّ*» اسم مُعَرَّب است.

اعراب در فعل مضارع: رفع، نصب و جزم

اگر خالی از عوامل نصب و جزم باشد، همیشه مرفوع است. نشانه رفع در افعال چهارگانه (صیغه‌های *يَفْعُلُ*،

تَفْعُلُ، *أَفْعُلُ* و *نَفْعُلُ*) ضمه ُ است، و در افعال پنج‌گانه نون است؛ مانند: *يَفْعَلَانِ*، *يَفْعَلُونَ*، *تَفْعَلَانِ*، *تَفْعَلُونَ*،

تَفْعَلِينَ

اگر حروف ناصبه بر سر آن بیاید، در افعال چهارگانه منصوب می‌شود، و نشانه نصب فتحه َ است؛ مانند: *أَنْ*

يَفْعُلُ، و در فعل‌های پنج‌گانه حذف نون است؛ مانند: *أَنْ يَفْعَلَا*.

اگر حروف جازمه بر سر آن بیاید، در افعال چهارگانه مجزوم می‌شود، و نشانه جزم سکون ْ است؛ مانند: *لَمْ*

يَفْعُلُ، و در افعال پنج‌گانه حذف نون است؛ مثال: *لَمْ يَفْعُلْ*.

اما اگر فعل مضارع معتل اللام باشد؛ علامت رفع در صیغه‌های چهارگانه ظاهر نمی‌شود و تقدیری است؛ مانند

يَدْعُو و *يَرْمِي* و *يَخْشَى*.

در حالت نصب اگر به (واو) و (یاء) ختم شده باشد؛ مانند: *يَدْعُو* و *يَرْمِي* حرف آخر آن فتحه می‌گیرد؛ مانند: *أَنْ*

يَدْعُو و *أَنْ يَرْمِي*؛ اما اگر به الف ختم شده باشد؛ علامت نصب ظاهر نمی‌شود و تقدیری است؛ مانند: *أَنْ*

يَخْشَى.

در حالت جزم فعل مضارع معتل اللام در صیغه‌های چهارگانه، حرف *عَلَّه* از آخر آن حذف می‌شود، و حرف ما

قبل آخر حرف *عَلَّه* بر همان حرکت پیشین خود باقی می‌ماند؛ مانند: *لَمْ يَدْعُ* و *لَمْ يَرْمِ* و *لَمْ يَخْشَ* که در اصل

يَدْعُو، *يَرْمِي* و *يَخْشَى* بوده است؛

اقتران جواب شرط به فاء:

هرگاه جمله بعدی صلاحیت جمله شرط بودن را نداشته باشد؛ لازم است که فاء جواب همراه باشد و این در موارد زیر است:

۱- هرگاه جزاء، جمله فعلیه‌ای باشد که فعل آن ماضی مقرون به حرف «قَدْ» یا حرف تنفیس «سین» یا «سوف» باشد.

۲- هرگاه جزاء جمله اسمیه باشد.

۳- هرگاه جزاء جمله فعلیه‌ای باشد که فعل آن منفی به «لن» یا «ما» باشد.

۴- هرگاه جزاء جمله فعلیه‌ای باشد که فعل آن طلبی یا جامد است.

الجزم بالطلب:

هرگاه جمله مقدّم طلبیه باشد؛ مانند: امر یا نهی یا استفهام، یا سایر موارد طلب، و فعل مضارع مسببیه بعد از آن مجرّد از فاء سببیه باشد و قصد جزاء از آن شود در این صورت فعل مضارع به دلیل جمله طلبیه مقدّم مجزوم خواهد بود؛ مانند: قولوا لا إله إلا الله تَفْلِحُوا. (فعل مضارع مجزوم)

چه هنگامی جمله طلبی می‌تواند باعث جزم فعل ما بعد از خود شود؟

۱- اگر بدون فاء باشد. ۲- به عنوان معلول جمله طلبی آورده شده باشد؛ مانند: قولوا لا إله إلا الله تَفْلِحُوا.

حوار:

مکالمه درس سوم در محیطی ورزشی است. دانش‌آموزان به ورزش علاقه‌مندند. دلیل گزینش این متن نیز همین علاقه‌مندی آنان است. این متن می‌تواند در ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به درس زبان عربی تأثیرگذار باشد. آشنایی با چند اصطلاح ورزشی به زبان عربی برای دانش‌آموزان جالب است. در نظرسنجی‌ها همیشه دانش‌آموزان نمره بالایی را به این قسمت داده‌اند.

تمرین‌ها

تمرین اوّل:

هدف، تقویت کاربرد واژگان و درک مطلب است. طرح چنین سؤالی وقتگیر و دشوار است. معلّم باید سؤالی طرح کند که کلماتش را دانش‌آموز خوانده باشد.

پاسخ‌ها عبارتند از: الْمِظَلَّة، نَقَّارُ الْخَشَبِ، الْحَيَّة و الْجَنَاح

تمرین دوم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه است.

در خلال ترجمه نگاهی به آموخته‌های پیشین نیز وجود دارد.

از آنجا که متن درس درباره‌ی شگفتی‌های آفرینش است؛ لذا این تمرین نیز ادامه‌ی همان مبحث را در پیش گرفته است. اطلاعات عمومی این بخش از تمرینات می‌تواند در ایجاد علاقه بسیار تأثیرگذار باشد. در سال گذشته دانش‌آموزان با مبحث لازم و متعدّدی آشنا شده‌اند. در این تمرین مجدّداً به این بحث پرداخته شده است.

تمرین سوم:

هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

تمرین چهارم:

هدف تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد درس است.

هرچند در بخش «اعلموا» تمریناتی برای مبحث اسلوب شرط تنظیم شده بود، اما در این تمرین به منظور تثبیت آموخته‌ها مجدّداً این تمرین طراحی شده است.

البحث العلمي:

هدف بخش پژوهش تبیین اهمّیت درختکاری و احترام به محیط زیست است.

پیشنهاد می‌شود یک وب‌نوشت (وبلاگ) برای این منظور به اسم مدرسه و برای ثبت فعالیت‌های دانش‌آموزان ساخته شود.

ارزشیابی:

هرچه در دروس قبل در باره‌ی شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

متن درس را می‌توان با استفاده از کتاب گویا و نمَاهنگ‌های موجود در اینترنت در مورد این پدیده‌ی طبیعی در کلاس درس اجرا کرد.

وسایل کمک آموزشی:

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم‌افزار، پرده‌نگار (پاورپوینت)، اطلاع نگاشت (اینفوگراف)، نمَاهنگ آموزشی (کلیپ)، اعلان (پوستر) و تصویر توصیه می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱. «ما مِنْ» معادل «هیچ ... نیست» در فارسی است و معنای آن با لای نفی جنس شباهت پیدا می‌کند.
۲. «جَنَاح» علاوه بر معنای «بال» به این معانی نیز هست: سوئیت، پهلوی، طرف
۳. «لَا تَفَكَّرُوا» در اصل لَا تَتَفَكَّرُوا بوده و یک حرف «ت» برای سادگی خوانش حذف شده است؛ مانند ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ﴾ و ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (لَا تَتَفَرَّقُوا)
۴. «شمال» یعنی سمت چپ و «شمال» به معنای جهت شمال در فارسی (north) است.
۵. «قَم» جمع آن أفواه و أقدام و به معنای دهان است. این کلمه در اصل (فوه) و مثنای آن (قَمَان و قَمَوَان و قَمِيَان) است؛ «قَم الْقَارِوَةِ»: دهانه بُطری یا سرشیشه بزرگ.
۶. مِظَلَّة جمع آن مِظَال: چتر، چادر بزرگ، سایبان، چتر نجات که آن را مِظَلَّة واقیة و مِظَلَّة هابطة نیز گویند؛ «جُنُودُ الْمِظَلَّات»: گروه چتربازان نیروی هوایی.
۷. کِلَا: [کلو]: اسمی است که لفظ آن مفرد و معنایش مثنی است و با مذکر تأکید می‌شود و همواره چه از نظر لفظ، یا معنا اضافه بر یک کلمه معرفه که دلالت بر دو نفر داشته باشد می‌شود. هرگاه به اسم ظاهر اضافه شود، الف آن به حالت خودش می‌ماند، و اعرابش تقدیری می‌شود؛ مانند: «رَأَيْتُ كِلَا الرَّجُلَيْنِ» و اگر به ضمیری اضافه شود، اعرابش اعراب مثنی خواهد بود؛ مانند: «جَاءَ الرَّجُلَانِ كِلَاهُمَا» و «رَأَيْتُ الرَّجُلَيْنِ كِلَيْهِمَا» و اگر ضمیر بر آن اعاده شود، مراعات لفظ در مفرد بودن جایز است مانند: «زَيْدٌ وَ عَمْرُو كِلَاهُمَا قَائِمٌ» و این افصح است، اما مراعات معنا نیز جایز است؛ مانند: «كِلَاهُمَا قَامَا» و «زَيْدٌ وَ عَمْرُو كِلَاهُمَا قَائِمَانِ» که کمتر به کار می‌رود و در جمله «كِلَاهُمَا مُحِبٌّ لِصَاحِبِهِ» مراعات لفظ می‌شود؛ زیرا به معنای «كُلُّ مِنْهُمَا» می‌باشد.
۸. أَعْجَبَ: إعجاباً هُ : او را به شگفتی واداشت.
۹. حُوت جمع آن حِيتان و أَحْوَات و حِوْتَه است. به معنای نهنگ، ماهی بزرگ

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف رفتاری

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

۱. متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
۲. پیام و هدف متن را درک کند. (هدف درس این است که دانش‌آموز بداند واژه‌دهی و واژه‌ستانی میان زبان‌ها پدیده‌ای طبیعی است. پیام درس دوری از تعصبات قومی در بهره‌گیری از واژگان ناسره است.)
۳. معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
۴. به هنگام ضرورت به آیات و حکم درس استشهاد کند.
۵. اسم معرفه (دو نوع عَلَم و مُعَرَّف بِأَل) و اسم نکره را از هم تشخیص دهد.
۶. اسم معرفه به ال را در جمله درست ترجمه کند.
۷. اسم نکره را در جمله درست ترجمه کند.
۸. حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، حَتَّى» را بشناسد و آنها را به همراه فعل مضارع در جمله درست ترجمه کند.
۹. معادل مستقبل منفی (لَنْ يَفْعَلَ) را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش:

این متن از جذاب‌ترین متون کتاب‌های درسی عربی زبان قرآن است. در نظرسنجی‌ها بالاترین امتیاز را به دست آورد. بسیاری از دانش‌آموزان با ناراحتی می‌پرسند: آیا واژه‌هایی از فارسی نیز در زبان عربی راه یافته‌اند؟ این متن پاسخی به پرسش آنان است. دادوستد واژگانی پدیده‌ای کاملاً طبیعی در سراسر جهان است. به ویژه میان مردمان همسایه طبیعی‌تر است.

معربّات فارسی به کلماتی گفته می‌شود که در زبان و ادبیات عرب استفاده می‌شوند؛ اما ریشه فارسی دارند. هر کلمه‌ای که در زبان عربی، ریشه عربی نداشته باشد، به آن معربّ می‌گویند. تعریب آن است که کلمه‌ای غیرعربی را به شکل عربی درآورند؛ یا آن را به همان شکل اصلی بیان کنند. سیبویه می‌گوید: «التعریب هو أن تتكلم العرب بالكلمة الأعجمية مطلقاً، فهم تارةً يلحقونها بأبنية كلامهم، وطوراً لا يلحقونها بها». در زبان عربی کلمات بسیاری وجود دارند که دخیل از فارسی و یا از زبان‌های ایرانی می‌باشند؛ مانند: هندسه از اندازه، جاموس از گاومیش، و بنفَسَج از بنفشه.

در ریشه‌شناسی واژگان (ایتمولوژی) (etymology) و در زبان‌شناسی (linguistics) به ریشه‌یابی واژگان در گذر تاریخ می‌پردازند، و دگرگونی‌های واژگان را در انتقال شفاهی و کتبی از یک زبان به زبان دیگر بررسی می‌کنند. تأثیر زبان‌ها متقابل است. زبان فارسی و عربی بر هم تأثیر گذاشته‌اند؛ زیرا اعراب در چهار سده نخست هجری در ایران حضور داشتند، و تا انقلاب مشروطه متون مهم به زبان عربی یا فارسی آمیخته به عربی نوشته می‌شد و از سوی دیگر ایرانیان در پیدایش و ساختار زبان عربی نقش ارزنده‌ای داشتند. در زبان عربی واژگان بسیاری وجود دارد که به آنها «معربّات» می‌گویند. ریشه بسیاری از معربّات هنوز ناشناخته است.

در کتاب‌های لغت صدها واژه عربی که از زبان فارسی به عربی راه یافته‌اند، آمده است، و جوالیقی، ادّی شیر و لويس معلوف به بسیاری از آنها اشاره کرده‌اند.

دکتر هادی العلوی در کتاب «خلاصات في السياسة والفكر السياسي في الإسلام» صفحه ۱۶۸ می‌نویسد: «نویسندگان متقدم در دنیای عرب بیشتر از اصل فارسی بودند.» در صفحه ۱۶۹ می‌گوید: «عرب تشکیلات، ساماندهی، اداره، مالیات، کشاورزی و بسیاری از قواعد دیگر را از ساسانیان فرا گرفتند».

در کتاب (فقه اللغة و سر العربية) الثعالبی النیشابوری صفحه (۲۲-۲۳) می‌نویسد:

سیبویه داناترین مردم در نحو بود و بعد السیرافی بزرگ‌ترین دانشمندان ادبیات عرب و ابن خالویه از همدان، که خدمات شایانی به زبان عربی کردند.

ایرانیان بسیاری به زبان و ادبیات عربی خدمت کرده و بر آن اثر نهاده‌اند:

الثّعالبی نویسنده کتاب (فقه اللغة و سر العربية). عبدالله بن المقفّع (روزبه بن دادویه) زاده جور (گور) ایران، مترجم کلیله و دمنه از پهلوی به عربی، و نویسنده الأدب الكبير والأدب الصغير. ابن سینا نویسنده (القانون فی الطب). ابوبکر رازی نویسنده (تاریخ الطب) و (الأدوية المفردة)، ابوریحان بیرونی نویسنده الآثار الباقية عن القرون الخالية و دهها کتاب دیگر، عبدالقادر جرجانی بنیانگذار علم بلاغت و نویسنده کتاب (دلائل الإعجاز

وَأَسْرَارِ الْبَلَاغَةِ)، شیخ المفسرین طبری، بخاری، إمام مُسلم، نویسندۀ کتاب صحیح مسلم، ابوحنیفة النُّعْمَان، بشار بن بُرد و ...

فارسی به روش‌های مختلفی بر عربی اثر نهاده و بسیاری از واژگان عربی را با خود به دیگر زبان‌ها از جمله به آسیای مرکزی و شبه قارۀ هند برده است. در ادبیات فارسی گاهی با استفاده از مصدرها و قالب‌های عربی واژه‌هایی ساخته‌اند که بعدها بسیاری به ادبیات عرب وارد شده‌اند؛ مانند سوء تفاهم و صادرات و واردات کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرّبات فارسی نوشته شده‌اند.

هماهنگی در ترجمۀ متن درس هفتم:

الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسیَّةُ دَخَلَتْ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسیَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ.

واژگان فارسی از دورۀ جاهلی وارد زبان عربی شدند، کلمات فارسی بسیاری به دلیل بازرگانی و ورود ایرانیان به عراق و یمن به زبان عربی منتقل شد.

وَكَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمِسْكِ وَالذَّبَابِ.

و این واژگان در ارتباط با کالاهایی بود که نزد عرب نبود؛ مانند مشک و ابریشم.

وَأَشَدُّ النَّقْلُ مِنَ الْفَارِسیَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيْرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

و انتقال از فارسی به عربی پس از پیوستن ایران به دولت اسلامی شدت گرفت.

وَفِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ أَزْدَادَ نُفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسیَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ أَمْثَالِ أَبِي مُسْلِمٍ الْخُرَاسَانِيِّ وَآلِ بَرْمَكٍ.

و در عصر عبّاسی هنگامی که ایرانیان در برپایی دولت عبّاسی به دست امثال ابومسلم خراسانی و خاندان برمک شرکت کردند نفوذ زبان فارسی افزایش یافت.

وَكَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأْثِيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الْكُتُبِ الْفَارِسیَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ، مِثْلَ كَلِيلَةِ وَدِمْنَةِ.

و ابن مقفّع نقش بزرگی در این اثرگذاری داشت، [او] تعدادی از کتاب‌های فارسی مانند کلیلۀ دمنه را به عربی برگرداند.

و لِلْفِرُوزْآبَادِيِّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ يَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

و فیروزآبادی فرهنگ لغت مشهوری به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی در بر دارد.

وَقَدْ بَيَّنَّ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسیَّةِ أَبْعَادَ هَذَا التَّأْثِيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ.

و دانشمندان زبان عربی و فارسی جنبه‌های این اثرگذاری را در مطالعاتشان آشکار ساخته‌اند.

فَقَدْ أَلَفَ الدُّكْتُورُ التُّونَجِيُّ كِتَابًا يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمَ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ».

دکتور تونجی کتابی را تألیف کرد که کلمات فارسیِ عربی شده را در بر می‌گرفت [و] آن را «فرهنگ معرّبات فارسی در زبان عربی» نامید.

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَعَيَّرَتْ أَصَوْنُهَا وَ أَوْزَانُهَا، وَنَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقًّا لِأَلْسِنَتِهِمْ.

اما صدا و وزن آن واژه‌های فارسی که وارد زبان عربی شد دگرگون شد و عرب‌ها آن را مطابق زبان خودشان تلفظ کردند.

فَقَدْ بَدَّلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسِيَّةَ «گ، چ، پ» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِیس ← فَرْدَوْس، مہرگان ← مہر جان، چادرشَب ← شَرَشَف و ...

حروف فارسی «گ، چ، پ» را که در زبانشان نبود به حروفی نزدیک به مخرج‌هایشان تبدیل کردند؛ مثال:

پَرْدِیس ← فَرْدَوْس، مہرگان ← مہر جان، چادرُشَب ← شَرَشَف و ...

وَأَشْتَقُّوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى؛ مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «كَنْج» الْفَارْسِيَّةِ.

و واژگان دیگری از آن برگرفتند؛ مانند «يَكْنُزُونَ» در آیه ﴿...يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...﴾ از کلمه فارسی گنج.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللَّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَالْبَيَانِ.

باید بدانیم که تبادل واژگان میان زبان‌های جهان امری طبیعی است که آنها را در شیوه و گفتار غنی می‌سازد.

وَلَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ.

و نمی‌توانیم که زبانی بدون کلمات دخیل پیدا کنیم. تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی پیش از اسلام بیشتر از تأثیر آن پس از اسلام بوده است.

وَأَمَّا بَعْدَ ظُهورِ الإسلامِ فَقَدْ ازدادتِ الْمُفْرَداتُ العَرَبِيَّةُ في اللُّغَةِ الفارسيَّةِ بِسَبَبِ العاملِ الدِّينِيِّ.

اما پس از پیدایش اسلام واژگان عربی در زبان فارسی به دلیل عامل دینی بیشتر شد.

اعلموا

بخش اول قواعد درس درباره اسم معرفه و نکره است. مهم ترین معرفه از شش نوع معارف معرفه به ال است که بسیار پرکاربرد می باشد. در این کتاب فقط دو نوع معرفه تدریس شده است. دانش آموزان علاقه مند در دانشگاه و حوزه این بحث را کامل خواهند کرد. قرار نیست هرچه در زمینه صرف و نحو و دانش های زبانی وجود دارد را دانش آموز در طول دبیرستان بیاموزد.

اسم معرفه و نکره در دستور زبان فارسی:

اسم معرفه:

اسم معرفه یا شناخته شده اسمی است که نزد مخاطب معین و معلوم است.

اسم معرفه انواعی دارد:

۱. اسم خاص مانند کورش، داریوش، پروین، شهرزاد
۲. معرفه به اشاره، یعنی اسمی که به وسیله صفات های اشاره این، آن، همین و همان وصف شده باشد؛ مثال: آن کتاب، این کتاب، همان خانه، همین خانه.
۳. عهد ذکری: اسمی که قبلا در کلام آمده باشد؛ مثال: کیفی را پیدا کردم. کیف را به صاحبش رساندم. یعنی کیف مذکور را رساندم.
۴. عهد ذهنی، اسمی که در ذهن مخاطب مشخص است؛ مانند پیغمبر فرمود: (یعنی پیامبر اسلام)، خانه را خریدم. (یعنی خانه ای را که تو اطلاع داری).
۵. ضمیر جزء معرفه هاست؛ مانند من، تو، ا ...
۶. اسم مضاف به معرفه یا دارای متمم معرفه؛ مثال: شهر ما، درس دیروز، دوستی با کاوه، اقامت در شیراز.
۷. معرفه جنسی؛ یعنی اسمی که بر جنس یا نوع دلالت کند؛ مانند انسان و حیوان، یعنی نوع انسان و نوع حیوان.

گاهی اسم معرفه نشانه لفظی دارد مانند «را»، «این»، «آن»، «همین» و «همان» گاهی نیز ندارد، مگر اینکه خالی بودن اسم را از نشانه های نکره، از دلایل معرفه بودن آن به شمار آوریم.

اسم نکره:

اسم نکره یا ناشناخته اسمی است که در نزد مخاطب مبهم و نامشخص است؛ مانند کتابی، شهرهایی از نشانه های نکره می توان به «ی» و «یک» و صفات مبهمی از قبیل چند، فلان، هر، چنین و چنان اشاره کرد؛ مثال: چه مردی، هیچ زنی، فلان کوچه، یک روزی، هر شبی و....

نکته:

گاهی «ی» نشانه نکره نیست؛ مانند «مردی» در جمله «مردی را که دیروز دیدم پدرش بود».

این جمله را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد: «آن مردی را که دیروز دیدم پدرش بود».

بهتر است که این «ی» را موصول به شمار آوریم نه نشانه نکره.

هدف بخش دوم قواعد درس چهارم، آشنایی با ترجمه فعل‌های دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ و حَتَّى» است.

دانش‌آموز باید معنای فعل‌هایی مانند «لَنْ أَكْذِبَ» را در جمله بداند. لَنْ أَكْذِبَ را مستقبل منفی (دروغ

نخواهم گفت) معنا کند. «أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ» را «می‌خواهم بروم» معنا کند و بداند که معادل مضارع التزامی در

فارسی است.

اما منصوب کردن از اهداف نیست.

دبیر می‌تواند از دانش‌آموز بخواهد تغییرات فعل‌های مضارع دارای این حروف را شرح دهد و خودش نیز

اشاراتی داشته باشد. اما اشاره او به این معنا نیست که در امتحانات از این موضوع سؤال طرح کند.

ساخت فعل مضارع منصوب از اهداف کتاب نیست.

برای نمونه این سؤال‌ها اشکال دارد:

بر سر فعل‌های مضارع یسمع، تسمعون و یسمعن حرف لَنْ اضافه کنید و آنها را بازنویسی کنید.

اعراب اصلی و فرعی را در فعل‌های داده شده تعیین کنید:

یسمعُ، لکی یسمعُ، لن یسمعوا

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

۱. لِمَاذَا زِدَادَاتِ الْمُفْرَدَاتِ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟

فَقَدْ زِدَادَاتِ الْمُفْرَدَاتِ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

۲. بَعْدَ أَيِّ حَادِثٍ تَارِيخِيٍّ اشْتَدَّ نَقْلُ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟

اشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيرَانَ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

۳. مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

الدُّكْتُورُ التُّونَجِيُّ

۴. مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ.

۵. بِأَيِّ سَبَبٍ نُقَلِّتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟

بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ.

۶. أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللَّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

إِنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَالْبَيَانِ

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی به صورت‌های گوناگونی طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند و درستی و نادرستی هر عبارت را بر اساس حقیقت و واقعیت معلوم می‌کند. این کار می‌تواند بخشی از نمره شفاهی او را تشکیل دهد.

پاسخ پرسش‌های تمرین اول: ص ص غ ص غ

تمرین دوم:

هدف این تمرین پیوند دادن ادبیات فارسی و عربی است. متأسفانه هر اندازه این تمرین زیباست، در سؤالات کنکور طرح سؤال به گونه‌ای است که حتی افراد صاحب نظر نیز دچار اختلاف می‌شوند، تا چه برسد به دانش‌آموز. اما نمی‌توان از طرح این تمرین به این دلیل گریخت. از طرفی لازم است دانش‌آموزان با این سبک سؤال آشنا شوند.

تمرین سوم:

هدف اصلی، تقویت مهارت ترجمه است. هدف دوم، تثبیت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز است. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته آموخته است باید آن قدر ببیند تا به تدریج ملکه ذهنش شود. کلمات پرسشی پرکاربرد هستند. این تمرین در تقویت مهارت سخن گفتن نیز مؤثر است.

تمرین چهارم:

هدف، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد معرفه و نکره است. هدف پنهان این تمرین معرفتی دیدنی‌های ایران و آشنایی با شهرهای کشور است. همه آثار تاریخی به کار رفته در تمرین معروف هستند جز تکیه گُردکلا که از آثار تاریخی روزگار قاجاریان است. روستای کردکلا از توابع شهرستان جویبار در مازندران است.

گفته‌اند: در آغاز دوره قاجار، شاهان برای کنترل و اداره کشور که در آن زمان ارتش منظمی در کشور وجود نداشت از قبایل مختلف بهره می‌بردند.

در آن زمان مسئولیت حفظ منطقه شمال ساری (جویبار، بابلسر) برعهده گروهی از کردهای طایفه مُدانلو نهاده شد که در منطقه «ساوجبلاغ مَکری» (مهاباد امروزی) زندگی می‌کردند. مُدانلوه‌ها به فرماندهی «قلیچ‌خان کرد» (یا محمد حسن‌خان کرد، پدر قلیچ‌خان کرد)، مسئولیت پاسداری این منطقه را برعهده گرفتند. قلیچ‌خان بنابر وصیت خودش در صحن رضوی در مشهد دفن شد.

تکیه کردکلا از آثار ملی دوره قاجاری است. این بنای بسیار زیبا امروزه در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تمرین پنجم:

هدف، تقویت مهارت شناخت افعال ثلاثی مزید است. این مطلب در کتاب پایه دهم آموزش داده شده است و در اینجا مجدداً برای تثبیت و تعمیق آموخته‌ها تکرار شده است. این مبحث بسیار مهم است. مهم‌ترین مبحث هر زبانی «فعل» است.

تمرین ششم:

هدف این تمرین تکرار آموخته‌های سال‌های گذشته است. تکرار آموخته‌های پیشین از اهداف تمرینات کتاب درسی است.

حفظ آیات و احادیث به عنوان شاهد مثال کار پسندیده‌ای است؛ اما اجرای نادرست می‌تواند نتیجه‌ای ویرانگر به بار آورد. این کار ارزشمند را می‌توان به صورت داوطلبانه در کلاس انجام داد به طوری که افرادی که داوطلب نشده‌اند از نظر نمره متضرر نشوند.

البحث العلمي:

پژوهش دربارهٔ معرّبات مبحثی جالب و با ارزش است.
دانش‌آموزان می‌توانند نتیجهٔ پژوهش خود را در کلاس مطرح کنند.

ارزشیابی:

در مورد ارزشیابی از این درس هرچه در دروس قبلی نوشته شد را در این درس نیز می‌توان اجرا کرد.
بهترین کار تمرین شفاهی است.

وسایل کمک آموزشی:

هرچه در دروس پیشین در بارهٔ وسایل کمک آموزشی گفته شد در اینجا نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. «إِزْدَادَ» از باب افتعال است. إِرْتَدَّ = إِرْتَادَ = إِرْدَادَ
۲. أَلَفَ الشَّيْءَ: بخش‌های چیزی را به هم پیوند داد.
أَلَفَ الْأَلْفَ: شمارهٔ چیزی را به یک هزار رسانید.
أَلَفَ الْكِتَابَ: کتاب را گردآوری کرد.
أَلَفَ الْحُكُومَةَ: دولت را تشکیل داد.
أَلَفَ بَيْنَهُم: میانشان آنها دوستی برقرار کرد.
۳. ریشهٔ واژهٔ «مِسْك» واژهٔ فارسی «مِشک» یا با خوانش امروزی «مُشک» است. رنگِ مِشکی اشاره به همین کلمهٔ مِشک است.
۴. «مِشْكَاة» به معنای چراغدان احتمالاً ریشهٔ غیر عربی دارد. مِشْكَاة: چراغ، جایی که در آن یا بر آن چراغ نصب کنند، هر دریچه، یا پنجرهٔ بسته.
۵. حَرَجٌ: مصدر است، جای تنگ و پر درخت؛ تابوت که مرده را بر آن حمل کنند، حُرمت، گناه؛ «لَا حَرَجَ عَلَيْكَ»: بر تو گناهی نیست؛ «حَدَّثَ عَنِ الْبَحْرِ وَ لَا حَرَجَ»: از دریا هر قدر که بخواهی سخن بگو و بر تو حرج و اعتراضی نیست.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف رفتاری

دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

۱. متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
۲. پیام متن را درک کند.
۳. معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
۴. به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
۵. جمله بعد از اسم نکره را درست معنا کند.
۶. ترکیب «ماضی + مضارع = ماضی استمراری» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
۷. ترکیب «مضارع + مضارع = مضارع التزامی» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
۸. ترکیب «ماضی + ماضی = ماضی بعید، یا ماضی ساده» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
۹. در مخابرات یک سیم‌کارت یا در موقعیتهای مشابه خریدی انجام دهد.

فرایند آموزش:

متن درس دربارهٔ ارزش راستگویی و نکوهش دروغگویی است. دانش‌آموزان از داستان لذت می‌برند. در متن درس، داستانی جالب گنجانده شده تا پیام درس به درستی منتقل شود.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس پنجم:

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَحَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا، فَمَا اسْتَطَاعَ.
 حکایت می‌شود که مردی بسیار گناهکار و پر از عیب بود. از کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرد آنها را اصلاح کند، ولی نتوانست.

فَدَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي، فَتَصَحَّهٗ بِالْتِزَامِ الصَّدَقِ، وَأَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ.

پس به سوی مردی دانشمند و درستکار رفت و از او اندرزی خواست که وی را از ارتکاب گناهان باز دارد. او را به پابندی به راستگویی پند داد و قولی (پیمانی) از این موضوع از او گرفت.

فَكُلُّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا، امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَائِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ، وَيَمُرُّورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِالْتِزَامِهِ بِالصَّدَقِ.

و هرگاه آن مرد خواست که گناهی مرتکب شود، به خاطر وفای به عهد از آن خودداری کرد، تا به مرد دانشمند دروغ نگوید و با گذشت روزها به خاطر پابندی به راستگویی از شر گناهان و عیب‌هایش رها شد.

وَ يُحْكِي أَنَّ شَابًّا كَانَ كَذَّابًا، وَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ وَ نَادَى أَصْحَابَهُ: النَّجْدَةُ، النَّجْدَةُ...

و حکایت می‌شود که جوانی بسیار دروغگو بود، و در یکی از روزها داشت در دریا شنا می‌کرد و تظاهر به غرق شدن کرد و دوستانش را صدا زد: کمک، کمک ...

توضیح: كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ. در فارسی دو معنا دارد: «داشت در دریا شنا می‌کرد» و «در دریا شنا می‌کرد» یعنی هم به صورت ماضی استمراری درست است و هم ماضی ملموس یا در جریان.

فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ صَحَّكَ عَلَيْهِمْ.

پس دوستانش برای اینکه او را نجات دهند به سوییشتافتند، و هنگامی که نزد او رسیدند، به آنها خندید. كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ، فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَلَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ.

این کار را سه بار تکرار کرد، و بار چهارم موج بالا رفت و نزدیک بود آن جوان غرق شود، پس شروع کرد به صدا زدن دوستانش، ولی آنها گمان کردند که او دوباره (از نو) دروغ می‌گوید.

فَلَمْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ وَ أَنْقَذَهُ، فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ:

پس به او توجه نکردند، تا اینکه یکی از مردم به سوی او شتافت و وی را نجات داد، آن جوان به دوستانش گفت:

«شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَذَّبِي كَادَ يَقْتُلُنِي، فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَمَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكِذْبِ مَرَّةً أُخْرَى.

نتیجه کارم را دیدم، دروغ گفتنم نزدیک بود مرا بکشد، پس از امروز هرگز دروغ نخواهم گفت؛ و این جوان بار دیگر به دروغ گفتن بازنگشت.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ التَّوْبَةِ: ١١٩

خدای بلندمرتبه گفته است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و همراه با راستگویان باشید.

الْصِّدْقُ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَالْصِّدْقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا نَكْذِبَ عَلَى الْآخَرِينَ.

راستگویی با خدا در اخلاص اعمال برای او تجلی می‌یابد؛ و راستگویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوییم.

و قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ».

و پیامبر ﷺ فرموده است: خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی، او سخت را باور کند، در حالی

که تو به او دروغ می‌گویی. (او سخت را باور کرده، در حالی که تو به او دروغ گفته‌ای).

وَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ».

و امام علی بن ابی‌طالب فرموده است: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش‌های زبان و همه جای چهره‌اش آشکار شود.

إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كَذِبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ.

بنابراین، [شخص بسیار] دروغگو نمی‌تواند دروغش را پنهان نماید یا انکار کند.

مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ ﷺ! «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنُطْنَتِهِمْ

بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ».

سخن پیامبر ﷺ چه زیباست! «به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ شبانه آنها نگاه

نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری نگاه کنید».

اعلموا

هدف بخش دوم قواعد درس، آشنایی با ترجمه جمله بعد از اسم نکره است.

تاکنون دانش آموز چندین بار با چنین جملاتی آشنا شده است.

در قواعد این درس، دانش آموزان با شکل‌های گوناگونی از «معادل ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی» آشنا می‌شوند. چنین مبحثی در صرف و نحو عربی به این‌گونه وجود ندارد؛ این مبحث برای دانش‌آموزی است که می‌خواهد زبان عربی را بیاموزد.

پاسخ درک مطلب: ص غ ص غ ص

حوار:

مکالمه درس «خرید سیم‌کارت» است. امروزه «خرید سیم‌کارت» یکی از موضوعات اصلی در سفرهای خارج از کشور است و یکی از گفت‌وگوهای پرکاربرد در آموزش مکالمه در هر زبانی همین موضوع است. در این درس دانش‌آموز با چند کلمه و اصطلاح مهم آشنا می‌شود که قطعاً در سفرها برایش سودمند خواهد بود.

تمرین‌ها

همه تمرین‌های هفت درس کتاب را دانش‌آموز قرائت و حل می‌کند.

پیشنهاد می‌شود دبیر لیستی داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی تمرینی را می‌خواند و حل می‌کند در آن علامت بزند تا مبادا حل تمرینات صرفاً توسط چند نفر صورت بگیرد و بقیه دانش‌آموزان در حل تمرینات فعال نباشند.

می‌توان تمرینات ساده‌تر را برعهده دانش‌آموزان کم‌توان نهاد.

تمرین اول:

هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز جملات را می‌خواند و ترجمه می‌کند سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار بخش از نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. پاسخ‌ها: کَادَ يَغْرِقُ، أَضْمَرَ، أَنْكَرَ، كَرَّرَ وَ كَبَّرَ

تمرین دوم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه و کاربرد آموخته‌های پیشین دانش‌آموز به همین منظور است. این تمرین به شکلی طراحی شده است تا بتواند آموخته‌های بخش قواعد سال گذشته را نیز یادآوری کند. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته خوانده مجدداً در جاهای مختلف کتاب تکرار شده است. این تکرار در کتاب پایه دوازدهم نیز صورت خواهد گرفت. در بارم‌بندی نیز بخشی برای آموخته‌های پیشین نهاده شده است. همچنین احادیث این تمرین ناظر بر پیام اصلی متن درس است.

تمرین سوم:

هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

پاسخ‌ها: الفنون، الغاز، المرح، الطئان، الصلاة و الإضاعة

تمرین چهارم:

هدف این تمرین تثبیت آموخته‌های بخش قواعد همین درس است. آنچه را دانش‌آموز در اختبار نفسک تمرین کرده است مجدداً تمرین خواهد کرد تا به تدریج این آموخته ملکه ذهنش شود.

البحث العلمی

پژوهش درس در ارتباط با موضوع اصلی متن درس است.

لطفاً به کتاب معلم عربی پایه یازدهم (مشترک) بخش البحث العلمی مراجعه کنید. در آنجا احادیثی در ارتباط با موضوع پژوهش این درس گنجین شده است.

روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس با درس قبلی یکسان است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. حَکّی در گویش محلی عراق و سوریه به معنای «حرف زد» می‌باشد. اِحْکِ (در عامیانه عراق: اِحْچِی و در عامیانه سوریه: اِحْکِی) یعنی «صحبت کن».
 ۲. رَصید: اعتبار مالی، پشتوانه مالی، موجودی. رَصیدُ حِسَاب: باقی‌مانده حساب
 ۳. لَنْ را معمولاً نفی ابد معنا می‌کنند و در معادل فارسی آن کلمه هرگز را به کار می‌برند؛ ولی در النحو الوافی عباس حسن این گونه نیست:
- «لَنْ» وهو حرفٌ يُفيدُ النفي بغير دوام ولا تأييد إلا بقرينة خارجة عنه. فإذا دخل على المضارع نفى معناه في الزمن المستقبل المحض - غالباً - نفياً مؤقتاً يقصر أو يطول من غير أن يدوم ويستمر، فَمَنْ يقول: لن أسافر أو لن أشرب، أو لن أقرأ غداً أو نحو هذا، فإنّما يريد نفي السفر - أو غيره - في قابل الأزمنة مدّة معينة، يعود بعدها إلى السفر ونحوه، إن شاء، ولا يريد النفي الدائم المستمر في المستقبل، إلا إن وُجدت قرينة مع الحرف «لن» تدلُّ على الدوام والاستمرار.
- أشهر أحكامه أنّه مُختصٌّ بالمضارع، ينصبه بنفسه، ويخلص زمنه للمستقبل المحض غالباً؛ ولهذا كان نفيه لمعنى المضارع مقصوراً على المستقبل غالباً - كما تقدّم - نحو قوله تعالى: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف رفتاری

دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

۱. متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
۲. پیام درس را درک کند.
۳. به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
۴. معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
۵. حروف کَم، لَ و لا را بشناسد و فعل مضارع دارای این حروف را در جمله درست ترجمه کند.
۶. انواع حرف لَ را در جمله از هم تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش:

متن درس دربارهٔ یک رویداد تاریخی است. ماجرای اسارت سَفَّانه دختر حاتم طائی در جنگ طيء.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس ششم:

إِرْحَمُوا ثَلَاثًا. به سه تن رحم کنید

أَسَرَ الْمُسْلِمُونَ فِي غَزْوَةِ طَيْءٍ «سَفَّانَةَ» ابْنَةَ حَاتِمِ الطَّائِيِّ الَّذِي يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْكَرَمِ،

مسلمانان در جنگ طيء سَفَّانه دختر حاتم طائی را که در بخشش به او مثل زده می‌شود اسیر کردند.

وَلَمَّا ذَهَبَتْ مَعَ الْأَسْرَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

و هنگامی که همراه اسیران نزد فرستادهٔ خدا رفت.

قَالَتْ لَهُ: إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَيَحْفَظُ الْجَارَ وَيَحْمِي الْأَهْلَ وَالْعِرْضَ وَيَفْرِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ، وَيُطْعِمُ الْمِسْكِينَ، وَيَنْشُرُ السَّلَامَ، وَيُعِينُ الضَّعِيفَ عَلَى شِدَائِدِ الدَّهْرِ، وَمَا أَتَاهُ أَحَدٌ فِي حَاجَةٍ فَرَدَّهُ خَائِبًا، أَنَا ابْنَتُهُ حَاتِمِ الطَّائِي.

به او گفت: قطعاً پدرم سرور قوم خودش بود، اسیر را آزاد می‌کرد، همسایه را حفظ می‌کرد، و از خانواده و ناموس (آبرو) حمایت می‌کرد، و اندوه غمگین را برطرف می‌کرد، و به درمانده غذا می‌داد، و صلح را پخش می‌کرد، و ناتوان را بر گرفتاری‌های روزگار یاری می‌کرد و کسی برای نیازی نزد او نمی‌آمد که ناامید برگردد، من دختر حاتم طائی هستم.

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: هَذِهِ صِفَاتُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا؛ أُتْرُكُوهَا فَإِنَّ أَبَاهَا كَانَ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ وَاللَّهُ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. ثُمَّ قَالَ: «ارْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ، وَغَنِيًّا افْتَقَرَ، وَعَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ»

پس پیامبر ﷺ فرمود: این به‌راستی صفت‌های مؤمنان است. او را رها کنید؛ زیرا پدرش بزرگواری‌های اخلاق را دوست داشت؛ و خدا بزرگواری‌های اخلاق را دوست دارد. سپس فرمود: رحم کنید به ارجمندی که خوار شد، و ثروتمندی که ندار شد، و دانایی که میان نادان‌ها تباه شد.

فَلَمَّا أَطْلَقَهَا النَّبِيُّ ﷺ عَادَتْ إِلَى أَخِيهَا «عَدِيُّ بْنُ حَاتِمٍ» وَهُوَ رَئِيسُ قَوْمِهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ.

پس هنگامی که پیامبر ﷺ او را رها کرد، به سوی برادرش عدی بن حاتم که پس از مرگ پدرش رئیس قبیله بود، بازگشت.

فَقَالَتْ لَهُ: يَا أَخِي. وَبِهِ أُوغِثُ. أَيُّ بَرَادِرٍ.

إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي. مِنْ أَزْوَاجِ مَرْدٍ وَبِزْغِيَّاتٍ رَأَيْتُ مِنْهُمْ أَنْهَا خُوشَمِ آمَد. رَأَيْتُهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ، وَ يَفُكُّ الْأَسِيرَ، وَ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ يَعْرِفُ قَدْرَ الْكَبِيرِ، وَ مَا رَأَيْتُ أَجْوَدَ وَ لَا أَكْرَمَ مِنْهُ. او را دیدم که فقیر را دوست می‌داشت، اسیر را آزاد می‌کرد، به کوچک رحم می‌کرد، قدر بزرگ را می‌دانست و بخشنده‌تر و بزرگوارتر از او ندیدم.

فَإِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِلْسَابِقِ فَضْلُهُ. پس اگر پیامبر است سبقت گیرنده [در ایمان به او] دارای فضیلت است. وَ إِذَا يَكُونُ مَلِكًا فَلَا تَزَالُ فِي عِزِّ مُلْكِهِ. و اگر پادشاه است که پیوسته در [سایه] ارجمندی پادشاهی او هستی. فَجَاءَ عَدِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَ وَ اسْلَمَتْ سَفَانَةُ.

پس عدی به سوی فرستاده خدا آمد و مسلمان شد و سَفَانَه نیز مسلمان شد.

^۱ هیچ کس نزد او با خواسته‌ای نیامد که او را ناامید برگردانده باشد. (برگرداند)

الدَّفْتَرُ الْخَامِسُ مِنَ الْمَثْنَوِيِّ الْمَعْنَوِيِّ لِـ «مَوْلَانَا جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ»

(دفتر پنجم مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی)

گفت پیغمبر که رحم آرید بر جان مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَافْتَقَر

(پیغمبر (ص) فرمود که رحم کنید بر جان کسی که ثروتمند بود و فقیر شد)

وَالَّذِي كَانَ عَزِيْزًا فَاحْتَقِرَ أَوْ صَفِيًّا عَالِمًا يَبْنَ الْمَضَر

(و کسی که صاحب عزت بود و خوار شد یا برگزیده دانایی که بین گروه نادانان است)

گفت پیغمبر که با این سه گروه رَحْمَ آرید از ز سنگید و ز کوه

آنکِ او بعد از رئیسی خوار شد وان توانگر هم که بی‌دینار شد

وان سوم آن عالمی کاند در جهان مبتلی گردد میان ابلهان

پاسخ‌های بخش درک مطلب: غ ص غ ص غ

اعلموا:

هدف قواعد درس ششم آشنایی با حروف «لَمْ، لَ و لا» است. دانش‌آموز با ترجمه فعل‌های مضارع دارای این حروف آشنا می‌شود. باید بداند که لَمْ یَفْعَلُ معادل ماضی ساده یا ماضی نقلی در فارسی است. لِيَفْعَلْ و لا يَفْعَلْ معنای الزام دارد و معادل مضارع التزامی در فارسی است؛ دبیر می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند، برای این کار از دانش‌آموزان می‌خواهد فرق یَفْعَلْ و لِيَفْعَلْ، يَفْعَلُونَ و لَمْ يَفْعَلُوا و ... را کشف کند. سپس خودش راهنمایی بیشتر انجام می‌دهد. این کار صرفاً برای فهم بهتر انجام می‌شود و در امتحان ارزیابی از این مطلب به عمل نمی‌آید؛ مثلاً چنین سؤالاتی خارج از اهداف است:

بر سر فعل‌های زیر حرف لم اضافه کنید و تغییرات لازم را انجام دهید.

يَقْرَأُ، يَسْتَرْجِعُونَ، يَبْأَسْنَ

نوع اعراب رفع و جزم و اصلی یا فرعی بودن این فعل‌ها را مشخص کنید.

يُحْسِنُ، لا يَذْهَبُ، لِيَعْمَلُوا

ساختن فعل و تعریب از اهداف نیست. دانش‌آموزی که بتواند فعل مضارع مجزوم را بشناسد و درست ترجمه کند خود به خود به مهارت ساختن نیز دست خواهد یافت. این امر بالعرض حاصل خواهد شد. هدف درس عربی فهم متن است. لذا تعریب از اهداف کتاب نیست.

دانش‌آموز باید انواع لَ و لا را در جملات واضح تشخیص دهد.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد. برای این کار حدود دو دقیقه به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم تا این تمرین را حل کنند. سپس از پنج نفر می‌خواهیم جوابشان را بخوانند و هر جمله را ترجمه کنند. نیازی به نوشتن ترجمه نیست؛ زیرا عبارت‌های این تمرین همان عبارات متن درس هستند.

۱. الَّذِي لَا رَجَاءَ لَهُ لِلْجَحِّ فِي هَدَفِهِ: الْخَائِبِ

۲. أَصْبَحَ فَقِيرًا وَ لَا ثَرَوَةً لَهُ: اِفْتَقَرَ

۳. الَّذِي حُزْنُهُ كَثِيرٌ: الْمَكْرُوبِ

۴. الْأُسْرَةُ وَ الْأَقْرَبَاءُ: الْأَهْلُ

۵. أَعْطَاهُ الطَّعَامَ: أَطْعَمَ

تمرین دوم و سوم:

فهم آیات قرآن از اهداف اصلی آموزش عربی در ایران است؛ تمرین دوم درس ششم در راستای همین هدف است؛ آنچه را دانش‌آموز در بخش قواعد خوانده است، در این تمرین بازآموزی و یادآوری می‌کند.

تمرین چهارم و پنجم:

هدف این تمرین تقویت مهارت شناخت انواع فعل در جمله است. مهم‌ترین بخش هر زبانی فعل است. در کتاب درسی به اندازه کافی این تمرین نهاده شده است.

تمرین ششم:

این تمرین از زیباترین تمرینات کتاب درسی است. در سال‌های گذشته تمرینات این چینی همواره برای دانش‌آموز جذاب بوده است. این تمرین پیوندی میان ادبیات فارسی و عربی است؛ متأسفانه طرح ضعیف سؤال در مسابقات و آزمون سراسری موجب شده است به این مطلب آسیب وارد شود. طرح سؤال از این قسمت بسیار

وقتگیر و دشوار است و برای دانش‌آموز لذت بخش است. به شرط اینکه طراح درست سؤال طرح کند. لازمه توانایی طرح سؤال تسلط بالای دبیر به ادبیات هر دو زبان است که بتواند شاهد مثال مناسب بیاورد.

البحث العلمي:

هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. آشنایی با کسانی که به زبان و ادبیات فارسی و عربی خدمت کرده‌اند موجب می‌شود دانش‌آموز فکر کند اکنون وظیفه او در برابر فرهنگش چیست؟

شعر عمر خیّام نیشابوری به زبان‌های بسیاری از جمله زبان عربی ترجمه شده است. دانستن این نکته برای دانش‌آموز بسیار جالب است. احمد رامی اشعار خیّام را به نیکویی به زبان عربی برگردانده است. احمد رامی (زاده ۹ اوت ۱۸۹۲، درگذشت ۵ ژوئن ۱۹۸۱) شاعر، ترانه‌نویس و مترجم مصری بود که در اصل ترک بود. کارهای وی دربردارنده برگردان‌هایی از چند نمایشنامه شکسپیر و رباعیات شاعر ایرانی خیّام نیشابوری بود. رامی همچنین نقش چشمگیری با بهره‌گیری از زبان ساده برای بیان موضوعات والا در پیشبرد ترانه عربی بازی کرد. برای پاسداشت کوشش‌های چشمگیر وی در ترانه‌سرایی عربی او را «چامه‌سرای جوانی» نام نهادند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی:

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا نم‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. أَهْل: جمع آن أَهْلُونَ و أَهَالٍ و أَهَال و أَهَلَات و أَهَلَات است. به معنای فامیل و خویشاوندان؛ «أَهْل الرَّجُل»: همسر مرد؛ «أَهْلُ الْبَيْت»: افراد ساکن در خانه؛ «أَهْلُ الْأَمْرِ»: اولیاء امر؛ «أَهْلُ الْخَبْرَةِ»: کارشناسان، متخصصین، آزمودگان؛ «أَهْلُ الْوَجَاهَةِ»: بزرگان و صاحب‌نظران؛ «أَهْلُ الْمَذْهَبِ»: همکیشان؛ «أَهْلُ الْوَبَرِ»: چادرنشینان؛ «أَهْلُ الْمَدَرِ أَوْ الْحَضَرِ»: شهرنشینان؛ «أَهْلُ لِكْذَا»: شایسته آن چیز است.

۲. خَائِب: ناامید، ناکام، نافرجام، دلسرد

۳. رَدَّ: رَدَّاً و مَرْدَاً و مَرْدُوداً و رَدَّيْدَى [رَدَّ] هُ عَنِ كَذَا: از آن کار وی را بازداشت، او را برگردانید.

رَدَّ هُجُوماً: جلوی یورش را گرفت و آن را برگردانید.

رَدَّهْمُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ: آنها را به سرزمینشان برگردانید.

رَدَّهْ إِلَى بَيْتِهِ: او را به خانه‌اش باز گردانید.

رَدَّ عَلَيْهِ الشَّيْءَ: آن چیز را از او نپذیرفت.

رَدَّ إِلَيْهِ جَوَاباً: برایش پاسخ فرستاد.

رَدَّ الشَّيْءَ: آن چیز را به گونه‌ای دیگر درآورد.

رَدَّ فُلَاناً: فلانی را به اشتباه نسبت داد.

رَدَّ التُّهْمَةَ: اتهام را رد کرد.

رَدَّ الْبَابَ: درب را بست؛ «مَا يَرُدُّ هَذَا عَلَيْكَ شَيْئاً»: این چیز به تو سودی نمی‌رساند.

رَدَّ رَدَّاً و مَرْدَاً و مَرْدُوداً و رَدَّيْدَى و تَرَدَّاداً الْقَوْلَ: سخن را تکرار کرد.

۴. لَمْ: حرف جزم برای نفی فعل مضارع و تغییر معنای آن به ماضی است؛ مانند: «لَمْ يَأْكُلْ»: نخورد،

نخورده است، و گاهی همزه استفهام قبل از آن می‌آید و نفی به شکل مثبت می‌شود، و معنای تقریر

و توبیخ را می‌رساند؛ مانند: «أَلَمْ أَقُلْ لَكَ»: آیا به تو نگفتم؟ و گاهی میان همزه و لَمْ حرف «فَ» یا

«وَ» می‌آید، مانند: «أَفَلَمْ أَقُلْ لَكَ» و «أَوَلَمْ أَقُلْ لَكَ».

۵. دُو: مثنَّاهُ دَوَانٍ جمع آن دَوُون: اسم به معنای دارنده است، و اِعراب آن مانند اعراب اسم‌های پنجگانه

است؛ «دُو عَقْلٍ»: باهوش، خردمند؛ «دُو شَأْنٍ»: با اهمیّت، صاحب منزلت؛ «دُو الْقُرْبَى»: خویشاوندان

نزدیک؛ «دُو مَالٍ»: توانگر، پولدار؛ «دَوُو الشَّأْنِ»: اشخاص با نفوذ، اولیاء امر؛ «دَوُو الْأَرْحَامِ»: خویشان

و نزدیکان؛ «الدَّوُون»: نام پادشاهان قدیمی در یمن.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اهداف رفتاری درس هفتم

دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

۱. متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
۲. پیام درس را درک کند.
۳. به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
۴. معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
۵. با معانی افعال پرکاربرد ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» به ویژه فعل مهمَّ کان در جمله آشنا شود.

فرایند آموزش:

متن درس هفتم آموزش امید به زندگی است. این واقعیت که درصدي از دانش‌آموزان نقص جسمی، یا مشکلات بسیار در زندگی دارند، انکارناپذیر است. متن درس هفتم به زندگی چند تن پرداخته است، که با وجود سختی در زندگی موفق شده‌اند. دبیر می‌تواند بستگی به وقتِ کلاس در این زمینه آگاهی لازم را به دانش‌آموزان دهد، و از آنان بخواهد، تا اگر نمونه‌های دیگری را می‌شناسند، نام ببرند.

هماهنگی در ترجمه متن درس هفتم:

«مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرکس چیزی را بخواهد و بکوشد، می‌یابد. (هرکس چیزی را خواست و کوشید، یافت.)
 لَا مُشْكِلَةَ قَادِرَةً عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَيَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ وَقُدْرَاتِهِ.
 هیچ مشکلی نیست که قادر به شکستِ شخصی باشد که به خدا توکل می‌کند و به خودش و توانمندی‌هایش تکیه می‌کند.

كَثِيرٌ مِنَ النَّاجِحِينَ أَثَارُوا إِعْجَابَ الْآخَرِينَ؛ مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعَوِّقِينَ أَوْ فُقَرَاءَ أَوْ كَانُوا يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ كَثِيرَةً فِي حَيَاتِهِمْ، وَمِنْ هَؤُلَاءِ:

بسیاری از افراد موفق موجب شگفتی دیگران شده‌اند؛ با وجود اینکه معلول، یا فقیر بوده‌اند، یا در زندگیشان با مشکلات بسیار روبه‌رو بوده‌اند، از آن جمله:

الْأُسْتَاذُ مَهْدِيٌّ أَذْرِيذِيٌّ وَهُوَ أَشْهَرُ كَاتِبٍ لِقِصَصِ الْأَطْفَالِ، فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ.

استاد مهدی آذریزدی نامدارترین نویسنده داستان‌های کودکان، در سن بیست سالگی کارگری ساده بود، سپس کتابفروش شد، و در [طول] زندگی‌اش به مدرسه نرفته بود.

هیلین کیلر عِنْدَمَا بَلَغَتْ مِنَ الْعُمُرِ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا، أُصِيبَتْ بِحُمَى صَيَّرَتْهَا طِفْلَةً عَمِيَاءَ صَمَاءَ بَكْمَاءَ.

هیلن کیلر هنگامی که به نوزده ماهگی رسید، دچار تبی شد که او را کودکی نابینا، ناشنوا و لال گردانید. فَأَرْسَلَهَا وَالِدَاهَا إِلَى مُؤَسَّسَةِ اجْتِمَاعِيَّةٍ لِلْمُعَوَّقِينَ.

پدر و مادرش او را به مؤسسه اجتماعی معلولان فرستادند.

اِسْتَطَاعَتْ مُعَلِّمَتُهُ «هیلین» أَنْ تُعَلِّمَهَا حُرُوفَ الْهَجَاءِ وَالتَّكَلُّمَ عَنْ طَرِيقِ اللَّمْسِ وَالشَّمِّ.

معلم هلن توانست که از راه لمس و بویایی حروف الفبا و سخن گفتن به او یاد دهد.

وَلَمَّا بَلَغَتْ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهَا، أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ، وَحَصَلَتْ عَلَى عَدَدٍ مِنَ الشَّهَادَاتِ الْجَامِعِيَّةِ.

و وقتی که به بیست سالگی رسید، در جهان سرشناس شد، و تعدادی مدارک دانشگاهی به دست آورد.

وَأَخِيرًا اِسْتَطَاعَتْ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى الْبُلْدَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. وَأَلْقَتْ عِدَّةَ مُحَاضَرَاتٍ وَأَصْبَحَتْ أُعْجُوبَةً عَصْرِهَا.

و سرانجام توانست که به کشورهای گوناگون سفر کند، و چند سخنرانی ایراد کرد و مایه شگفتی (شگفت‌انگیز) روزگار شد.

أَلَفَتْ «هیلین» ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.

هلن هجده کتاب تألیف کرد که به پنجاه زبان ترجمه شدند.

مَهْتَابُ نَبَوِيٍّ بِنْتُ وَلَدَتْ بِدُونِ يَدَيْنِ، وَ رُغْمَ هَذَا فَهِيَ تَكْتُبُ وَتَرْسُمُ وَتَسْبِخُ، وَحَصَلَتْ عَلَى الْجِزَامِ الْأَسْوَدِ فِي التَّكْوَانِدُو وَأَلْفَتْ كِتَابًا.

مهتاب نبوی دختری بدون دست است، و با وجود این، می‌نویسد، نقاشی می‌کشد و شنا می‌کند، و کمربند مشکی در تکواندو گرفت و کتابی را تألیف کرد.

کریستی براون وَلَدَتْ فِي أُسْرَةٍ فَقِيرَةٍ وَكَانَ مُصَابًا بِالشَّلَلِ الدِّمَاغِيِّ، وَلَمْ يَكُنْ قَادِرًا عَلَى السَّيْرِ وَالْكَلَامِ. فَسَاعَدَتْهُ أُمُّهُ.

کریستی براون در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد، و دچار فلج مغزی بود، و قادر به حرکت و سخن گفتن نبود. بنابراین، مادرش او را کمک کرد.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَخَذَ كَرِيسْتِي قِطْعَةً طَبَّاشِيرَ بِقَدَمِهِ الْيُسْرَى وَهِيَ الْعُضْوُ الْوَحِيدُ الْمُتَحَرِّكُ مِنْ بَيْنِ أَطْرَافِهِ الْأَرْبَعَةِ وَرَسَمَ شَيْئاً.

در روزی از روزها کریستی با پای چپش که تنها اندام تحرک از بین دست و پایش بود تگّه گچی را برداشت و چیزی را نقاشی کرد.

وَمِنْ هُنَا ابْتَدَأَتْ حَيَاتُهُ الْجَدِيدَةَ. اجْتَهَدَ كَرِيسْتِي كَثِيراً، وَأَصْبَحَ رَسَّاماً وَشَاعِراً وَأَلَّفَ كِتَاباً بِاسْمِ «قَدَمِي الْيُسْرَى». و از همین جا زندگی نوینش آغاز شد. کریستی بسیار تلاش کرد، و نقاش و شاعر شد و کتابی به نام «پای چپم» تألیف کرد.

فَأَصْبَحَ الْكِتَابُ فِي مَا بَعْدُ فُلْماً حَصَلَ عَلَى جَائِزَةِ أَوْسْكَار.

این کتاب بعدها فیلمی شد که موفق به دریافت جایزه اسکار شد.

اعلموا:

هدف این است که دانش آموز معانی افعال ناقصه را در جمله درست تشخیص دهد.

افعال ناقصه‌ای که دانش آموز می‌خواند عبارتند از: كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ.

مطلب اصلی درس بر سر فعل كان است. معانی و کاربردهای گوناگون فعل كان در درس آموزش داده شده است. اهمیتی که فعل كان دارد سه فعل دیگر کمتر دارند. این فعل در ترکیب با افعال دیگر معادل ماضی بعید و ماضی استمراری می‌شود. گاهی نیز كان از حالت فعل ناقص (ربطی) خارج می‌شود و به معنای وجود داشتن است. كان به معنای «بود» و «است» فعل كان بر سر حرف جرّ که معادل مفهوم «داشتن» است، همه این موارد موجب کاربرد دقیق و چند منظوره كان می‌شود.

دبیر می‌تواند به تغییری که فعل ناقص در اسم و خبر پدید می‌آورد اشاره کند؛ مثلاً از دانش آموز بخواهد فرق این جملات را بیان کند:

سَعِيدٌ حَاضِرٌ. كَانَ سَعِيدٌ حَاضِراً.

الرَّبِيعُ جَمِيلٌ. أَصْبَحَ الرَّبِيعُ جَمِیلاً.

و به دانش آموز بگوید فعل ناقص معمولاً اعراب خبر را منصوب می‌کند؛ ولی این توضیح به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح کند و یا سؤال امتیازی بدهد و هرکس توانست پاسخ دهد نمره اضافه بگیرد. بدیهی است که در هیچ آزمونی و کتاب کاری چنین سؤالاتی طرح نمی‌شود.

هدف این نیست که هرچه در صرف و نحو است در دوره دبیرستان به دانش‌آموز آموزش داد. آن کس که علاقه‌مند است در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات عرب یا مترجمی زبان عربی ادامه تحصیل خواهد داد. دو ساعت در هفته زمان محدودی است و دبیر فرصت کافی برای تقویت مهارت‌های شفاهی را در صورتی که کتاب پر حجم باشد از دست خواهد داد. حجم زیاد کتاب موجب خواهد شد دبیر نگران زمان به پایان رساندن کتاب باشد، به همین منظور سعی شده است کتاب درسی کم حجم باشد.

درک مطلب

﴿ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. ﴾

۱. أَيُّ مُشْكِلَةٍ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الْمُتَوَكِّلِ عَلَى اللَّهِ؟ پاسخ: لَا مُشْكِلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ.

۲. كَمْ كِتَاباً أَلَفْتُ «هیلین کیلر»؟ أَلَفْتُ «هیلین» ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَاباً

۳. مَا اسْمُ كِتَابِ كَرِيسْتِي بِرَاوْن؟ قَدَمِي الْيُسْرَى.

این پاسخ‌ها و پاسخ سؤالات مشابه آن در کتاب درسی دقیقاً در متن وجود دارد.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

در این تمرین فراگیر جمله‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند، سپس در پی یافتن گزینه‌های درست و نادرست بر می‌آید. این کار مهارت درک و فهم او را تقویت می‌کند.

۱. الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيَاضَةٌ أَوْ مُلَوَّنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبَّوْرَةِ وَ مِثْلُهَا: صحيح

۲. الْأَبْكَامُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ، وَ مُؤَنَّثُهُ «بَكْمَاءُ»: صحيح

۳. الْأَصَمُّ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى، وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاءُ»: غلط

۴. إِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِنْ عَلَائِمِ الْمَرَضِ: صحيح

۵. شَمُّ الْقِطِّ أَقْوَى مِنْ شَمِّ الْكَلْبِ: غلط پاسخ به این سؤال نیازمند داشتن اطلاعات عمومی است. (البته

سوال برای دانش‌آموز پایه یازدهم دشوار نیست.)

تمرین دوم و چهارم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه است. این تمرین بر اساس آموخته‌های فراگیر در بخش قواعدِ انواع فعل است. شناخت و ترجمه فعل مهم‌ترین بخش قواعد زبان عربی است. هر اندازه دبیر بتواند در این زمینه در کلاس کار کند کم است. مهارت شناخت فعل بسیار اهمیت دارد.

این موضوع در بارم‌بندی پایه‌های دهم و یازدهم نیز لحاظ شده است.

هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

تمرین سوم:

هدف، تثبیت آموخته‌های پیشین است. این تمرین در کل کتاب یازدهم تکرار شده و در کتاب پایه دوازدهم نیز مجدداً تکرار خواهد شد. با تکرار و تمرین می‌توان امیدوار بود دانش‌آموز کم‌کم دانسته‌هایش تعمیق یابد، و با گذشت زمان، آموخته‌هایش فراموش نشود.

حفظ آیات و احادیث و به کارگیری آنها در جایگاه مناسب از اهداف کتاب است؛ اما نباید آنها را به این کار مجبور کرد. دبیر توانمند با ایجاد علاقه و انگیزه موجب خواهد شد دانش‌آموز احساس نیاز کند و در پی حفظ آنها برآید.

تمرین پنجم:

هدف این تمرین تکرار آموخته‌های بخش «اعلموا» است.

تمرین ششم:

هرچند هدف این تمرین نیز مانند تمرین پنجم تکرار آموخته‌های بخش «اعلموا» است؛ اما تنوع به کار رفته موجب می‌شود تا دانش‌آموز خسته نشود.

البحث العلمي:

هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. دانش‌آموز علاقه‌مند می‌تواند در منابع جست و جو کند و در باره پژوهش درس مطالبی بنویسد. انجام این بخش داوطلبانه است. به یاد داشته باشیم درس عربی

با همهٔ دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدّ نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. انجام این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است.

مراقب باشیم کار پژوهش را خود دانش‌آموز انجام دهد. شوربختانه برخی سودجویان کارهای پژوهش را انجام می‌دهند و به افراد می‌فروشند. دقّت در شیوهٔ اجرای پژوهش تا حدودی می‌تواند در موفقیت بخش البحث العلمي کمک کند.

موضوع پژوهش موجب امید به زندگی می‌شود. اطلاع یافتن از سختی‌های زندگی افراد باعث می‌شود افراد در برابر ناملازمات زندگی تحمل بیشتری داشته باشند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی:

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا نمآهنگ‌های کوتاهی تهیّه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱. أَطْرَافُ: «أَطْرَافُ الْبَدَنِ»: دو دست و دو پای و سر؛ «أَطْرَافُ الرَّجُلِ»: خویشاوندان آن مرد؛ «أَطْرَافُ النَّاسِ»: مردم ناشناس بر خلاف سرشناسان، اشراف و بزرگان آنها. أَطْرَافٌ مُتَعَاذَةٌ: طرف‌های قرارداد؛ أَطْرَافٌ مُتَنَازِعَةٌ: طرف‌های درگیر؛ أَطْرَافٌ مَعْنِيَّةٌ: مقامات ذی صلاح؛ مُتَعَدُّ الْأَطْرَافِ: چند جانبه؛ طَرَفٌ: جمع أَطْرَافٌ و جمع الجمع أَطَارِيفٌ: مرد بزرگوار، انتهای هر چیزی، ناحیه، یک دسته از چیزی؛ «قَصَّ عَلَيْهِ طَرَفًا مِنْ حَيَاتِهِ»: حوادث زندگی‌اش را برای او گفت. «مِنْ طَرَفِ فُلَانٍ»: از سوی فلانی، «كَانَ وَ إِيَّاهُ عَلَى طَرَفِي نَقِيضٌ»: هر دو نفر با هم در جهت مخالف یکدیگر بودند؛ «الطَّرْفَانِ»: دو طرف قرارداد و یا دو طرف دعوی؛ «أَطْرَافُ الْمَدِينَةِ»: حومه شهر؛ «مُتَرَامِي الْأَطْرَافِ»: وسیع و پُردامنه ...
۲. حِزَامٌ: کمربند؛ حِزَامُ الْأَمَانِ: کمربند نجات؛ حِزَامُ الْأَمْنِ: تدابیر احتیاطی برای سلامتی جامعه
۳. حُمَّى: تب؛ حُمَّى الْإِنْتِخَابَاتِ: تب و تاب انتخابات
۴. رُغْمٌ: ستم، خواری، ناپسندی؛ «أَتَى عَلَى رُغْمِهِ»: بر خلاف میل خود آمد، خاک. الرُّغْمُ: مترادف الرُّغْمُ است؛ «رَغَمَ كَذَا أَوْ رَغَمَ أَنْ»، و «رَغَمًا عَنْ»، و «على الرُّغْمِ مِنْ و بِالرُّغْمِ مِنْ»، و «بِالرُّغْمِ عَنْ»، و «بِالرُّغْمِ مِنْ أَنْ»: بر خلاف میل و خواسته چیزی.
۵. شَهَادَةٌ: مصدر است از شَهِدَ لَهُ أَوْ عَلَيْهِ: گواهی دادن به سود، یا به زیان کسی، سوگند، کشته شدن در راه خدا، جهان و کهکشان آشکار که در برابر جهان ناآشکار است، تصدیق یا گواهی پزشکی برای بیمار، گواهینامه تحصیلی
شَهَادَةُ الْإِبْتِدَائِيَّةِ: گواهینامه پایان تحصیلات دوره ابتدایی برای دانش‌آموزان قبول شده؛ «شَهَادَةُ حُسْنِ السُّلُوكِ»: گواهی سابقه خوب و نداشتن پیشینه بد.
۶. طَبَاشِيرٌ: گچ، نشان، علامت سفید کردن، با گچ خط کشیدن، با گچ نشان گذاردن/ طَبَاشِيرٌ مُلَوَّنٌ: مداد رنگی مومی، مداد ابرو، نقاشی کردن/ طَبَشُورَةٌ: جمع طَبَاشِيرٌ: تباشیر، گچ تخته. طَبَاشِيرٌ مُعَرَّبٌ تباشیر فارسی است.
۷. رَوْحٌ: شادمانی، راحت، رحمت، عدالت، یاری کردن، نسیم باد؛ «يَوْمٌ رَوْحٌ»: روزی خوش؛ «لَيْلَةٌ رَوْحَةٌ»: شبی خوش

پاسخ پرسش‌های شما:

۱. پرسش: مبلغ در «کم صار المبلغ؟» چه نوع کلمه‌ای است؟
پاسخ: مصدر میمی است.
۲. چرا در آیه ۲۲ سورة اعراف برای الشجرة اسم اشاره تلکما به کار رفته است؟
پاسخ: کاف در اسم اشاره تلک حرف خطاب است؛ یعنی برای مشار له به کار برده می‌شود و چون در این آیه مشار له دو نفر «آدم و حواء» هستند، تلکما برای درخت اشاره شده است؛ مثال بیشتر:
﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنْنِي فِيهِ﴾ يوسف: ۳۲
كُنَّ اشاره برای زنان است.
(ذلک، تلک، ذلکما، تلکما، تلکم، تلکن)
۳. اگر خبر افعال ناقصه با بای زائده همراه باشد، مانند ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ نوع خبر چیست؟
الف: شبه جمله ب: مفرد پاسخ: مفرد است.
۴. اگر بخواهیم جمله ﴿كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا﴾ را از نظر نوع جمله حساب کنیم چه نوع جمله‌ای است؟
الف: اسمیه ب: فعلیه
پاسخ: اختلاف وجود دارد. برخی اسمیه می‌گویند؛ زیرا افعال ناقصه ادوات ربط هستند و دلالت بر حدث ندارند و برخی فعلیه می‌دانند؛ چون با فعل شروع شده است.
۵. پرسش: در «أَنْ + لا» ادغام درست است یا فک ادغام؟ (أَنْ لا) یا (أَلَا)
پاسخ: در قرآن به دو شکل آمده است: یک بار به صورت ﴿وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾ بقره: ۲۲۹ و بار دیگر مانند این آیه: ﴿حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ اعراف: ۱۰۵
۶. پرسش: در جمله «عليك بذكر الله» با توجه به اینکه «عليك» معنای فعل دارد، آیا یک جار و مجرور داریم یا دو تا؟
پاسخ: اسم فعل در عربی دو نوع است: منقول و مرتجل، و «عليك» اسم فعل منقول از جار و مجرور است، و متعلق ندارد، هرچه باشد جار و مجرور است، و از این خارج نمی‌شود.
۷. پرسش: ﴿رَوَّجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾ یعنی چند تا؟ پاسخ: دو تا: یک نر و یک ماده.
۸. ترجمه «یک هفته در میان» به عربی چیست؟ کُلُّ أُسْبُوعَيْنِ.

یک هفته در میان به خانهٔ عمویم می‌روم: أَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ عَمِّي كُلَّ أُسْبُوعَيْنِ.

۹. پرسش: در جملهٔ «سبع یجری للعبد أجرهن» مرجع ضمیر «هن» چیست؟

پاسخ: به معدود محذوف برمی‌گردد، که به قرینه حذف شده است.

۱۰. پرسش: فعل لازم و متعدی را چگونه تشخیص دهیم؟

لازم و متعدی بودن فعل در میان اهل زبان سماعی است. در زبان عربی برای شناخت فعل لازم یا

متعدی ابن مالک در الفیه‌اش برای عرب زبانان گفته است:

علامة الفعل المعدي أن تصل ... ها غير مصدر به نحو عمل

یعنی برای شناخت فعل متعدی، باید هاء ضمیر (بشرط اینکه این هاء به مصدر برنگردد) به آخر آن

وصل کنید، و پس از وصل کردن، اگر فعل معنا داشته باشد، متعدی است؛ مانند: كَتَبْتُه. (آن را نوشتم).

و اگر معنا نداشته باشد، لازم شمرده می‌شود؛ مانند: ذَهَبْتُه. (معنا نادرست است). بنابراین، لازم است.

با این قاعده برای یک غیر عرب شناخت فعل متعدی از لازم امکان ندارد، و نمی‌تواند از این قاعده

استفاده بکند، و فعل متعدی را از لازم تشخیص دهد.

در زبان فارسی نیز برای تشخیص فعل متعدی یک قاعده وجود دارد. از فعل سؤال می‌کنیم: «چه

چیزی را؟ یا چه کسی را؟؛ مثال برای فعلِ «رفت» می‌پرسیم: «چه کسی را رفت؟» یا «چه چیزی را

رفت؟» و پاسخی وجود ندارد و پرسش بی‌معناست.

برای فعلِ «نوشت» می‌پرسیم: «چه چیزی را نوشت؟» و این سؤال معنا دارد، پس فعلِ «نوشت»

متعدی است.

این شیوه برای خود اهل زبان است، نه برای کسانی که فارسی زبان نیستند و می‌خواهند زبان فارسی

یاد بگیرند.

یادگیرندهٔ زبان عربی می‌تواند قاعدهٔ فارسی را برای شناخت فعل متعدی عربی به‌کار ببرد، و از معنا

تشخیص دهد که این فعل متعدی است، نه لازم. ولی این قاعده بر بسیاری از افعال عربی صادق

نیست؛ زیرا افعالی در عربی داریم که دو وجهی هستند، یعنی هم لازم و هم متعدی می‌آیند، و

شناخت آنها از جمله حاصل می‌شود؛ مانند وقف، جاء، رجع. و فعل‌هایی وجود دارند که در فارسی

متّمم می‌گیرند؛ مانند: (پرسیدن، تشکر کردن) در دو جملهٔ «از او پرسید.» و «از او تشکر کرد.» ولی در

عربی متعدی هستند، مانند: سألته و شكرته.

بنابراین، تشخیص فعل متعدی از لازم سماعی است و در کتب درسی باید در تمرین از فعل متعدی

سؤال کنیم که مفعولش در جمله وجود داشته باشد؛ زیرا فعل‌هایی داریم که متعدی هستند ولی

مفعولشان برای هدفی حذف شده است، و شناخت اینها برای دانش‌آموز مشکل است، و همچنین ما می‌توانیم در تمرین از فعل لازم سؤال کنیم، در صورتی که افعال متعددی بدون مفعول در جمله سؤال شده نباشد؛ زیرا امکان دارد دانش‌آموز سراغ فعل متعددی بدون مفعول برود.

۱۱. پرسش: آیا تکرار حرف عطف اشکال دارد؟

۱۲. پاسخ: اشکالی ندارد؛ در قرآن تکرار به کار رفته است؛ مانند ﴿فَأَحْيَاكُم ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ﴾

۱۳. پرسش: در جمله «كَمْ طَالِباً...؟» کدام درست است؟ «كَمْ طَالِباً ذَهَبَ؟» یا «كَمْ طَالِباً ذَهَبُوا؟»

۱۴. پاسخ: هرچند هر دو درست است؛ ولی مفرد بهتر است.

۱۵. پرسش: اگر فعل شرط ماضی باشد، جواب شرط جایز است به عنوان خبر برای مبتدای محذوف به صورت مرفوع بیاید، در این صورت، آیا جواب شرط، جمله اسمیه محسوب خواهد شد؟

۱۶. پاسخ: آری؛ ابن مالک می‌گوید: بَعْدَ مَاضٍ رَفْعُكَ الْجَزَا حَسَنٌ وَ رَفْعُهُ بَعْدَ مُضَارِعٍ وَهَنٌ

۱۷. پرسش: نحت چیست؟

پاسخ: نحت کوتاه کردن یک جمله است؛ گویی از کلمات آن تراشیده شده است و کلمه کوتاه شده را مَنحوت (تراشیده شده) می‌نامند؛ مانند:

قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ = بَسْمَلٌ.

قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. = هَلَّلٌ.

قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. = حَمْدَلٌ.

قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ. = سَبَّحٌ.

قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. = حَوَقَلٌ.

النَّحْتُ فِي اللُّغَةِ، تَوْلِيدُ كَلِمَةٍ جَدِيدَةٍ بِتَرْكِيبِ اثْنَتَيْنِ عَلَى الْأَقْلَى.

أَوَّلُ مَنْ طَرَقَ بَابَ النِّحْتِ «الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ» حِينَ عَرَفَهُ وَسَمَّاهُ «النِّحْتُ».

وقد أكَثَرَتْ مِنَ الْحَيْعَلَةِ؛ أَيُّ مِنْ قَوْلِكَ: حَيَّ عَلَى، وَهَذَا يَشْبَهُ قَوْلَهُمْ: تَعَبَشُمَ الرَّجُلُ وَتَعَبَقَسَ، وَرَجُلٌ عِبْشَمِيٌّ: إِذَا كَانَ مِنْ عَبْدٍ شَمْسٍ أَوْ مِنْ عَبْدٍ قَيْسٍ، فَأَخَذُوا مِنْ كَلِمَتَيْنِ وَاشْتَقَوْا فِعْلاً... فِهَذَا مِنَ النِّحْتِ.

وعرفه كذلك أُمَّةُ اللُّغَةِ وَالنَّحْوِ كَسِيبُوه فِي كِتَابِهِ حِينَ كَتَبَ:

«وَأَمَّا حَيْهَلُ النَّتِيِّ لِلأَمْرِ فَمِنْ شَيْئَيْنِ، يَدُلُّكَ عَلَى ذَلِكَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ...، وَقَدْ يَجْعَلُونَ لِلنَّسَبِ فِي الْإِضَافَةِ

أَسْمَاءً بِمَنْزِلَةِ جَعْفَرٍ وَيَجْعَلُونَهُ مِنْ حُرُوفِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَلَا يَخْرُجُونَهُ مِنْ حُرُوفِهِمَا لِيَعْرِفَ...، فَمِنْ ذَلِكَ:

عِبْشَمِيٌّ وَعَبْدَرِيٌّ».

كما وَرَدَ عند الشَّاعر «عمر بن أبي ربيعة» في قوله:

لقد بَسَمَلْتُ ليلي غداة لقيتها فيا حَبْذا ذاك الحديث المُبَسَّمَلُ

ومن أقوال العرب قولهم «فلان كثير المشألة» أي يكثر من قول «ما شاء الله». ومن الأمثلة «جلمود»

الواردة في شعر «امرئ القيس» نحتت من جلد وجمد. أما عند المتأخرين.

بين النحت والتركيب

يختلف النحت عن التركيب المزجي في أن التركيب يحتفظ بالعناصر المكونة له دون نقصان على حين أن

الكلمات المنحوتة تصهر في بعضها البعض؛ مثال:

لاسلي وبرمائي من أمثلة التركيب المزجي لاحتفاظها بمركباتها دون نقصان؛ مثال:

«زمكان» من أمثلة النحت لانصهار كلمتي «الزمان والمكان» في كلمة واحدة. كذلك «كهروطيسية»

منحوتة من كهرباء ومغناطيسية.

للنحت ثلاثة ضروب في اللغة العربية:

١. النحت النسبي: مثل عَبَشَمِيَّ (النسبة إلى عَبْدشمس)، عَبَدِي (للنسبة إلى العبادلة الأشراف)، بَهَشَمِي

(إلى بني هاشم) وقد يُنسَب إلى البلدان مثل طبرخزي (إلى طبرستان وخوارزم).

٢. النحت الفعلي: ينحت من الفعل كَبَسَمَلَ (قال بسم الله الرحمن الرحيم) وَسَبَّحَلَ (سبحان الله)

وحوقل (لا حول ولا قوة إلا بالله). ومصادرها البسملة والسبحلة والحوقلة.

٣. النحت الاسمي (الوصفي): وينحت من اسم وصفة مثل جلمود (جمد وجلد) وافرئعوا (فرق وفقع).

واستحدث اللغويون المعاصرون نحتاً جديداً لم تعرفه العربية من قبل وهو النحت الجاد لمواكبة

المصطلحات العلمية الحديثة. وهو على أربعة وجوه.

١. نحت السوابق: مثل فوبنفسجي (فوق بنفسجي)، ثُلْضِلْعِي (ثلاثي أضلاع)، يزغنت (يزيل المغنطة)،

ينزكر (ينزع الكربون). قَوْطِيعِي (خارق للطبيعة)، بَيْسِنِّي (بين الأسنان).

٢. نحت اللواحق: مثل صل (استئصال) وقط (قطع) ووج (وجع) وفتد (فتح) فتصبح مثلاً في سياق

الكلية: صلكل (استئصل الكلية) ووجعل (وجع الكلية) وفتكل (فتح الكلية) وقطكل (قطع الكلية) وهلم

جراً.

٣. نحت المركبات: هزجد (هزل جد) وزمكان (زمان مكان) وبرماجي (بر بحر جو)، السَّرْمَة، الكُرَيْضَة

(الكرية البيضاء)، قَبْتَارِيخِي (قبل التاريخ).

٤. نحت المقادير: مثل عَشْرل (عشر ألتار) وعَشْرَم (عشر أمتار) وعَشْرغ (عشر غرامات) بالفتح، أما بالضم

عُشْرل (عشر اللتر) عُشْرَم (عشر المتر).

هناك أيضا النحت الاستهلاكي: (إف إم) (الناتو) (وفا) (واس) (سبا) (حركة حماس) (حركة أمل).
وقد استجد في العربية كذلك نحت التهكم ومن أمثلته ما قاله «أنور الجندي» في وصف مريدي «طه حسين»
حيث دعاهم «طحاسنة» وكتاب توفيق الحكيم «مسرواية» (مسرحية رواية) وفصعية (فصيح عامية)
ومتشائل (متفائل متشائم). وقال «أبو منصور الأزهري» فلان يبرقل علينا أي يعد ولا يفعل والبرقلة من برق
وقال.

۱۸. پرسش: ملحقات به مثنی کدامها هستند؟

پاسخ: اسم مثنی دلالت بر دو شخص یا چیز می‌کند؛ مثال:

کتابان: دو کتاب (یک کتاب و یک کتاب دیگر).

اما «قمران» به معنای یک ماه و یک ماه دیگر نیست. بلکه منظور از قَمَرانِ ماه و خورشید است.

به این نوع اسمها در زبان عربی «ملحقات به مثنی» گفته می‌شود:

- الوالدان : الأب و الأم

- الحسنان : الحسن و الحسين